

سیمای خوشبختی در احادیث معصومین علیهم السلام

مؤلف: حمید رسائی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام
بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تاییبی احتمالی، روی این کتاب انجام
نگردیده است.

قرآن و عترت رسول خدا ﷺ دو سرچشمه ناب معارف اسلام اند که رهروان را به سوی کمال و سعادت رهنمون می‌شوند. این دو چشمه فیاض الهی، از ابتدای ظهور، عطش روحی انسانهای زیادی را فرو نشانده و گمراهان بسیاری را به سر منزل هدایت روانه ساخته اند.

استفاده از روشهای گوناگون تحقیق و نگارش، در این دو ثقل به یادگار مانده از رسول اکرم ﷺ، که سلیقه‌ها و فهمهای مختلف اجتماعی را ارضاء کند، راهی مفید برای گسترش فرهنگ قرآن و حدیث است. ^(۱) به کار بردن عنوانهای جذاب و دسته بندی جدید احادیث شیوه ای است که علاوه بر ساده تر تمدن معارف دینی، بر اشتیاق مخاطب نیز می‌افزاید. از این رو برای ترویج احادیث معصومین علیهم‌السلام در جامعه نیز باید چنین شیوه ای را در پیش گرفت.

این مجموعه در این زمینه، با تکیه بر یکی از عناوین این کوثر الهی، فروتنانه در پی آن است که برای نخستین بار، با تمسک به واژه طوبی، اسباب خوشبختی و زندگی طیب و پاک را در کلام آن بزرگواران جستجو کند و سهی ناچیز در احیای معارف سرشارشان داشته باشد.

مجموعه حاضر در سه بخش تنظیم شده است: نخستین بخش آن، بحثی اجمالی درباره خوشبختی و سعادت، معنای طوبی و نقش آن در بیان معیارها و عوامل خوشبختی است؛ در این بخش سعی شده تا جستارهایی از موضوع سعادت و خوشی - با برداشت و استفاده از کتب و دیدگاه‌های استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله - به گونه ای خلاصه و اجمالی، در اختیار خواننده قرار گیرد. بخش دوم و سوم در بردارنده مجموعه روایات معصومین علیهم‌السلام است

که در آنها با استفاده از کلمه طوبی، اسباب خوشی انسان در هر دو جهان، بیان شده است.^(۲)

در تحقیق و تنظیم این مجموعه، به نکات زیر توجه شده است:

الف) جمع آوری تمام احادیث شیعه و سنی که در آنها معصومین علیهم السلام با بکار بردن واژه طوبی افراد خوشبخت را معرفی کرده اند. این مرحله با استفاده از نرم افزارهای کامپیوتری و معجم های لفظی و فهرستهای مختلف انجام شده است.

ب) استخراج منابع و مصادر مختلف برای هر یک از احادیث^(۳) و ذکر اختلافات مهم به منظور استفاده محققان و دانش پژوهان.

ج) تکرار احادیث با عنایت به ارتباط آنها با عنوان و اهمیت محتوای حدیث بوده است.

د) ترتیب قرار دادن احادیث نیز بر حسب دلالت آن بر عنوان انتخاب شده است.

در پایان لازم می دانم از همسر صالحه ام که مشکلات جانبی تحقیق را تحمل نموده سپاسگزاری نمایم و همچنین از تمامی عزیزانی که در تهیه این اثر، با همفکریهای خود، راه را برایم هموار نمودند بویژه برادر بزرگوار حجة الاسلام و المسلمین سید کاظم طباطبائی و ویراستار محترم آقای سعید رضا علی عسکری تشکر کنم. از مؤسسه فرهنگی دارالحدیث نیز که امکان استفاده از کتابخانه و بانک اطلاعات کامپیوتری خود را در اختیارم نهاد صمیمانه تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند مسئلت می نمایم.

آرزومندم این تلاش ناچیز، مقبول درگاه خدای سبحان باشد و رضایت
خاطر پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم، بویژه حضرت ولی عصر علیه السلام را به
همراه داشته باشد.

حمید رسائی

اول فروردین ۱۳۷۶

۱۱ ذیقعدہ ۱۴۱۷

میلاد فرخنده امام رضا علیه السلام

بخش اول: خوشبختی، واقعیت یا خیال

بدون شک هدف از خلقت هستی و به دنبال آن خلقت انسان و پدید آمدن زندگی بشری، رساندن انسان به نقطه کمال و وصول او به بالاترین رتبه انسانی، یعنی مقام قرب و عبودیت است. از این رو انسان فطرتاً موجودی کمال جو و سعادت طلب است و همواره در پی رشد و پرورش استعدادهای درونی و فطری خویش است.

بدیهی است که مسئله سعادت و خوشبختی و اندیشیدن در راههای رسیدن به آن، از مباحثی است که ذهن هر انسان پویا و طالب رشد و تعالی را آرام ننهد و همچون آبی گوارا، سرشت تشنه او را بسوی خود فرا می خواند.

به سخن دیگر، هر انسانی در فطرت خود، چنین حالت جستجوگری را احساس می کند، اما تمام انسانها، این قوه درونی را به فعلیت نرسانده و آن را به منصفه ظهور نکشانده اند. این به فعلیت در نیامدن از آن جهت است که گوهر سعادت و خوشی امری وابسته به قوه عقل است و انسانهایی در آرزوی وصول به آن بسر می برند که در تقویت قوه عاقله خود و چیره ساختن آن بر قوای حیوانی، از هیچ کوششی فرو گذار نکنند.

در واقع، انسان دارای دو گونه حیات و زندگی است، حیاتی ظاهری و غیر انسانی، و حیات معنوی و الهی. کسانی به خوشبختی و حیات طلب معتقدند که حیات معنوی و الهی را بر حیات ظاهری و غیر انسانی چیره سازند. به همین دلیل در جوامع ماشینی امروز، بویژه جامعه غربی، که میدان دادن پرداختن به حیات حیوانی اثری از حیات معنوی در آنان باقی نگذاشته است؛ عده ای بر این باورند که نه تنها گوهر خوشبختی و سعادت دست یافتنی نیست، بلکه اساساً چنین گوهری وجود نداشته و جهان، جز شد و بدبختی و یأس، بر چیز دیگری

استوار نشده است. ترویج این فکر شیطانی سبب شده که پیروان این نظریه غالباً در زندگی خود مایوس بوده و سرانجام، دست به خودکشی بزنند.^(۴)

استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری با استفاده از آیه ذیل به تحلیل اشتباه این مسلک می پردازد:

﴿واتوا البيوت من اءبوابها واتقوا الله لعلكم تفلحون﴾^(۵)

پسندیده آن است که به خانه ها از درها وارد شوید و از خدا بترسید تا رستگار شوید.

این دستورالعمل در آغاز بسیار ساده به نظر می رسد، چرا که هر عاقلی می داند، برای ورود به خانه باید از راه ورودی آن استفاده نمود، اما آیه در صد بیان مطلبی شیرین تر است، و آن این که تنها خانه نیست که در مخصوص داشته، بلکه زندگی، خوشبختی و حیات طیب نیز در مخصوص به خود دارد.

بسیاری از افراد، تمام عمر را رد پس دیوار زندگی گذرانده و در سعی و تلاش برای رسیدن به محوطه خوشبختی، آب در هاون می کوبند و سرانجام، دچار همین تزلزل اعتقادی شده و وجود گوهر سعادت را منکراند، در حالی که خداوند سبحان در دو جمله، مدخل خوشبختی و برخورداری از حیات طیب را نشان داده است، آنجا که می فرماید:

﴿الذين امنوا و عملوا الصالحات طوبى لهم و حسن ماب﴾^(۶)

کسانی که ایمان آورده و عمل صالح و نیکو انجام می دهند، (یعنی از در مخصوص زندگی وارد می شوند) خوشا زندگیشان و نیکو باد فرجامشان.

بنابراین نه تنها خوشبختی و سعادت وجود دارد، بلکه راه وصول به آن، با برتری دادن حیات معنوی بر حیات حیوانی، بسیار هموار و ممکن است.

تعریف خوشبختی

آنان که به سعادت اعتقاد دارند و بنابر فطرت خویش به دنبال آن هستند، در تشخیص خوشبختی به نقطه واحدی نرسیده اند و دیدگاه های مختلفی از سعادت و خوشبختی ارائه داده اند. برای بررسی این دیدگاه ها چاره ای جز بیان رابطه معنای سعادت با مفاهیم مربوط به آن نداریم.

الف) رابطه خوشبختی و لذت: برخی کامیابی از امکانات موجود و رسیدن به لذتهای ظاهری و باطنی انسان را خوشبختی دانسته و محروم بودن از آنها را رنج و شقاوت بر شمرده اند. حتی بسیاری از کسانی که باورهای دینی دارند و با همین باورها زندگی می کنند نیز دچار این اشتباه شده و دست یافتن به این لذتها را اوج خوشی خود می دانند، و حال آن که پس از مدتی و گاه پس از رسیدن به این لذتهای ناپایدار، دچار پشیمانی شده و راه را از چاه تشخیص می دهند. در حالی که انسان خوشبخت کسی است که هرگز از رسیدن به سعادت، دچار پشیمانی نشده و حسرت ایام گذشته را به دل راه نمی دهد.

در واقع لذت، که نشانه ای از یک احساس درونی و مربوط به زمان حال است، پیرو مطبوع بودن و یا نبودن شیء خارج برای نفس است، و لیکن سعادت و خوشی زندگی امری فراتر از درون و بیرون انسان است. خوشبختی، به مجموعه انسان تعلق می گیرد و اختصاص به زمان حال نداشته، بلکه شامل آینده نیز می شود.

خوشبختی تابع مصلحت داشتن یا نداشتن عمل است، نه مطبوع بودن یا نبودن. بدین معنا که انسان با کمک گرفتن از قوه عاقله و دستورهای شرع، به ارزیابی ظرفیتهای خود می پردازد و عملی که ظرفیت بیشتری را از او سیراب

کند بر می‌گزیند. چه بسیار اعمالی که مورد قبول طبع انسان است ولی به مصلحت او نیست و یا به عکس آن.

کامیابی از لذت، مربوط به یک عضو و یا دسته‌ای خاص از اعضای انسان است، که با بکار گرفتن غریزه بدست می‌آید و به عبارتی، یک مطلوب غریزی است؛ بدین سان تشخیص آن به وسیله تجربه، بسیار آسان و محدود است. و لیکن با نیل به خوشبختی، تنها یک عضو از اعضای انسان کامیاب نمی‌شود بلکه این مجموعه انسان است که به اوج می‌رسد. بدین جهت تشخیص عوامل آن، مشکل و بستگی به تفسیر هستی و جهان بینی هر فرد دارد. حال اگر خوشبختی، به معنای وصول به لذت باشد، آیا باید انسانی را که با پیروی از غریزه خود، به لذتی کوتاه دست می‌یابد - هر چند از راه مشروع - خوشبخت دانست؟ و یا فردی را که با داشتن قدرت مالی - به کامیابی از امکانات اطراف خویش مشغول است، سعادتمند شمرد؟ چه بسیارند افرادی که در اوج ثروت و لذت، در لحظاتی به یک بن بست رسیده و احساس عطش درونی خود را ظاهر ساخته و به شکست در زندگی اعتراف می‌کنند.

بنابراین، باید گفت: لذت، مقارن با خوشبختی است و هر مرحله‌ای از سعادت و خوشی زندگی، لذتی را به همراه دارد، اما نیل به هر گونه لذتی خوشبختی نیست. چه بسا لذتهایی که مانع از لذت شیرینتر شده و یا مقدمه‌ای برای رنجی دردناکتراند.

ب) رابطه خوشبختی و آرزو: جمعی دیگر چنین پنداشته‌اند که سعادت و خوشبختی انسان در تحقق یافتن آرزوهای اوست، چنان که بیشتر مردم در بیان خوشبختی خود، آرزوها و نیل به آنها را بیان می‌کنند، و سعادت کامل را برای کسی می‌دانند که به تمام آرزوهای خود رسیده است؛ و اگر به بخشی از آنها

رسیده باشد، به همان اندازه آن شخص را خوشبخت می دانند، و کسی را که به هیچ یک از آرزوهای خود دست نیافته باشد، بدبخت و بیچاره می دانند. در پاسخ به چنین پنداری باید گفت که آرزو با خوشبختی در ارتباط است؛ ولی نیل به آرزوها ضامن سعادت انسان نیست. امید و آرزو سبب تحرک و تلاش انسان می شود. انسان در آرزوی سعادت و برای رسیدن به آن، به سختیهای روحی و جسمی تن در می دهد؛ اما با این همه، اسلام از یک سو به محدود کردن آرزوها دستور داده، و از سوی دیگر عمیق کردن آنها را سفارش نموده است.

امام علی علیه السلام - آگاه ترین مرد عالم اسلام پس از ورود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بیان معیارهای خوشبختی انسان به کوتاهی آرزوها اشاره نموده و می فرماید:

﴿طوبی لمن قصر امله و اغتنم مهله﴾^(۷)

خوشا به حال کسی که آرزوهای خود را کوتاه کند و فرصتهایش را غنیمت شمارد.

علاوه بر آن، در بسیاری از موارد انسان پس از دستیابی به آرزوی خود، از رسیدن به آن احساس ندامت و پشیمانی می کند. در جامعه امروز، بسیاری در آرزوی رسیدن به آزادی کامل و رهایی از قید و بندهای اخلاقی، با تلاش و تکاپوی بسیار، خود را به غرب، سرزمین آزادیهای ضد انسانی، می رسانند، اما پس از چندی نه تنها خوشی را در کنار خود نمی یابند، بلکه خود را در نهایت شقاوت، بدبختی و افسردگی می بینند، حال آن که انسان پس از رسیدن به سعادت و خوشبختی، احساس ندامت نخواهد کرد.

همچنین آرزوی آدمی، تابع میزان فهم و علم اوست. انسان همواره در آرزوی چیزهایی است که آنها را سودآور می بیند و بسیاری از راههای خوشبختی را

آرزو نمی کند، چرا که آنها را نمی شناسد یا آنها را به ضرر خود می پندارد و این دو مسأله ناشی از جهل انسان و فقر معنوی اوست. قرآن کریم با تکیه بر این مطلب می فرماید:

﴿عسی اءن تكررھوا شیئا وھو خیر لکم و عسی۔ اءن تحبوا شیئا وھو شر لکم و اللہ یعلم و اءنتم لا تعلمون﴾^(۸)

بسا چیزی را ناخوش بدارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می دارید و آن برایتان بد است. خدا می داند و شما نمی دانید.

ج) رابطه خوشبختی و رضایت: دسته سوم خوشبختی هر فرد را، رضایت و خشنودی او از وضع موجودش می دانند. بر این اساس، رضایت؛ یعنی خشنودی از حال و مرتبه ای که در آن هستیم؛ مرحله ای که پس از تحقق یافتن آرزو قرار دارد.

در حالت رضایت، پشیمانی راه ندارد، چرا که فرض ما بر این استوار است که شخص از وضع موجود راضی است، بنابراین اشکال اول آرزو، بر آن وارد نیست.

همچنین احساس رضایت، حالتی است که تمام وجود انسان را سرشار و بهره مند می سازد و یک جانبه و مربوط به عضو خاصی نیست. بدین جهت اشکال مطرح شده در لذت نیز شامل آن نخواهد شد. با این وجود، هنوز نمی توان کسانی را که از وضع موجودشان راضی هستند، سعادت‌مند دانست؛ چرا که رضایت نیز مانند آرزوهای انسان، تابع علم و جهل بوده و با سطح فکر انسان در ارتباط است. انسانهای بسیاری از وضع موجود خود در کمال رضایت اند، ولی این رضایت و خیال خوشبختی آنان به علت جهل و ناتوانی از وصول به مراتب بالاتر است.

دو فرد را در نظر بگیرید؛ یکی در آرزوی رسیدن به وسایل عیش و نوش است و دیگری در آرزوی طی نمودن مراتب علمی و فکری، هنگامی که هر دو به مطلوب خود برسند و در کمال رضایت بسر برند، کدامیک را می توان خوشبخت نامید؟!

بنابراین آنچه در سعادت انسان نقش اساسی دارد، موضوع رضایت است نه حالت رضایت؛ یعنی، آنچه انسان بدان راضی می شود اهمیت دارد، نه حالت رضایت.

و) رابطه خوشبختی و نبود رنج: در تمام موارد قبل، خوشبختی و سعادت را یک امر وجودی دانسته و درباره آن بحث نمودیم، اما اگر سعادت را امری عدمی معنا کنیم؛ یعنی، سعادت را معادل با نبودن رنج و درد بیان کنیم - چنانچه این فکر در بین بیشتر مردم رایج است - آیا به تعریف درستی از سعادت دست یافته ایم؟

واقعیت این است که این دیدگاه، ناشی از جهل و عدم آشنایی انسان با حکم الهی است. چرا که آدمی هر روز در کنار خود بسیاری از رنج ها و مصیبتها را می بیند که مقدمه ای برای رسیدن او به خوشیهای بیشتر و بالاتر می شود. چه دردها و بیماریهایی که خود درمان و سدی در برابر دردهای بی درمان در انسان خواهد بود؛ چرا که سبب اختراع ابزار و امکاناتی شده است که به وسیله آن ابزار، از دردها و امراض ناگوارتر جلوگیری به عمل می آید.

بنابراین، نبودن این درد و رنجهای، نه تنها باعث سعادت انسانها نیست، بلکه در بسیاری از موارد، وجود رنج و درد مقدمه وصول به سعادت است.

مولوی، آن شاعر عارف و نکته سنج، با بیانی دل انگیز به این نکته اشاره نموده است:

حسرت و زاری که در بیماری است وقت بیماری همه بیداری است
هر که او بیدارتر، پردردتر هر که او هشیارتر رخ زردتر
پس بدان این اصل را ای اصل جو هر که را درد است، او بر دست بو
بنابراین مصیبتها، مادر خوشیها و سعادتها هستند. در واقع درصدی از
سعادتها، مرهون وجود بلاها و دشواریهاست، همانطور که گاهی در دل
خوشبختی ها، شقاوتها و بدبختیها تکوین می یابد؛ با این تفاوت، سعادتی که
مربوط به مرتبه روح و روان است، متولد از یک شقاوت و بدبختی درونی
نیست، و هر سعادت و خوشی خارج - خارج از روح - نیز می تواند باعث
تولد یک شقاوت و یا رنج و بدبختی بیرونی و خارج باشد. به عنوان مثال،
زیبایی یا ثروت و... یکی از عوامل سعادت و خوشبختی خارج از روح و روان
است، اما همین عامل سعادت، می تواند باعث بدبختی صاحبش شود، چرا که
مقدمه ورود او در بسیاری از گناهان و رنجه خواهد بود.

بنابراین سعادت یک مفهوم عدمی؛ یعنی، نبود درد و رنج نیست، بلکه
مفهومی وجودی است و با لذت، آرزو و رضایت ارتباط دارد.

ز) رابطه خوشبختی و کمال: سعادت ارتباطی نزدیک و همسان با کمال دارد
و به گفته ابن سینا (که استاد شهید مرتضی مطهری نیز بر آن صحنه نهاده است)^(۹):
سعادت عبارت از به فعلیت رسیدن استعدادهای انسان بطور یکنواخت و
هماهنگ است، که موجب کمال انسان می شود. یعنی فعلیت یافتن استعدادهای
روحی در مراحل عبادی، سلامت نفس در مسائل اقتصادی، رام نمودن هوای
نفس در بعد اخلاقی و بدوش کشیدن وظایف اجتماعی، که شرع، عقل و وجدان
بر عهده او نهاده است. خوشی زندگی؛ یعنی، وصول به حد اعلای این مراتب که
همواره با لذت، رضایت، سرور و خوشحالی روحی همراه باشد.

عوامل خوشبختی

عوامل سعادت، با توجه به روایتهای موجود در این کتاب به، دسته های اعتقادی، عبادی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و علمی^(۱۰) تقسیم می شود.

استاد شهید مرتضی مطهری با استفاده از تقسیم ارسطو، عوامل سعادت را در سه دسته بیان می کند:

عوامل روحی، عوامل بدنی، عوامل خارجی.^(۱۱)

البته درجه تاءثیر هر یک از این عوامل سه گانه، در استعدادها و قوای درونی انسان متفاوت است. در واقع عوامل روحی، متضمن درصد بیشتری از سعادت و خوشبختی انسان است و عوامل بدنی؛ مانند، زیبایی و سلامت نسبت به عوامل روحی، از درصد کمتری برخوردار است، اما نسبت به عوامل خارجی، مانند پول و قدرت، درصد تاءثیر گذاری بیشتری دارد.

سؤال این است که چرا بیشتر مردم، این نسبتها را وارونه دیده و درصد تاءثیرگذاری عاملی چون پول را - که عامل خارجی است - از عوامل بدنی و حتی عوامل روحی، بیشتر می دانند؟

می توان گفت که این بینش، به نوع جهان بینی و بکار نگرستن قوه عقل باز می گردد. چنانچه گذشت، سعادت یک مفهوم عقلی است نه مطلوب احساسی، و از آنجا که بیشتر انسانها در یافتها و معلوماتشان از محسوساتشان ناشی می شود، این سیر را وارونه می بینند و شخص ثروتمند و دارای مقام اجتماعی را، خوشبخت تر از یک انسان مؤمن و معتقد به اصول اخلاقی می دانند. در حالی که فقدان عامل بدنی و خارجی، با عوامل روحی قابل جبران است، ولی نبود عامل روحی با عوامل بدنی و خارجی به هیچ وجه جبران پذیر نیست. از این

رو سعادت و خوشی زندگی مراتبی دارد و کسانی به سعادت بیشتری خواهند رسید که عوامل بدنی و خارجی را بر عوامل روحی مقدم نکنند. در واقع می توان عامل اصلی سعادت را خود انسان دانست؛ یعنی، همان رابطه حیات معنوی با حیات ظاهری، رابطه انسان با نفس خودش که آن را اخلاق می نامند.

آیا برای رسیدن به خوشبختی نیاز به راهنما داریم؟

پیش تاز از این بیان شد سعادت و خوشی زندگی، مفهومی عقلی است نه مطلوب احساسی. آری اگر سعادت را همسان با لذت و در آن خلاصه می کردیم، چون با گزینه انسان مرتبط بود و هر انسانی دارای گزینه است، انسان خواه ناخواه، خوشی خود را می یافت.

اما سعادت به معنای ارائه طرحی جامع است که تمام راههای به ظهور رساندن قدرتهای بالقوه درونی انسان را نشان دهد، و او را از نظر اخلاقی به بالاترین درجه برساند و از نظر عبادی به شیرین ترین لحظه های ارتباط با مبداء هستی رهنمون سازد.

پرسش این است که ارائه چنین طرحی به تنهایی برای انسان چگونه ممکن است؟ انسانی که با فتح قله های علم و صنعت، هنوز در شناخت خود عاجز مانده و نام انسان، موجودی ناشناخته را برای خود برگزیده است، چگونه توان ارائه راههای سعادت و خوشی زندگی را داراست؟

بدیهی است بیان این اسباب و عوامل خوشبختی، فرع بر شناخت انسان و آشنایی با ظرفیتهای مختلف این موجود مرموز است که انسان غیر معصوم قادر به تشخیص آن نیست. همانگونه که امام علی علیه السلام بدان اشاره نموده است:

﴿قال الناس لشيء طوبى له الا وقد خبا له الدهر يوم سوء﴾^(۱۲)

مردم برای چیزی خوشا به حال او نگفته اند مگر آن که روزگار روز بدی را برای او فراهم ساخته است.

از طرفی چگونه ممکن است خداوند سبحان که برای تمامی نیازهای درونی انسان پاسخی در خارج قرار داده است (مانند تشنگی که به آب و شهوت جنسی که به جنس مخالف رفع می شود) این عطش درونی انسان را (یعنی جستجو به دنبال خوشبختی) بدون پاسخ رها کرده باشد؟

در پاسخ، باید در فلسفه بعثت انبیا و امامت اولیای الهی دقت نمود، چرا که این بزرگواران همچون طبیبان دلسوز و درد آشنا، تنها نسخه این نیاز درونی را به همراه دارند؛ از این رو با بهره جویی از کلام آن عزیزان و پیمودن راهشان، تنها راه خوشی زندگی را جست.

اما انسان انتخابگر، با وجود راه ها و راهنمایان الهی، گاه در طریقی قدم می گذارد که سرانجامش کفران نعمتهای الهی است.

﴿انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا﴾^(۱۳)

ما راه را به انسان نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس.

معنای طوبی^(۱۴)

چنانکه بیان شد معصومان عليهم السلام معیارهای خوشبختی را با الفاظی، همچون فلاح، سعادت، نجات، فوز و طوبی بیان نموده اند و از آنجا که در این کتاب تلاش شده است تا معیارهای خوشبختی، بر اساس واژه طوبی تبیین شود، تنها به تحلیل معنای این واژه می پردازیم.

طوبی از ماده طیب^(۱۵) است و اهل لغت آن را مصدری بر وزن فعلی^(۱۶) و یا مؤنث اءطیب^(۱۷) دانسته اند. واژه مقابل آن ویل^(۱۸) به معنای وای و بداکه اشاره به شدت ناراحتی از کسی است و یا به معنای چاهی در جهنمی باشد.

شیخ طوسی، در تفسیر التبیان^(۱۹) برای لفظ طوبی معانی مختلفی همچون:

۱. زندگی پاک
۲. فرح و چشم روشنی
۳. نیکویی
۴. چه خوب است
۵. زندگی مورد غبطه
۶. زندگی به همراه خیر و کرامت
۷. بهشت
۸. درختی در بهشت
۹. پاکیزه ترین چیزها
۱۰. خوشا به حال

ذکر کرده و در پایان، همه آنها را به هم نزدیک و مربوط دانسته است.

علامه طباطبایی در مورد این معنا می فرماید:

بیشتر این معانی از باب تطبیق بر مصداق است، نه اینکه از ظاهر آیه استفاده

شده باشد.^(۲۰)

و اما در روایات معصومین علیهم السلام تنها مصداقی که بدان تصریح شده، همان

درختی است که در خانه بهشتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام قرار دارد.^(۲۱)

تفسیر روایی نیز پس از تفسیر آیه ۲۹ سوره رعد، به نقل این روایات پرداخته اند.

و لکن با جمع بندی روایات دیگر و قرار دادن آنها در کنار این روایات در

می یابیم که نمی توان طوبی را تنها به معنای درخت یاد شده دانست؛ چرا که در

دسته ای از روایات به یقین طوبی به معنی درخت بهشتی نیست، بلکه با واژه

هایی، چون خوش به حال و خوشا زندگی سازگارتر است.^(۲۲) تفاسیر روایی نیز پس از تفسیر آیه ۲۹ سوره رعد، به نقل این روایات پرداخته اند.

در این معنای درخت بهشتی طوبی، احادیث بسیاری از طریق شیعه و اهل سنت روایت شده است، و از ظاهر آن بر می آید که در مقام تفسیر آیه نبوده، بلکه ناظر به باطن آیه است. بنابراین حقیقت، معیشت طوبی، همان ولایت خدای سبحان است و علی عَلَيْهِ السَّلَام صاحب آن ولایت و از میان امت پیامبر، او اولین گشاینده در آن است، و مؤمنان اهل ولایت، اتباع و پیروان او هستند، و خانه او در بهشت نعیم، که بهشت ولایت است با خانه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یکی است و تزامم و اختلافی میان آن دو نیست.^(۲۳)

در واقع می توان چنین نتیجه گرفت که طوبی یک معنای لغوی و عام (زندگی خوش، خوشا به حال) داشته و یک معنای اصطلاحی و خاص (درخت بهشتی) و می توان گفت معنای اصطلاحی آن از معنای لغوی اخذ شده است. بدین گونه که عرب برای اینکه بگوید فلان شخص سعادت مند و خوشبخت است، از واژه طوبی استفاده می کند، و از آنجا که هر کس در آخرت، از سایه درخت رسالت و ولایت نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و علوی عَلَيْهِ السَّلَام بهره مند شود، انسان خوشبخت و سعادت مندی خواهد بود، برای نام آن درخت نیز از واژه طوبی استفاده شده است.

با توجه به این تفصیل، در ترجمه احادیث این کتاب، تنها در صورتی واژه طوبی را به درخت بهشتی معنا کرده ایم که در لسان معصوم عَلَيْهِ السَّلَام بدان تصریح شده باشد^(۲۴) و در روایات دیگر، تناسب فضای کلام معصوم، یکی از معانی طوبی مانند خوشا به حال آورد شده است.^(۲۵)

طوبی در قرآن کریم

در قرآن کریم نیز همچون روایات، معیارهای خوشبختی، با الفاظ متفاوتی بیان شده؛ ولیکن واژه طوبی، فقط یک بار در قرآن بکار رفته است:

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا انزَل عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنْ أَلِهَةٌ مِثْلُ مَا تَدْعُونَ لَآتَيْنَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ كَمَا أَنزَلْنَا عَلَى آلِ عِيسَى أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْهِمْ الْإِنْجِيلَ الْكَتَابَ الْمُنِيرَ ﴿٢٤﴾﴾
یهدی الیه من اءناب * الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن
القلوب * الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب ﴿٢٤﴾

و کسانی که کافر شده اند می گویند: چرا از جانب پروردگارش معجزه ای بر او نازل نشده است؟ بگو: در حقیقت خداست که هر کس را بخواهد در بیراهه و می گذارد و هر کس را که سوی او باز گردد به سوی خود راه می نمایاند (همان) کسانی که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرام گیرد؛ بدانید که با یاد خداست که دلها آرام می گیرد * کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، خوشا به حالشان و نیکو باد فرجامشان.

استاد شهید مطهری، به نکته جالبی در بیان این آیه اشاره می فرماید:

نکته جالب در این آیه کریمه این است که قرآن کریم، مردم بی ایمان و بدکار را زنده و احساس نمی خواهد و می فرماید: کسانی که کاری کنند و ایمان و علاقه به معنویت داشته باشند، آنها را زنده می کنیم و از مردگی خارج می سازیم، آن وقت می فهمند معنای خوشی و سعادت چیست. (۲۷)

چنانچه بیان شده، بیشتر تفاسیر در بیان آیه یاد شده، طوبی را به معنای درختی بهشتی معرفی کرده اند و احتمال معانی دیگر را نیز داده اند؛ اما به بسط آن پرداخته اند. در این میان مفسر کبیر قرآن علامه طباطبایی با زیبایی تمام به این کار پرداخته است، که ما در اینجا به عنوان حسن ختام، پایان نخستین بخش کتاب را به کلام آن قرآن شناس بزرگ اختصاص می دهیم و در بخش دوم

کتاب به بررسی اسباب سعادت و خوشی زندگی، با استفاده از واژه طوبی می پردازیم:

کلمه طوبی بر وزن فعلی، به ضم فاء، مؤنث اظیف (پاکیزه تر) است و صفتی است برای موصوف محذوف، و آن موصوف بطوری که از سیاق بر می آید، عبارت از حیات و یا معیشت است. زیرا نعمت هر چه که باشد، از این رو گوارا و مورد غبطه است که مایه خوشی زندگی است، و هنگامی مایه خوشی و سعادت است که قلب با آن سکونت و آرامش یابد، و از اضطراب رها شود. چنین آرامش و سکونتی برای احدی دست نمی دهد، مگر آن که به خدا ایمان داشته باشد، و عمل صالح انجام دهد. پس تنها خداست که مایه اطمینان خاطر و خوشی زندگی است.

آری، چنین کسی از شر و خسران، در آنچه پیش می آید، ایمن و سالم است، و چگونه نباشد، در حالی که به رکنی تکیه زده که انهدام نمی پذیرد؟ او خود را در تحت ولایت خدای تعالی قرار داده، هر چه برایش تقدیر کند مایه سعادت اوست، اگر چیزی به وی عطا کند خیر اوست، و اگر هم منع کند باز خیر اوست.

چنانکه حضرت باری تعالی در وصف این زندگی طیب فرمود: ﴿من عمل صالحا من ذکرا و اناثی و هو مؤمن فلنحینه حیاة طیبة و لنجزینهم اجرهم باء حسن ما کانوا یعملون﴾^(۲۸) و در وصف کسانی که با ذکر خدا، دارای اطمینان قلب نیستند فرمود: ﴿و من اعرض عن ذکری فان له معیشة صنکا و نحشره یوم القیامة اعمی﴾^(۲۹)

و بعید نیست، اینکه در آیه مورد بحث زندگی و معیشت مؤمنان را پاکیزه تر خوانده؛ و پاکیزگی بیشتری برای آنان قائل شده، به منظور اشاره به این نکته باشد که زندگی، در هر حال خالی از خوشی نیست، اما برای کسانی که به یاد

خدا و دارای آرامش قلب هستند، خوشی بیشتری وجود دارد، زیرا زندگی آنان از آلودگی و ناگواریها دور است.

پس جمله طوبی لهم، در تقدیر لهم حیاة طوبی و یا لهم معیشة طوبی است (یعنی برای آنان زندگی و یا عیشی پاکیزه تر است). بنابراین، کلمه طوبی مبتدا، و کلمه لهم (که در تقدیر است) خبر آن است، و اگر مبتدای نکره، بر خبرش که همان ظرف (لهم) باشد مقدم شده برای این بوده که زمینه گفتار، زمینه تهنیت بوده است، و در مثل چنین مقامی آنچه مایه تهنیت است، زودتر به زبان می آورند، تا شنونده به همین مقدار نیز، زودتر خشنود گردد، چنانچه در بشارتها، بشارت دادن به جای عبارت لک البشری می گویند: بشری لک .

و خلاصه در آیه مورد بحث، خداوند کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح می کنند و در نتیجه، با یاد خدا دارای اطمینان قلب دائمی می شوند به دست یافتن زندگی خوش و سرانجامی نیک بشارت می دهد، و از همین جا معلوم می شود چگونه این آیه، به آیات قبل متصل می گردد. آری چنانکه پیشتر هم گفتیم، زندگی خوش از آثار اطمینان قلب است. ^(۳۰)

بخش دوم: عوامل خوشبختی

عوامل اعتقادی

الف) توحید

ایمان به خداوند سبحان

- ۱- ﴿الذین آمنوا و تطمئن قلوبکم بذكر الله اءلا بذكر الله تطمئن القلوب﴾*
الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب ﴿^(۳۱)
- (کسانی که ایمان آورده اید و دل‌هایشان با یاد خدا آرام گیرد؛ بدانید که با یاد خداست که دل‌ها آرام می‌گیرد * کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، خوشا به حالشان و نیک باد فرجامشان).

- ۲- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی للمؤمن اذا احسن قبل منه، و اذا اءساء غفر له﴾.
^(۳۲)

خوشا به حال مؤمن، هنگامی که احسان کند از او بپذیرند و هنگامی که بد کند او را ببخشند.

- ۳- ﴿رسول الله ﷺ - عن جبرئیل عن اسرافیل فی فضل دعاء الجوشن - ان الله قال: طوبی لمن آمن بالله و صدق بنبیه و صدق بهذا الدعاء و الشواب، و الویل کل الویل لمن اءنکره و جحدہ و لم یؤمن به﴾.^(۳۳)

رسول خدا ﷺ - به نقل از جبرئیل از اسرافیل در بیان فضیلت دعای جوشن ^(۳۴) - فرمود: خداوند تبارک و تعالی فرموده است: خوشا به حال آن که به خداوند ایمان آورده، و به پیامبر او و این دعا و یاداش آن باور داشته باشد و وای و هزاران وای بر کسی که آن را انکار کرده و دروغ پندارد و به آن ایمان نداشته باشد.

۴- ﴿الله تبارك و تعالى - في الصحيفة الرابعة من صحف ادریس النبی ﷺ :-
طوبی لمن آمن به و صدق برسله و كتبه، و وقف عند طاعته و انتهى عن
معصيته﴾. (۳۵)

خداوند تبارک و تعالی در چهارمین صحیفه ادریس پیامبر ﷺ فرموده است:
خوشا کسی که به خداوند ایمان آورد و پیامبران و کتابهای الهی را باور داشته
باشد و در طاعت او پایداری ورزد و به نافرمانی از او پایان دهد.

یقین

۵- ﴿الامام علی ﷺ: طوبی لمن بوشر قلبه ببرد یقین﴾. (۳۶)

خوشا به حال آن که قلبش با خنکای یقین همراه باشد.

۶- ﴿الامام علی ﷺ: طوبی لمن لم تغم علیه مشتبهات الامور﴾. (۳۷)

خوشا به حال کسی که امور مشتبه او را فرا نگیرد.

ب) نبوت

اسلام

۷- ﴿رسول الله ﷺ: اءخبرنی ربی قال... طوبی لمن خرج من الدنيا علی دینک،
و علامته اءنه علی دینک، اءن یرزقه الله محبتک و محبة اءهل بیتک و قلیل منهم الا
فی آخر الزمان﴾. (۳۸)

پروردگارم مرا چنین فرمود:... خوشا به حال آن که بر دین تو از دنیا برود و
نشانه اینکه دین تو را پذیرا شده، آن است که خداوند، دوستی تو و دوستی اهل
بیت تو را نصیبش می کند و این دسته (در این زمان) اندک اند، مگر در آخر
الزمان (که بسیار خواهند بود).

۸- ﴿علی بن اسباط عنهم ﷺ: قال الله تبارك و تعالى لعیسی - علی ﷺ عند ما

وصف رسول الله ﷺ فساءله عیسی ﷺ: الھی من هو حتی اعرضیه؟ فلك

الرضا: هو محمد رسول الله الى الناس كافة، اعقربهم منى منزلة واءحضرهم^(٣٩)
شفاعة، طوبى له من نبى، و طوبى لامته ان هم لقونى على سبيله^(٤٠).

على بن اسباط از (يکى از) معصومان نقل مى کند: (هنگامى که خداوند رسول خدا ﷺ را توصيف مى نمود، عيسى عليه السلام پرسيد: بار خدايا او کيست که خشنودش سازم تا رضایت تو بدست آيد) خداوند تبارک و تعالى خطاب به عيسى فرمود: او محمد فرستاده خدا به سوى تمام مردم است، منزلتش از همه به من نزديکتر و شفاعتش از همگان بيشتتر است، خوشا به حال چنين پيامبرى و خوشا به حال امت او اگر در صراط و راه او باشند و به دیدار من آيند.

۹- ﴿آمنة ام النبي ﷺ: انه لما اءخذنى الطلق واشتد بى الاءمر سمعت جلبة^(٤١) و كلاما لا يشبه كلام الآدميين يقول:... فى اءمان الله و حفظه و كلاءته^(٤٢)، و قد حشوت قلبك ايمانا و علما و حلما و يقينا و حكما و اءنت خير البشر، طوبى لمن اتبعك و وپل لمن تخلف عنك^(٤٣).

آمنه مادر پيامبر اکرم ﷺ مى فرمايد: وقتى که درد زايمان وجودم را فرا گرفت و کار برايم دشوار شد، زمزمه هاى شنيدم که شباهتى به صدای آدميان نداشت (که مى گفت: اى نوزاد)... در اءمان و حفظ و حراست خداوند باشى، همانا قلبت را از ايمان و دانش و بردبارى و يقين و خرد لبريز ساختم، تو بهترين انسانهاى، خوشا به حال آنان که از تو پيروى کنند و بدا به حال آنان که از تو روگردان باشند.

۱۰- ﴿اءبو الحارثه - هو من النصارى، الذين فى زمن رسول الله ﷺ: فى المفتاح الرابع من الوحي الى المسيح عليه السلام، قال الله تبارك و تعالى لعيسى: انى اءنا الله لا اله الا اءنا الحى القيوم... فآمنوا بى و برسولى النبى الامى الذى يكون فى آخر الزمان نبى الرحمة... قال عيسى عليه السلام: يا مالك الدهور و علام الغيوب من هذا العبد

الصالح الذى قد اعجبه قلبى ولم تره عينى؟ قال الله: ذاك خالصتى ورسولى
المجاهد... طوباه، طوبى امته ﴿٤٤﴾.

ابو حارثه - از مسیحیان رسول الله ﷺ - می گوید: در مفتاح چهارم از
وحی خداوند به مسیح عليه السلام آمده است که فرمود: منم خداوندی که خدایی جز
من نیست، حی و قیوم... پس به من و فرستاده من، پیامبر امی، کسی که در
آخر الزمان پیامبر رحمت است ایمان آورید... عیسی عليه السلام گفت: ای مالک
روزگاران و دانای غیبهها، این بنده صالح کیست که قلبم دوستار اوست ولی او را
ندیده ام؟ خداوند فرمود: او یار صمیمی و فرستاده مجاهد من است... خوشا بر
او و خوشا بر امت او.

۱۱- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن رآنى و آمن بى، طوبى ثم طوبى - يقولها سبع
مرات - لمن لم يرنى و آمن بى﴾. ﴿٤٥﴾

خوشا به حال آن که مرا دید و به من ایمان آورد و خوشا و خوشا - و آن را
هفت بار تکرار کرد - به حال آنان که مرا ندیدند و به من ایمان آوردند.

۱۲- ﴿قيل يا رسول الله ﷺ: طوبى لهم - مرتين - اولئك منا و اولئك معنا﴾. ﴿٤٦﴾

به رسول خدا ﷺ گفته شد: ای پیامبر خدا آیا می شناسی کسی را که شما
را ندیده و به شما ایمان آورده باشد و شما را ندیده و تصدیقتان کرده باشد. (ای
رسول خدا) چه سودی برای آنان است؟ حضرت ﷺ فرمود: خوشا به حال
ایشان، خوشا به حال ایشان، آنان از ما و همراه ما هستند.

ج) امامت

تشیع

۱۳- ﴿رسول الله ﷺ - عند ما قبل ما بين عيني على عليؑ -: يا ابا الحسن، اعنت عضو من اعضائي، تزول حيث زلت، وان لك في الجنة درجة وهي درجة الوسيلة، فطوبى لك ولشيعتك من بعدك﴾. (۴۷)

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بین دو چشم علیؑ را بوسید فرمود:

اباالحسن! تو عضوی از اندام من هستی، اگر من لغزش کردم تو هم لغزش می کنی، برای تو در بهشت درجه ای به نام درجه الوسيلة است، خوشا به حال تو و شیعیانت که پس از تو می آیند.

۱۴- ﴿الامام علیؑ: الناس ثلاثة اصناف، صنف بين بنورنا، و صنف ياء كلون بنا، و صنف اهدوا بنا و اقتدوا باءمرنا و هم اقل الاعصاف، اولئك الشيعة النجباء الحكماء، و العلماء الفقهاء، و الاءتقياء الاءسخياء، طوبى لهم و حسن مآب﴾. (۴۸)

مردم سه گروه اند؛ دسته ای بواسطه ما معروف و مشهور شده اند، دسته ای ما را وسیله آب و نان خود قرار داده اند، و دسته ای به وسیله ما هدایت شده اند و پیرو ما هستند و اینان از همه کمترند، آنان شیعیانی نجیب، حکیم، دانشمند، فقیه و پرهیزگار و بخشنده و خوشا به حالشان و نیکو سرانجامی دارند.

۱۵- ﴿ايوب السجستاني: كنت اعطوف فاستقبلني في الطواف اءنس بن مالك، فقال لي: اءلا ابشرك بشيء تفرح به؟ فقلت: بلى. فقال: كنت واقفا بين يدي النبي ﷺ في مسجد المدينة و هو قاعد في الروضة، فقال لي: اءسرع و ائتني بعلي بن اءبي طالب. فذهبت فاذا علي و فاطمةؑ، فقلت له: ان النبي ﷺ يدعوك. فجاء علي، فقال ﷺ: يا علي، سلم علي جبرئيل. فقال عليؑ: السلام عليك يا جبرئيل. فرد عليه جبرئيل السلام، فقال النبي ﷺ: ان جبرئيل يقول: ان الله

تعالی یقراء عليك السلام و يقول: طوبى لك و لشيعتك و محبيك، و الويل ثم الويل لمبغضيك ﴿٤٩﴾

ایوب سجستانی می گوید: طواف می کردم که به انس بن مالک برخورد، او به من گفت: آیا تو را به خبری که از آن خوشحال شوی مژده ندهم؟ گفتم: بله (با خبرم ساز) گفت: در مسجد مدینه نزد پیامبر ﷺ ایستاده بودم و حضرت در روزه مبارکه نشسته بود، به من فرمود: به سرعت علی بن ابی طالب را نزد من آور. و من رفتم، علی و فاطمه عليها السلام را یافتم، به او گفتم: پیامبر ﷺ تو را فرا خوانده است. حضرت علی عليه السلام آمد و پیامبر ﷺ فرمود: علی جان بر جبرئیل سلام کن. علی عليه السلام فرمود: السلام عليك يا جبرئيل. جبرئیل عليه السلام جواب سلام ایشان را داد، آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل می گوید: خداوند تبارک و تعالی بر تو سلام می فرستد و می فرماید: خوشا به حال تو یا علی و خوشا به حال شیعیان و دوستان تو و وای بر دشمنان تو یا علی.

۱۶- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن تمسك بولاية علي عليه السلام من بعدى حتى يموت ويلقانى و اعنا عنه راض﴾ ^(۵۰)

خوشا بر آن که پس از من به ولایت علی عليه السلام چنگ زند تا آن که مرگش فرا رسد و مرا در حالی ملاقات کند، که از او راضی و خشنودم.

۱۷- ﴿رسول الله ﷺ: لما اسرى بي الى السماء، و انتهيت الى سدرة المنتهى... فسمعت مناديا ينادى من عند ربى: محمد خير الاعبياء، و امير المؤمنين علي خير الاعولياء - عليهم الصلاة و السلام -... رضى الله عن علي و اهل ولايته... طوبى لهم، ثم طوبى لهم، يغبطهم ^(۵۱) الخلائق يوم القيامة بمنزلتهم ربهم﴾ ^(۵۲)

هنگامی که مرا شبانه به آسمان بردند (شب معراج) به سدره المنتهی رسیدم... آنگاه شنیدم ندا دهنده ای از جانب پروردگرم می گوید: محمد بهترین انبیا و

امیر المؤمنین علی بهترین اولیاست - بر آنان درود و سلام -... خداوند از علی و پیروان ولایت او خشنود است، خوشا به حالشان، خوشا به حالشان، مردم در روز قیامت به خاطر منزلت و مقامی که نزد پروردگارشان دارند به حال آنان غبطه می خورند.

۱۸- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی للموالین علیا ؑ ایمانا بمحمد و تصدیقا

لمقاله، کیف یذکرهم الله باءشرف الذکر من فوق عرشه﴾. (۵۳)

خوشا به حال آنان که ولایت علی ؑ را پذیرفته اند در حالی که به محمد ایمان داشته و سخنان او را تصدیق می کنند، چگونه خداوند با گرانبایه ترین پیامها از بالای عرش، از آنان یاد می کند.

۱۹- ﴿رسول الله ﷺ: یا علی، خلق الله الناس من اءشجار شتی، و خلقنی و

ءانت من شجرة واحدة، اءنا اءصلها و اءنت فرعها، فطوبی لعبد تمسك باءصلها و اءكل من فرعها﴾. (۵۴)

علی جان، خداوند مردم را از درختان (و سرشتهای) گوناگون آفرید و من و تو را از یک درخت (و سرشت) آفرید، من تنه و ساقه آن درختم و تو شاخه آن، پس خوشا به حال کسی که به اساس و بن این درخت چنگ زند و از شاخه آن تغذیه کند.

۲۰- ﴿الامام الصادق ؑ: ساءل عمر بن عتبة عن رسول الله ﷺ: اءخبرنی

عن هذا الرجل ؑ یعنی علیا ؑ و قولك فيه من كنت مولاه فهذا علی مولاه﴾
ءمنك اءم من ربك؟ قال ﷺ: الوحی الی من الله و السفیر جبرئیل و المؤمنون
ءنا و ما آدنت الا ما اءمرنی. فرفع المخزومی رءسه الی السماء فقال: اللهم ان
كان محمد صادقا فیما یقول فاءرسل علی شواظا من النار، فوالله ما سار غیر بعید
حتى اءطلته سحابة سوداء... فاءحرقته النار... فهبط جبرئیل و هو یقول: اقراء یا
محمد (ساءل سائل بعذاب واقع * للكافرين لیس له دافع) (۵۵) السائل عمر و

المحترف عمر. فقال النبي ﷺ لاءصحابه: راءيتم؟ قالوا: نعم. قال ﷺ: و سمعتم؟ قالوا: نعم. قال ﷺ: طوبى لمن والاه و الويل لمن عاداه. (۵۶)

وقتی که عمر به عتبه مخزومی از رسول خدا ﷺ پرسید: مرا از مقام این مرد (علی عليه السلام) آگاه ساز و بگو اینکه گفتم: هر که مولایش منم، این علی مولای اوست از سخنان توست یا از پروردگار تو؟ پیامبر ﷺ فرمود: این وحی از طرف خداوند به من بود که پیام آورش جبرئیل و اعلام کننده آن منم و من چیزی را اعلام نمی کنم مگر آن که به من امر شده باشم. عمر بن عتبه سرش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا اگر محمد در آنچه می گوید راستگوست، پس شعله ای از آتش بر من فرو فرست. به خدا سوگند هنوز زمان زیادی نگذشته بود که ابر سیاهی بر او سایه افکند... پس آتش عذاب الهی او را فرا گرفت، سپس جبرئیل نازل شد و گفت: یا محمد (این آیه را) بخوان (درخواست کننده ای، خواست که عذابی بر او واقع شود و برای کافران بازدارنده ای از آن عذاب نیست) آن درخواست کننده عمر بود و هم او بود که به آتش سوخت. سپس پیامبر ﷺ به اصحابش فرمود: دیدید (چه شد)؟ گفتند: آری. فرمود: شنیدید (چه گفت)؟ گفتند: آری. پیامبر ﷺ فرمود: خوشا به حال آنان که او (علی عليه السلام) را دوست بدارند و وای بر آنان که با او دشمنی ورزند.

۲۱- ﴿الامام الصادق عليه السلام: ان يوم النوروز هو اليوم الذي اءخذ فيه النبي لاءمير المؤمنين عليه السلام العهد بغدير خم (۵۷)، فاءقروا له بالولاية، فطوبى لمن ثبت عليها و الويل لمن نكثها﴾. (۵۸)

نوروز همان روزی است که پیامبر ﷺ در غدیر خم برای امیر المؤمنین عليه السلام عهد و پیمان گرفت، و مردم به ولایت علی عليه السلام اقرار نمودند. پس خوشا

به حال آنان که بر این عهد و پیمان ثابت قدم بمانند و وای به حال آنان که پیمان خود را زیر پای نهند.

۲۲- ﴿الامام الصادق عليه السلام - في زيارة علي عليه السلام - : طوبى لى ان كنتم موالى اعنى عبدكم، و طوبى لى ان قبلتمونى عبدا﴾. (۵۹)

امام صادق عليه السلام - در (تعلیم) زیارت مرقد امام علی عليه السلام - می فرماید: خوشا به حال من اگر شما آقای من باشید و من عبد شما باشم و خوشا به حال من اگر مرا به عنوان عبد و بنده خود بپذیرید.

۲۳- ﴿العاقب، اسقف نجران - في المفتاح الرابع من الوحي الى المسيح عليه السلام - : قال الله عزوجل في صفة محمد ﷺ و امته: طوبى لامته الذين على ملته يحيون، و على سنته يموتون، و مع اهل بيته يميلون، آمنين، مؤمنين، مطمئنين﴾. (۶۰)

عاقب، اسقف نجران می گوید: - در مفتاح چهارم از وحی خداوند به مسیح عليه السلام آمده است - خداوند تبارک و تعالی در توصیف محمد ﷺ و امتش فرمود: خوشا زندگی امت محمد، آنان که با آداب و دستورات دین او زندگی می کنند و بر شیوه و شریعت سنت او می میرند و به اهل بیت او (ائمہ اطهار) تمایل دارند، در حالی که در امنیت و ایمان و اطمینان هستند.

۲۴- ﴿فاطمة بنت اسد - بعد ان دخلت بيت الله الحرام ولدت عليا عليه السلام - : فلما اعدت اءن اءخرج هتف بى هاتف؛ يا فاطمة، سميه عليا فهو على و الله العلى الاعلى يقول: انى شققت اسمه من اسمى، و اءدبته باءدبى، و وقفته على غامض علمى، و هو الذى يكسر الاءصنام فى بيتى، و هو الذى يؤذن فوق ظهر بيتى، و يقدرنى و يمجدنى، فطوبى لمن اءحبه و اءطاعه و ويل لمن اءبغضه و عصاه﴾. (۶۱)

فاطمه بنت اسد (مادر حضرت علی عليه السلام) - پس از آن که به درون کعبه رفت و علی عليه السلام متولد شد - می گوید: هنگامی که خواستم بیرون روم، هاتفی به من

گفت: فاطمه، او را علی نام بگذار که او والاتر است و خداوند بلند مرتبه می فرماید: بدرستی که نام او را از نام خودم گرفتم و با آداب خودم او را ادب آموختم و او را بر پوشیدگیها و دشواریهای علم خویش آگاه ساختم، اوست که بتها را در خانه من می شکند، اوست که بر بام مسجد الحرام اذان سر می دهد و مرا به پاکی می ستاید و به بزرگی یاد می کند، خوشا زندگی آن که او را دوست دارد و اطاعتش کند و بدا بر آن که او را دشمن بدارد و نافرمانیش کند.

شناخت ائمه اطهار عليهم السلام

۲۵- ﴿رسول الله صلى الله عليه وآله: سألت جبرئيل عن صاحب العلم، فقال: هم سراج ^(۶۲) امتك في الدنيا والآخرة، طوبى لمن عرفهم واءحبهم والويل لمن انكر معرفتهم واءبغهم شهدنا ائنه في النار ومن اءحبهم شهدنا ائنه في الجنة ^(۶۳)﴾.

از جبرئیل پرسیدم، صاحب علم کیست؟ گفت: آنان در دنیا و آخرت چراغ امت تو هستند، خوشا به حال کسی که آنان را بشناسد و دوست بدارد و وای بر آن که شناخت آنان را انکار کند و با ایشان دشمنی ورزد و هر که با آنان دشمنی کند، ما شهادت می دهیم که جایگاه او آتش است. و هر که آنان را دوست بدارد ما گواهی می دهیم که ماءوای او بهشت است.

۲۶- ﴿عمران بن خاقان الوافد - لحاجب بن سليمان اءبي موزج -: انا نجد في التوراة ثلاثة عشر اسما، منها محمد و اثنا عشر بعده من اهل بيته... ^(۶۴)﴾ ثم قراء منه ما ترجمته ﴿ان شموعلی ^(۶۴)﴾ شموعل - خ ل ﴿يخرج من صلبه ابن مبارك، صلواتي عليه و قدسى، يلد اثنا عشر ولدا يكون ذكرهم باقيا الى يوم القيامة، و عليهم ^(۶۴)﴾ القيامة تقوم، طوبى لمن عرفهم بحقيقتهم ^(۶۴)﴾.

عمران بن خاقان الوافد - که بزرگ یهودیان زمان رسول الله صلى الله عليه وآله بود و سپس مسلمان شد - به حاجب بن سلیمان گفت: ما در تورات سیزده نام را یافته ایم که یکی از آنان محمد و دوازده اسم پس از آن اهل بیت

او هستند... (سپس بخشی از زندگی نامه هر یک از آنان را خواند) که از نسل شموعلی (شموعل) فرزند خجسته ای پدید می آید - که درود و ستایشم بر او باد - از او دوازده فرزند متولد می شود که تا روز قیامت از آنان یاد می شود، خوشا به حال کسی که حقیقت آنان را بشناسد.

محبت ائمه اطهار عليهم السلام

۲۷- ﴿رسول الله ﷺ - في احوال القيامة - : ياتي النداء من قبل الله عزوجل يسمع النبيين و الصديقين و الشهداء و المؤمنين: هذا حبيبي محمد و هذا وليي علي، طوبى لمن احبه و ويل لمن ابغضه و كذب عليه﴾. ^(۶۵)

رسول خدا ﷺ درباره چگونگی حالات قیامت می فرمود: (در آن روز) ندایی از جانب خداوند عزوجل می آید که، پیامبران و صدیقان و شهدا و مؤمنان آن را می شنوند (که می گوید): این دوست من محمد و این یار و دوستدار من علی است، خوشا به حال آن که او را دوست بدارد و بدا به حال آن که او را دشمن شمارد و بر او دروغ بندد.

۲۸- ﴿رسول الله ﷺ - لعلی علیاً - : ان الله اطع الى الاعرض فاخترني، ثم اطع اليها ثانية فاخترك، اعنت ابو ولدي، و قاضي ديني، و المنجز عدااتي﴾ ^(۶۶)، و اعنت غدا علي حوضي، طوبى لمن احبك و ويل لمن ابغضك﴾. ^(۶۷)

رسول خدا ﷺ - خطاب به علی عليه السلام - فرمود: خداوند یک بار بر زمین نظر افکند و مرا (به عنوان پیامبر) برگزید، سپس بار دیگر بر زمین نظر افکند و تو را (به عنوان جانشین و امام پس از من) برگزید. علی جان تو پدر فرزندان من و ادا کننده دین من و وفا کننده وعده های من هستی، تو فردا (ی قیامت) در کنار حوض (کوثر) من قرار داری، خوشا به حال آن که تو را دوست بدارد و بدا به حال آن که تو را دشمن شمارد.

۲۹- ﴿رسول خدا ﷺ - لعلی ﷺ -: طوبی ثم طوبی ﴿ثم طوبی - خ د﴾ لمن اعحبك ووفی لك﴾. (۶۸)

رسول خدا ﷺ خطاب به امام علی ﷺ - فرمود خوشا و خوشا و خوشا به حال کسی که تو را دوست دارد و به تو وفادار باشد.

۳۰- ﴿رسول الله ﷺ - فی حق الحسنین ﷺ - مخاطبا به جبرئیل ﷺ -: هما سیدا شباب اهل الجنة، طوبی لمن اعحبهما و اباهما و امهما، وویل لمن حاربهم و ابعضهم﴾. (۶۹)

رسول خدا ﷺ - خطاب به جبرئیل - فرمود: حسن و حسین آقایان و سروران بهشتیان هستند، خوشا به حال کسی که حسن و حسین و پدر و مادر آنان را دوست بدارد و وای بر کسی که با آنان ستیز و دشمنی ورزد.

۳۱- ﴿ابو حارثة - هو من النصاری الذین فی زمن رسول الله ﷺ -: فی المفتاح الرابع من الوحی الی المسیح ﷺ ، قال الله تبارک و تعالی عندما ساعله عیسی ﷺ : هل له محمد ﷺ بقیة؟ - یعنی ذریة - قال الله تبارک و تعالی : نسله (۷۰) من مبارکة صدیقة یكون له منها ابنة لها فرخان سیدان یدتشدان، اعجل نسل احمد منهما، فطوباهما و لمن اعحبهما و شهد اعیامهما﴾. (۷۱)

ابو حارثه - از مسیحیان زمان رسول الله ﷺ - می گوید: در مفتاح چهارم از وحی خداوند به مسیح ﷺ آمده است، وقتی که عیسی ﷺ از خداوند پرسید: خداوند آیا محمد ﷺ فرزندان هم دارد؟ خداوند تبارک و تعالی فرمود: نسل محمد از (خدیجه) زنی فرخنده و صدیقه است که از آن زن برای پیامبر دختری متولد می شود که آن دختر دو کودک بزرگمنش - که به شهادت می رسند - به دنیا می آورد. نسل (پیامبرم) احمد را از آن دو کودک قرار دادم، خوشا به حالشان و خوشا به حال کسانی که آنان را دوست دارند و روزگار ایشان را دریابند (و آنان را یاری کنند).

۳۲- ﴿رسول الله ﷺ﴾ - عندما ساءله نعتل اليهودى عن وصيه -: ان وصي و الخليفة من بعدى على بن ابي طالب عليه السلام و بعده سبطاى؛ الحسن ثم الحسين، يتلوه تسعة من صلب الحسين، ائمة الاعبرار... طوبى لمن اءحبهم و الويل لمبغضيههم ﴿٧٢﴾
 رسول خدا ﷺ - وقتى كه نعتل يهودى از جانشين او پرسيد - فرمود:
 وصى من و جانشين پس از من على بن ابى طالب عليه السلام است و پس از او دو نواده من، حسن و سپس حسين هستند و به دنبال حسين، نه تن از فرزندان حسين، كه آنان امام نيكوكارانند... خوشا به حال كسى كه آنان را دوست بدارد و واى بر آن كه آنان را دشمن شمارد.

۳۳- ﴿رسول الله ﷺ﴾ : من رزقه الله حب الاءئمة من اهل بيتى فقد اءصاب خير الدنيا و الآخرة، فلا يشكن احد اءنه فى الجنة، فان فى حب اهل بيتى عشرون خصلة، عشر منها فى الدنيا و عشر منها فى الآخرة، اءما التى فى الدنيا، الزهد، و الحرص على العمل، و الورع فى الدين، و الرغبة فى العبادة، و التوبة قبل الموت، و النشاط فى قيام الليل، و الياءس مما فى اءيدى الناس، و الحفظ لاءمر الله و نهيه عز و جل، و التاسعة؛ بغض الدنيا؛ و العاشرة؛ السخاء. و اءما التى فى الآخرة؛ فلا ينشر له ديوان، و لا ينصب له ميزان، و يعطى كتابه بيمينه، و يكتب له براءة من النار، و يبيض وجهه، و يكسى من حلل الجنة، و يشفع فى مائة من اهل بيته، و ينظر الله عز و جل اليه بالرحمة، و يتوج من تيجان الجنة، و العاشرة يدخل الجنة بغير حساب، فطوبى لمحبي اهل بيتى ﴿٧٣﴾.

هر كس كه خداوند محبت امامان اهل بيت مرا به او عطا كند، به خير دنيا و آخرت رسیده است، چنين كسى ترديد نكند، كه او حتما در بهشت است.

چرا كه در محبت اهل بيت من بيست خصلت است؛ ده خصلت آن در دنيا ظاهر شده و ده خصلت آن در آخرت. اما خصلتهای دنيائی (عبارتند از): زهد، تلاش بسيار بر عمل (به دستورات دينى)، ورع و پارسايى در دين، رغبت و تمايل به عبادت، توبه و پشيمانى پيش از مرگ، نشاط و شادابى در نماز شب،

امید نبستن به مال مردم (قناعت)، مراقبت بر انجام حلال و ترک حرام خداوند عز و جل و خصلت نهم ستیزه جویی با (تمایلات) دنیا و خصلت دهم سخاوت و بخشندگی است.

و اما ویژگیهایی که در آخرت دارد؛ نامه عملش باز نمی شود، ترازوی عدل الهی برای محاسبه اعمالش قرار داده نمی شود، نامه عمل او را به دست راستش می دهند، رهایی از آتش برایش نوشته می شود، چهره اش سپید و نورانی می شود، زیورهای بهشتی به او پوشانده می شود، و شفاعت صد نفر از خانواده اش را می پذیرند، خداوند عزوجل با نظر لطف و رحمت به او می نگرد، تاجی از تاجهای بهشتی بر سرش نهاده می شود، و دهمین ویژگی آن که بدون حساب داخل بهشت می شود. خوشا به حال دوستداران اهل بیتم.

۳۴- ﴿الامام علی عليه السلام: يا معشر الصحابة! والله ما تقدمت علي امر الا ما عهد الي فيه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، فطوبى لمن رسخ حبنا اهل البيت في قلبه ليكون الايمان اثبت في قلبه ليكون الايمان اثبت في قلبه من جبل احد في مكانه، ومن لم تصر مودتنا في قلبه، انما ^(۷۴) الايمان في قلبه كانيات الملح في الماء ^(۷۵)﴾.

ای گروه صحابه! به خدا سوگند دست به کاری نزد من مگر آن که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در آن کار با من عهد و پیمان بست. خوشا آن را؟ محبت ما اهل بیت چگونه ای در قلبش رسوخ کند که ایمان قلبی اش از کوه احد استوارتر باشد و هر کس که مودت و دوستی ما در قلبش جای نگیرد، ایمان از قلب او محو می شود، چنانکه نمک در آب ذوب و ناپدید می گردد.

۳۵- ﴿رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم - لجندب بن جنادة اليهودي عندما اسلم -: يا جندب في زمن كل واحد منهم يعترية ويؤذيه، فاذا عجل الله خروج قائمنا يملاء الاعراض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا. ثم قال صلى الله عليه وآله وسلم: طوبى للصابرين في

غیبت، طوبی للمقیمین علی محبتهم، اولئک وصفهم الله فی کتابه و قال: الذین یؤمنون بالغیب (۷۶) و قال: اولئک حزب الله اءلا ان حزب الله هم المفلحون (۷۷). (۷۸)

رسول خدا ﷺ - خطاب به جندب بن جناده یهودی، هنگامی که مسلمان شد - فرمود: جندب! در زمان هر یک از جانشینان معصوم بن، سلطان ستمگری مسلط می شود و آنان را می آزارد، و هنگامی که خداوند در فرج قائم آل محمد تعجیل کند (و او ظهور نماید) زمین را عدل و داد فرا می گیرد، چنانکه ظلم و ستم آن را فرا گرفته بود. آنگاه پیامبر ﷺ فرمود: خوشا روزگار آنان که در زمان غیبت (بر دشواریها) صبر نمایند و خوشا به حال آنان که بر دوستی ائمه اطهار ﷺ در غیبت (امام زمان علیه السلام) پایدار بمانند، آنان کسانی اند که خداوند در قرآن اینگونه توصیفشان نموده است و فرموده است (آنان که به غیب ایمان می آورند). و فرموده: (آنان حزب خدا هستند، آری حزب خداست که رستگارانند).

۳۶- ﴿رسول الله ﷺ - لاءبی بن کعب عندما یتذکر المهدی علیه السلام - : یا ابی، طوبی لمن لقیه، طوبی لمن اعحبه و طوبی لمن قال به، ینجیهم الله من الهلکة بالاقرار به﴾. (۷۹)

رسول خدا ﷺ - هنگامی که ابی بن کعب، مهدی علیه السلام را یاد می کرد - فرمود: یا ابی خوشا به حال آنان که او را ببینند و خوشا به حال آنان که او را دوست بدارند و خوشا به حال آنان که از او بگویند، (چرا که) خداوند تبارک و تعالی به خاطر اقرار به امامت او، مردم را از هلاکت نجات می دهد.

پیروی از ائمه اطهار ﷺ

۳۷- ﴿رسول الله ﷺ : لا یتم الایمان الا بمحبتنا اهل البیت، وان الله تبارک و تعالی عهد الی اءنه لا یحبنا اهل البیت الا مؤمن تقی، ولا یبغضنا الا منافق شقی، فطوبی لمن تمسک بی و بالائمة الاءطهار من ذریتی﴾. (۸۰)

ایمان کامل نمی شود، مگر با محبت ما اهل بیت، و خداوند تبارک و تعالی با من پیمان بسته است که ما اهل بیت را دوست نمی دارد مگر مؤمن با تقوی، دوست نمی دارد و با ما دشمنی نمی ورزد مگر منافق بدبخت، پس خوشا به حال آنان که به من و ائمه اطهار که فرزندان من هستند تمسک (و توسل) جویند.

۳۸- ﴿رسول الله ﷺ - لعلی و فاطمة علیهما السلام - : طوبی لمن کان معکم، طوبی لمن اعزکم اذا خذکم الناس، و اعانکم اذا جفاکم الناس، و آواکم اذا طردکم الناس، و نصرکم اذا قتلکم الناس، الویل لکم من امتی و الویل لامتی من الله﴾ (۸۱)

رسول خدا ﷺ - خطاب به علی و فاطمه علیهما السلام - فرمود: خوشا بر آنان که با شما هستند و خوشا بر آنان که شما را عزیز و گرامی می دارند، در آن هنگام که مردم شما را خوار می شمارند، به فریادتان می رسند، هنگامی که مردم بر شما ستم روا دارند، پناهتان می دهند، هنگامی که مردم شما را از خود می رانند، به یاریتان بر می خیزند، زمانی که مردم شما را می کشند، وای از ستمکاری امت من بر شما و وای از کیفر خدا بر امتم.

۳۹- ﴿رسول خدا ﷺ - عندما ساءله نعتل اليهودی عن وصیه - : ان وصی و الخلیفة من بعدی علی بن ابی طالب علیهما السلام، و بعده سبطای الحسن و الحسین، یتلوه تسعة من صلب الحسین، ائمة الاعبرار... طوبی لمن تمسک بهم و الویل لمبغضیهم﴾ (۸۲)

رسول خدا ﷺ - وقتی که نعتل یهودی از جانشین او پرسید - فرمود: وصی من و جانشین پس از من علی بن ابی طالب علیهما السلام است و پس از او دو نواده من حسن و حسین هستند و به دنبال حسین، نه تن از فرزندان حسین، که

آنان امام نیکوکارانند... خوشا به حال کسی که به آنان تمسک جوید و بدا بر دشمنان ایشان.

۴۰- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن... اتبع الاءخبار من عترتى من بعدى﴾. (۸۳)

خوشا به حال کسی که... پس از من، برگزیدگان عترتم را پیروی کند.

۴۱- ﴿رسول الله ﷺ: ... طوبى لمن اعطاكم وويل لمن عصاكم﴾. (۸۴)

علی جان!... خوشا به حال آنان که از شما (اهل بیت) پیروی کنند و وای به حال آنان که شما را نافرمانی کنند.

۴۲- ﴿الامام حسين عليه السلام: محمد و على ابوا هذه الامة، فطوبى لمن كان بحقهما

عارفاً، و لهما فى كل احواله مطيعاً، يجعله الله من افضل سكان جنانه، ويسعده بكراماته ورضوانه﴾. (۸۵)

محمد و علی پدران این امت هستند، پس خوشا بر آنان که به حق آن دو آشنا باشند و در هر حال، از آنان پیروی کنند. (که در این حالت) خداوند آنان را از برترین ساکنان بهشت خویش قرار دهد و آنان را با کرامت و رضوان خویش سعادت‌مند گرداند.

۴۳- ﴿الامام على عليه السلام: شيعتنا ثلاثة اصناف؛ صنف يصلوننا، و صنف

يصلون الناس، و صنف والوا ولينا و عادوا عدونا، اولئك الاءولياء الاءخيار، الحكماء العلماء، و طوبى لهم و حسن مآب﴾. (۸۶)

شیعیان ما سه گروه اند: گروهی (فقط) با ما رابطه دارند و گروهی با دیگران (حاکمان جور) و گروه سوم دوستان ما را دوست خود و دشمنان ما را دشمن خود می‌شمارند، آنان (دسته سوم) دوستان برگزیده و حکیمان دانشمندان، خوشا به حالشان و نیک باد فرجامشان.

۴۴- ﴿الامام الباقر عليه السلام: يأتى على الناس زمان يغيب عنهم امامهم، فيا طوبى

للثابتين على امرنا فى ذلك الزمان، ان اعدنى ما يكون لهم من الثواب اعن يناديهم

الباری جل جلاله فیقول: عبادی و امائی، آمنتم بسری، و صدقتم بغیبی، فابشروا بحسن الثواب منی، فاءنتم عبادی و امائی حقا، منکم اءتقبل، و عنکم اءعفو، و لکم اءعفر، و بکم اءسقی عبادی الغیث، و اءدفع عنهم البلاء و لولاکم لاءنزلت علیهم عذابی ﴿۸۷﴾.

روزگاری بر مردم خواهد رسید که امامشان در غیبت است، پس خوشا به حال آنان که در آن روزگار بر ولایت ما ثابت قدم بوده و پایداری کنند، (و بدانند) کمترین پاداش آنان این است که خداوند جل جلاله خطاب به ایشان می گوید: بندگان و کنیزان من، به سر من ایمان آوردید، و غیب مرا تصدیق نمودید، پس بشارتتان باد به پاداش نیکوی من، که شما به حق، بندگان و کنیزان من هستید، (اعمالتان را) از شما می پذیرم و از شما در گذرم، و به خاطر شما (بندگان گنهکارم را) می بخشم و به خاطر شما باران رحمتم را بر بندگانم فرو می فرستم، و بلا را از آنان دور می سازم و اگر شما نبودید بر ایشان عذاب فرو می ریختم.

۴۵- ﴿الامام الباقر ؑ: طوبی لمن کان فی زمرة رسول الله خدا و اهل بینه﴾.

(۸۸)

خوشا به حال آنان که فردا (ی قیامت) در گروه رسول خدا و اهل بیت او باشند.

۴۶- ﴿الامام الصادق ؑ: طوبی لمن تمسك باءمرنا فی غیبة قائمنا، فلم یزغ

قلبه بعد الهدایة﴾. (۸۹)

خوشا بر آنان که در غیبت قائم آل محمد به ولایت ما تمسک جویند (که در این صورت هدایت شده اند) و پس از هدایت، قلبشان (از راه راست) منحرف نشود.

۴۷- ﴿الامام الكاظم عليه السلام﴾: طوبى لشيعتنا المتمسكين بجلنا في غيبة قائمنا، الثابتين على موالاتنا و البراءة من اعدائنا، اولئك منا و نحن منهم، قد رضوا بنا ائمة و رضينا بهم شيعة، فطوبى لهم، ثم طوبى لهم، و هم والله معنا في درجاتنا يوم القيامة ﴿٩٠﴾.

خوشا به حال شیعیان ما، آنان که در زمان غیبت قائم آل محمد به ریسمان ما ائمه چنگ می زنند، بر دوستی ما و دوری از دشمنانمان ثابت قدم و استوارند، آنان از ما هستند و ما از آنانیم، آنان به امامت و پیشوایی ما خشنودند و ما هم از پیروی و شیعه بودن آنان خشنودیم، خوشا به حالشان، خوشا زندگیشان. به خدا سوگند آنان روز قیامت در مقام و جایگاه ما ائمه و در کنارمان خواهند بود.

۴۸- ﴿رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم﴾: طوبى لمن اءدرك اهل بيتى و هو مقتد به قبل قيامه، ياءتم به و بائمة الهدى من قبله، و يبرء الى الله عزوجل من عدوهم، اولئك رفقاءى واءكرم امتى على ﴿٩١﴾.

خوشا به حال آنان که قائم اهل بیت مرا (مهدی علیه السلام) دریابند، در حالی که پیش از قیام وی، پیرو او شده، دنباله روی او و امامان هدایتگر پیش از او باشند و از دشمنانشان دروئ گزینند، آنان دوستان من و گرامیترین افراد امت، نزد من هستند.

۴۹- ﴿الامام الجواد عليه السلام﴾: اذا مات ابنى على بدا سراج بعده ثم حقى، فويل للمر تاب و طوبى للغريب الفار بدینه، ثم يكون بعد ذلك اءحداث تشيب فيها النواصى و يسير الصم الصلاب ﴿٩٢﴾.

پس از مرگ فرزندان علی (امام هادی علیه السلام) نوری می درخشد (امام عسگری علیه السلام) و پس از آن خاموشی و خفاست (غیبت امام زمان علیه السلام) پس وای بر آن که شک کند و خوشا به حال غریبانی که برای حفظ دین خود بگریزند (تقیه کنند،

یا از حکام ستمگر دور شوند)، سپس از پس این روزگاران، دشواریهایی پیش خواهد آمد که موهای سر از غم و غصه سپید می شود و زندگی بسی سخت و دشوار می گردد.

۵۰- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی لمن كان من اولياء الحسين و شيعته، هم و الله الفائزون يوم القيامة﴾. (۹۳)

خوشا به حال دوستداران و پیروان حسین، به خدا سوگند آنان روز قیامت از پیروزمندان و برندگان هستند.

۵۱- ﴿الامام الصادق عليه السلام: مرأ عمير المؤمنين عليه السلام في اناس من اصحابه بکربلا، فلما مربها اغرورقت عيناه بالبكاء، ثم قال: هذا مناح ركابهم و هذا ملقى رحالهم، هاهنا تهراق دماءهم، طوبى لك من تربه، عليك تهراق دماء الاعحبة﴾. (۹۴)

امیر المؤمنین علیه السلام با گروهی از اصحابش از کربلا می گذشت، هنگامی که به سرزمین کربلا (محل شهادت امام حسین علیه السلام) رسید، اشک در چشمانش حلقه زد و فرمود: اینجا اقامتگاه کاروانشان و این مکان فرود بار سفرشان است و همینجا خونشان ریخته می شود، خوشا بر تو ای تربتی که خون محبوبتان (خدا و پیروان حسین) بر تو ریخته می شود.

۵۲- ﴿الامام الصادق عليه السلام: بينا الحسين عند رسول الله ﷺ اذ اتاه جبرئيل عليه السلام فقال: يا محمد اعجبه؟ قال ﷺ: نعم. قال: اءما ان امتك ستقتله. فحزن رسول الله ﷺ حزنا شديدا، فقال جبرئيل عليه السلام: اءيسرك ان اريك التربة التي يقتل فيها؟ قال ﷺ: نعم. ﴿و عندما رآها﴾ قال رسول الله ﷺ: طوبى لك من تربة، و طوبى لمن يقتل فيك﴾. (۹۵)

هنگامی که حسین نزد رسول خدا ﷺ بود، جبرئیل علیه السلام نزد حضرت آمد و عرض کرد: محمد! آیا دوستش داری؟ فرمود: آری. جبرئیل گفت: ولی امت تو بزودی او را خواهند کشت، در این هنگام رسول خدا ﷺ بسیار اندوهناک

شد، آنگاه جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کرد: آیا اگر سرزمینی را که حسین در آن به شهادت می رسد به تو نشان دهم خوشحال می شوی؟ حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: بله، (و وقتی که آن سرزمین را دید) فرمود: خوشا بر چنین سرزمینی و خوشا به حال کسی که بر روی تو به خون می غلتد.

انتظار فرج

۵۳- ﴿الامام الصادق عَلَيْهِ السَّلَامُ: يا ابا بصير، طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره في غيبته، و المطيعين له في ظهوره، اءولئك اءولياء الله الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون﴾. ^(۹۶)

ابو بصیر! خوشا به حال شیعیان قائم آل محمد، آنان که در زمان غیبت او، ظهورش را انتظار می کشند و هنگامی که او ظهور کند، گوش به فرمان او هستند، آنان دوستان و یاران خدایند، کسانی که ترس و اندوهی به دل ندارند.

۵۴- ﴿في زيارة الحجة بن الحسن عَلَيْهِ السَّلَامُ: طوبى لمن سعد بولايتك، و ويل لمن شقى ببحودك﴾. ^(۹۷)

در زیارتنامه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است: خوشا به حال آنان که با قبول ولایت تو (در زمان غیبت و پس از آن) به سعادت برسند و بدا بر آنان که با انکار آن به تیره روزی برسند.

صبر بر سختیهای غیبت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿۵۵- رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: - لجندب بن جنادة اليهودى عندما اسلم -: يا جندب، في زمن كل واحد منهم سلطان يعتريه ويؤذيه، فاذا عجل الله خروج قائمنا يملأ الاءرض قسطا و عدلا كما ملئت جورا و ظلما. ثم قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: طوبى للصابرين في غيبته، طوبى للمقيمين على محبتهم اولئك وصفهم الله في كتابه و قال: الذين يؤمنون بالغيب ^(۹۸) و قال اولئك حزب الله اءلا ان حزب الله هم المفلحون ^(۹۹). ^(۱۰۰)

رسول خدا ﷺ - خطاب به جندب بن جناده یهودی، هنگامی که مسلمان شد - فرمود: جندب! در زمان هر یک از جانشینان معصوم من، سلطان ستمگری مسلط می شود و آنان را می آزارد، و هنگامی که خداوند در فرج قائم آل محمد تعجیل کند و (و او ظهور نماید) زمین را عدل و داد فرا می گیرد، چنانکه ظلم و ستم آن را فرا گرفته بود. آنگاه پیامبر ﷺ فرمود: خوشا روزگار آنان که در زمان غیبت (بر دشواریها) صبر نمایند و خوشا به حال آنان که بر دوستی ائمه اطهار در غیبت (امام زمان علیه السلام) پایدار نمانند، آنان کسانی اند که خداوند در قرآن اینگونه توصیفشان نموده است و فرموده است: (آنان که به غیب ایمان می آورند). و فرموده: (آنان حزب خدا هستند، آگاه باشید حزب خداست که رستگاراند).

۵۶- ﴿الامام علی علیه السلام - فی اوصاف اصحاب المهدي علیه السلام - : اللهم وانی لاءعلم عن العلم لا ياءزر كله ولا ينقطع مواده، و اعنك لا تخلي ارضك من حجة لك على خلقك، ظاهر ليس بالمطاع او خائف مغمور، كي تبطل حجتك، و لا يضل اولياؤك بعد اذ هديتهم، بل اعينهم و كم؟ اولئك الاعقلون عددا، و الاءعظمون عند الله جل ذكره قدرا، المتبعون لقادة الدين، الاءيمة الهادين، الذين يتاءدبون بأدابهم، و ينهجون نهجهم، فعند ذلك يهجم بهم العلم على حقيقة الايمان، فتستجيب اءرواحهم لقادة العلم و يستلینون من حديثهم ما استوعر على غيرهم، و ياءنسون بما استوحش منه المكذبون و اءباه المسرفون، اولئك اءتباع العلماء، صحبوا اهل الدنيا بطاعة الله تبارك و تعالی و اءولیائه، و دانوا بالتقية عن دينهم و الخوف من عدوهم فاءرواحهم معلقة بالمحل الاءعلى، فعلماءؤهم و اءتباهم خرس صمت في دولة الباطل. ها، ها، طوبی لهم على صبرهم على دينهم في حال هدنتهم، و یا شوقاه الى رؤیتهم في حال ظهور دولتهم، و سیجمعنا الله و ایاهم في جنات عدن و من صلح من آبائهم و اءزواجهم و ذریاتهم﴾^(۱۰۱)

امام علی علیه السلام - در وصف یاران حضرت مهدی علیه السلام - فرمود: بار خدایا من می دانم که بساط علم و دانش برچیده نمی شود و مایه هایش از میان نمی رود (یعنی هیچگاه روی زمین را کفر و ضلالت محض فرا نمی گیرد و همیشه کم و بیش آثاری از توحید و هدایت یافت می شود) می دانم که تو روی زمین را از حجت خود بر خلق خالی نمی سازی که او یا آشکار است و فرمائش نبرند (مانند امیر المؤمنین و امام حسن علیه السلام در دوران خلافت خود) و یا ترسان و پنهان (مانند امام زمان علیه السلام تا حجت خود باطل نگردد (و مردم بهانه ای نداشته باشند) و دوستان تو بعد از آن که هدایتشان فرمودی گمراه نشوند، ولی آنان کجایند و چقدر؟ تعدادشان بسیار اندک است و نزد خدای جل ذکره ارزشی بسیار بزرگ و گمراهی دارند، آنان پیرو پیشوایان دین و امامان هدایتگرند. همان کسانی که به آداب ائمه پرورش یافته و به راه ایشان رفته اند.

و در اینجا است که دانش، حقیقت ایمان آنان را در بر می گیرد و روحشان، ندای پیشوایان دانش را لبیک می گوید و همان سخنانی که بر دیگران مشکل آید برای آنان دلنشین باشد و به آنچه تکذیب کنندگان، از آن وحشت دارند و متجاوزان سرباز می زنند انس و الفت دارند. آنان پیرو علما هستند، برای اطاعت خدای تبارک و تعالی و اولیای او، با اهل دنیا معاشرت کنند، نسبت به دین خود از ترس دشمن، تقیه را آئین خود سازند، روح ایشان با جایگاهی رفیع گره خورده است، و دانشمندان و پیروانشان در زمان دولت باطل، زبان در کام و خاموش اند و همیشه در انتظار دولت حق چشم به راه و آماده اند، و نزدیک است که خدا هم با کلمات خود (کلمات ائمه یا آیات قرآن و یا با تقدیر خود) حق را استوار سازد و باطل را از میان بر دارد.

های، های، خوشا به حالشان که در زمان صلح و آرامش، بر دینشان شکیبایی ورزیدند، و چه شوقی به دیدار آنان به هنگام برپایی دولتشان دارم، خدا ما و ایشان و پدران و همسران و فرزندان نیکوکارشان را در بهشت برین گرد هم خواهد آورد.

یاری امام عصر علیه السلام

۵۷- ﴿الامام الباقر علیه السلام - فی امر ظهور المهدي علیه السلام - : یا طوبی لمن اءدرکه و کان من اءعدائه (۱۰۲).

امام باقر علیه السلام - درباره ظهور مهدی علیه السلام - فرمود: خوشا زندگی آنان که او را ببینند و از یاوران او باشند و وای و هزاران وای بر آنان که با او و برنامه او دشمنی و ستیزه کنند و در زمره دشمنان او باشند.

۵۸- ﴿الامام باقر علیه السلام - فیما ساءلته ام هانی عن آية ﴿فلا اقسم بالخنس الجوار الكنس﴾ (۱۰۳) - : نعم المساءلة ساءلتنی یا ام هانی، هذا مولود فی آخر الزمان هو المهدي من هذه العترة، تكون له حيرة و غيبة یضل فیها اءقوام و یهدی فیها اءقوام، فیما طوبی لك ان اءدرکتیه، و یا طوبی لمن اءدرکه (۱۰۴).

امام باقر علیه السلام - در پاسخ به ام هانی که از آیه (نه! سوگند به اختران گردان نهان شوند و از نو آیند) پرسید، فرمود: ام هانی! خوب مسئله ای پرسیدی، این مولودی در آخر الزمان است. او مهدی این خاندان است، او را سرگردانی و غیبتی است که در آن کسانی گمراه و مردمانی هدایت می شوند، پس خوشا به حال تو اگر او را ببینی و دریابی و خوشا به حال آن که او را درک کند و دریابد.

۵۹- ﴿الامام الصادق علیه السلام - فی وصف المهدي علیه السلام - : هو المفرج للمکرب عن شیعتیه، بعد ضنک شدید و بلاء طویل و جور، فطوبی لمن اءدرک ذلك الزمان (۱۰۵).

امام صادق علیه السلام در توصیف امام مهدی علیه السلام: اوست که پس از سختیهای شدید و مصیبتها و ستمهای طولانی پیروانش را از غم می رهاند، پس خوشا به حال کسانی که آن زمان را دریابند.

سوگواری ائمه اطهار علیهم السلام

۶۰- ﴿الامام الصادق علیه السلام - لاءصحابه و هم جلوس حوله - انکم لتذکرون مصیبتنا اهل البیت، و ما منعنا من حقوقنا، فاعیدینا من حقوقنا صفرات؟ فقالوا: بلی یابن رسول الله، و انا لنبکی علیه.

فقال علیه السلام: طوبی لریحکم و اعرواحکم، ضمانت لکم الضمان، بضمان الله و ضمان رسوله، و ضمان علی بن اعبی طالب، فاعینونا علی تلك بالورع (۱۰۶).

امام صادق علیه السلام - خطاب به یارانش در حالی که پیروانش گرد ایشان حلقه زده بودند - فرمود: آیا شما از مصیبتها و حقوقی که از ما دریغ کرده اند - دست ما از حقمان خالی است - یاد می کنید؟ اصحاب گفتند: آری ای فرزند رسول خدا و ما بر آن مصائب اشک می ریزیم و گریه می کنیم. حضرت فرمود: خوشا به عطر و بوی شما و به روح و روانتان، من برای شما ضمانت می کنم که خداوند ضامن شما شود و رسول خدا ضامن شما شود و علی بن ابی طالب ضامن شما شود، ولی شما نیز در برابر این ضمانت با دوری از گناه ما را یاری کنید.

زیارت مرقد امام حسین علیه السلام

۶۱- ﴿الامام الصادق علیه السلام: فاذا انقلبت من عند قبر الحسین علیه السلام ناداک مناد، لو سمعت مقالته لاءقمت عمرک عند قبر الحسین علیه السلام، و هو یقول: طوبی لک اعیها العبد قد غنمت و سلمت، قد غفر لک ما سلف، فاستاءنف العمل (۱۰۷).

وقتی که از زیارت مرقد حسین علیه السلام باز می گردی، ندا دهنده ای تو را خطاب می کند که اگر گفته او را می شنیدی، تمام عمرت را در کنار مرقد

حسین علیه السلام می گذراندی، آن منادی می گوید: خوشا به حالت ای بنده (خدا)، همانا غنیمت ارزشمندی بدست آوردی و در مان شدی، گناهان گذشته ات بخشوده شد، پس عمر از سر گیر.

۶۲- ﴿الامام السجاد علیه السلام: من اعجب اعن يصفحه مائة الف نبى و اربعة و عشرون اءلف نبى فليزر الحسين علیه السلام ليلة النصف من شعبان، فان الملائكة و ارواح النبيين يستاءذنون الله في زيارته، فياءذن لهم، فطوبى لمن صافحهم و صافحوه﴾. (۱۰۸)

هر کس دوست دارد که صد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصاحفه کنند، باید مرقد امام حسین علیه السلام را در شب نیمه شعبان زیارت کند، زیرا فرشتگان و روح پیامبران (در آن شب) برای زیارت مرقد حسین علیه السلام از خداوند اجازه می گیرند و خداوند به آنان اجازه می دهد، پس خوشا به حال آنان که با ایشان مصاحفه کنند.

(د) معاد

عمل برای آخرت

۶۳- ﴿الامام الصادق علیه السلام - في وصيته لعبدالله بن جندب - : طوبى لعبد طلب الاخرة و سعى لها﴾. (۱۰۹)

امام صادق علیه السلام - در وصیتش به عبدالله بن جندب - فرمود: خوشا به حال بنده ای که آخرت را بجوید و برای آن بکوشد.

۶۴- ﴿على بن اسباط عنهم عليهم السلام - في بيان ما وعظ الله تبارك و تعالى به عيسى علیه السلام - : طوبى لك يا بن مريم ان كنت لها ﴿الآخرة من العاملين مع آباءك آدم و ابراهيم في جنات و نعيم، لا تبتغى بها بدلا و لا تحويلا كذلك اءفعل بالمتقين﴾. (۱۱۰)

علی بن اسباط از (یکی از) معصومان: - در کلامی که خداوند تبارک و تعالی عیسی علیه السلام را موعظه می نمود - نقل می کند: خوشا به حال تو ای فرزند مریم،

اگر از کسانی باشی که برای آخرت کار می کنند، (که در این صورت) با پدرانیت آدم و ابراهیم در میان بهشت و نعمتهای خدا خواهی بود (مکانی که) به جای آن، چیز دیگری را جایگزین نمی خواهی، (بدان که) من با تقوا پیشگان این چنین خواهم کرد.

۶۵- ﴿الامام علیؑ طوبی لمن کذب مناه﴾^(۱۱۱) و اءخرب دنیاہ لعمارة اخرہ

﴿﴾^(۱۱۲)

خوشا به حال آن که آرزوهایش را تکذیب کند (و فریب آنان را نخورد) و دنیای خود را برای آبادانی آن جهان ویران سازد (آخرت را بر دنیا ترجیح دهد).

۶۶- ﴿علی بن عیسی رفعه - فیما ناجاه الله به موسیؑ فقال الله له :- یا

موسی، اءبناء الدنيا و اءهلها فتن بعضهم لبعض، فكل مزین له ما هو فیہ، و المؤمن من زینت له الآخرة، فهو ينظر اليها ما یفتر، قد حالت شهو تهابینہ و بین لذة العیش فاءدلجته﴾^(۱۱۳) بالاءسحار کفعل الراكب السائق الی غایتہ، یظل کئیبا و یسمی حزینا، و طوبی له لو قد کشف الغطاء ماذا یعابن من السرور﴾^(۱۱۴)

علی بن عیسی در حدیث مرفوعی روایت می کند - در آن کلماتی که موسیؑ با خداوند مناجات کرد - خداوند به او فرمود: موسی! برخی فرزندان دنیا و اهل دنیا در کار یکدیگر فتنه می کنند و (بدان که) هر کس در هر چه هست همان برایش آرایش و زینت است، پس مؤمن کسی است که آخرت در نظرش زیبایی و زینت دارد، و از این رو یکسره، و بدون فتور و سستی به آن می نگرد. عشق به آن جهان میان او و لذتهای زندگی دنیا فاصله انداخته و همان عشق است که او را در سحرگاهان از جا می کند و همانند رفتار سواری که مرکب را به سوی منزل و مقصد می راند، روزش را به اندوه رسیدن به مقصد و شبش را به غم (رسیدن به منزل حقیقت) می گذراند. خوشا به حال او وقتی که پرده این

جهان از برابر دیدگانش به کنار رود، چه شادی و سروری را به چشم خواهد دید.

۶۷- ﴿الامام علیؑ: طوبی لمن خاف العقاب، و عمل للحساب﴾. (۱۱۵)

خوشا به حال آن که از کیفر و جزای (اعمالش) در هراس است و برای روز حساب در تلاش.

۶۸- ﴿الامام علیؑ: طوبی لمن ذکر المعاد، و قنع بالكفاف، و اعد

لحساب﴾. (۱۱۶)

خوشا به حال آن که به یاد آخرت باشد و (در زندگی) به کفاف (۱۱۷) قانع باشد و خود را برای (جواب در) روز حساب آماده سازد.

۶۹- ﴿الامام علیؑ: طوبی لمن اءحسن الی العباد و تزود للمعاد﴾. (۱۱۸)

خوشا به حال آن که با بندگان خدا نیکی کند و برای آخرت خود زاد و توشه برگیرد.

۷۰- ﴿الامام علیؑ: طوبی لمن اءراد المعاد، و عمل الحساب، و قنع بالكفاف،

ورضى عن الله عزوجل﴾. (۱۱۹)

خوشا به حال آن که آهنگ آخرت کند و برای (جواب در) روز حساب بکوشد و به کفاف در زندگی قانع و از خداوند عزوجل خشنود باشد.

۷۱- ﴿الامام علیؑ: طوبی لمن بادر الاءجل، و اغتنم المهل (۱۲۰)، و تزود من

العمل﴾. (۱۲۱)

خوشا به حال آن که بر اءجل پیشی گیرد و فرصتها (ی زندگی) را غنیمت شمرد و با کار (های نیکو) برای آخرت زاد و توشه فراهم سازد.

۷۲- ﴿الامام علیؑ: طوبی لمن... اءحرز اءمر آخرته﴾. (۱۲۲)

خوشا به حال آن که... کار آخرتش را فراهم آورده باشد.

عفو الهی در آخرت

۷۳- ﴿رسول الله ﷺ: ... الموت اءول منزل من المنازل الآخرة، و آخر منزل من منازل الدنيا، فطوبى لمن اءكرم عند النزول باءولها، و طوبى لمن اءحسن مشايعته فى آخرها﴾. (۱۲۳)

مرگ اولین منزل از منازل آخرت و آخرین منزل از منزلهای دنیاست، پس خوشا به حال آن که، وی را هنگام ورود در نخستین منزل (آخرت) گرامی بدارند و خوشا به حال آن که در آخرین منزل (دنیا) از او مشایعت و همراهی شایسته ای به جا آورند.

۷۴- ﴿الله تبارك و تعالى فى الصحيفة الثالثة و العشرين من صحف ادریس النبى ﷺ: سيعود كل شىء الى عنصره (۱۲۴) ... و تقوم القيامة، و طوبى للناجين و ويل للهالكين﴾. (۱۲۵)

خداوند تبارک و تعالی در بیست و سومین صحیفه ادریس پیامبر ﷺ فرموده است: بزودی هر چیز به اصل خویش باز می گردد... و قیامت بر پا می شود، پس خوشا به حال آنان که (از شدت حساب در قیامت) نجات یابند و بدا بر آنان که هلاک شدگان باشند.

۷۵- ﴿الامام السجاد ﷺ - فى مناجاته لله عزوجل: طوبى لمن رضيت عنه، و ويل لمن سخطت عليه﴾. (۱۲۶)

خوشا به حال آن که تو از او خشنود باشی و وای بر آن که تو بر او غضبناک گردی.

۷۶- ﴿الامام على ﷺ - فى قوله تعالى ﴿عسى﴾ - اءن ينبعثك ربك مقاما (۱۲۷) محمودا﴾ (۱۲۸) :- فطوبى لمن كان له فى ذلك المقام حظ و نصيب و ويل لمن لم يكن له فى ذلك المقام حظ و نصيب﴾. (۱۲۹)

امام علی علیه السلام در مورد آیه (امید است که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند) می فرماید: خوشا به حال کسی که از آن جایگاه سهمی داشته باشد و وای بر کسی که از آن جایگاه بهره و سودی نداشته باشد.

ورود به بهشت

۷۷- ﴿رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: لما خلق الله الجنة عدن... امرها فاهتزت و نطقت فقالت: اءن لا اله الا اءنت، الحى القيوم، فطوبى لمن قدر له دخولى قال الله سبحانه: و عزتى و جلالى و ارتفاع مكانى، لا يدخلك مدمن خمر، و لا مصر- على ربا، و لا فتنان - و هو المنام - ﴿ (۱۳۰)

وقتی که خداوند بهشت جاویدان را آفرید، به آن امر کرد، پس تکانی خورد و به سخن آمد و گفت: تو خداوندی هستی که خدای دیگری جز تو نیست، حى و قیومی، پس خوشا به حال آن که برای او تقدیر شد که در من داخل شود. آنگاه خداوند سبحان فرمود: به عزت و جلال و بلند مرتبگی ام سوگند، که شرابخوار و رباخوار و فتنه گر - که همان سخن چین باشد - را درون تو راه نمی دهم.

۷۸- ﴿رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم - فى تفسير قوله عزوجل فى جنات عدن (۱۳۱) -: عدن، دار الله التى لم ترها عين و لم تخطر على قلب بشر، لا يسكنها غير ثلاثة: النبیین و الصدقین و الشهداء. يقول الله عزوجل: طوبى لمن دخلك ﴿ (۱۳۲)

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم - در تفسیر آیه (در بهشت جاویدان) - فرمود: عدن خانه خداست، خانه ای که هیچ چشمی آن را ندیده و (تصورش) بر قلب کسی خطور نکرده است و هیچ کس در آن ساکن نشده مگر سه دسته: پیامبران، صدیقان و شهدا. خداوند عزوجل می فرماید: خوشا به حال آن که در تو جای گیرد.

۷۹- ﴿رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ان فى الجنة لمجتمعا للحوار العين يرفعن باءصوات لم يسمع الخلائق مثلها... طوبى لمن كان لنا و كنا له ﴿ (۱۳۳)

حوریان در بهشت همایشی ویژه دارند که صدای خود را بطوری که مردمان مانند آن را نشنیده اند بلند می کنند و می گویند:... خوشا به حال آنان که برای ما باشند و ما برای آنان باشیم.

۸۰- ﴿رسول الله ﷺ: ان الله خلق جنة عدن و بناها بيده، لبنة (۱۳۴) من ذهب و لبنة من فضة، و جعل ملاطها المسك و ترابها الزعفران و حصاءها (۱۳۵) اللؤلؤ، ثم قال لها تكلمي﴾ فقالت: قد اءفلح المؤمنون. فقالت الملائكة: طوبى لك منزل الملوك. (۱۳۶)

خداوند تبارک و تعالی بهشت جاویدان را آفرید و آن را به دست قدرت خود بنا نمود، خشتی از طلا و خشتی از نقره بر هم نهاد و ملاط آن از مشک، و خاکش را از زعفران، شن و ریگش را از مروارید قرار داد، سپس به بهشت فرمود: سخن بگو. بهشت به سخن آمد و گفت: بیقین مؤمنان رستگار شدند. آنگاه فرشتگان گفتند: خوشا به حال ای بهشت که جایگاه بزرگان شدی.

عوامل عبادی

عبادت خداوند سبحان

۸۱- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى للعباد، وبل لاءهل الاعسواق﴾. (۱۳۷)

خوشا به حال عبادت پیشگان، بدا بر اهل بازار.

۸۲- ﴿الله تبارك و تعالی في الصحيفة العشرين من صحف ادريس النبي عليه السلام: طوبى لقوم عبدوني حبا، و اتخذوني الها و ربا، سهروا الليل و داءبوا النهار طلبا لوجهي، من غير رهبة و رغبة، و لا لنار و لا جنة، بل للمحبة الصحيحة، و الارادة الصريحة، و الانقطاع عن الكل الى، و الاتكال من بين الجميع على﴾. (۱۳۸)

خداوند تبارک و تعالی در بیستمین صحیفه ادريس پیامبر ﷺ می فرماید: خوشا به حال آنان که مرا از روی محبت و عشق می پرستند و مرا خدا و

پروردگار خویش بر می‌گزینند، شب را به عبادت می‌گذرانند و روز به سعی و تلاش می‌پردازند، (و تمام این کارها) به خاطر خشنودی من است، نه از روی ترس و نه از روی میل، نه برای بهشت و نه برای دوزخ، بلکه به خاطر عشق و محبتی واقعی و ارادتی صریح و آشکار، و به خاطر گسستن از همه و روی آوردن به سوی من و به خاطر توکل بر من در میان دیگران.

ذکر و یاد خداوند سبحان

۸۳- ﴿الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله اءلا بذكر الله تطمئن القلوب﴾ *

طوبی لهم و حسن مآب ﴿۱۳۹﴾

(کسانی که ایمان آورده اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام گیرد؛ بدانید که با یاد خداست که دل‌ها آرام می‌گیرد *... خوشا به حالشان و نیکو باد فرجامشان).

۸۴- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی لمن مات و لسانه رطب من ذکر الله﴾ ﴿۱۴۰﴾

خوشا به حال کسی که بمیرد، در حالی که زبانش از یاد و ذکر خدا تر و تازه باشد.

۸۵- ﴿الامام علی ؑ: طوبی لمن شغل قلبه بالفکر، و لسانه بالذکر﴾ ﴿۱۴۱﴾

خوشا به حال کسی که قلبش به اندیشیدن (در مخلوقات و قدرت الهی) و زبانش به ذکر و یاد (خدای تبارک و تعالی) مشغول باشد.

۸۶- ﴿الامام علی ؑ: جمع الخیر کله فی ثلاث خصال؛ النظر و السکوت، و

الكلام، فکل نظر لیس فیہ اعتبار فهو سهو، و کل کلام لیس فیہ ذکر فهو لغو، و کل سکوت لیس فیہ فکره فهو غفلة. فطوبی لمن کان نظره عبراً، و سکوته فکره، و کلامه ذکراً﴾ ﴿۱۴۲﴾

تمام نیکیه‌ها در سه ویژگی جمع شده است؛ نگاه، سکوت، سخن. پس هر نگاهی که در آن عبرتی نباشد، خطاست و هر سخنی که یادآور خداوند نباشد بیهوده است و هر سکوتی که همراه اندیشه و فکر نباشد، غفلت است. پس

خوشا آنان که نگاهشان عبرت، سکوتشان اندیشه و سخنشان ذکر و یاد خداست.

۸۷- ﴿رسول الله ﷺ: ان الله عزوجل سيارة من الملائكة بيتغون حلق الذكر، فاذا مروا بخلق الذكر قال بعضهم لبعض: اقعدوا، فاذا دعا القوم اءمنوا على دعائهم، فاذا صلوا على النبي ﷺ صلوا معهم حتى يفرغوا، ثم يقول بعضهم لبعض، طوبى لهم لا يرجعون الا مغفورا لهم﴾. (۱۴۳)

خداوند عزوجل کاروان سیاری از فرشتگان دارد که در پی محافل ذکر (و یاد خدا) می روند، آنگاه که (به جمعی از مردم) بر می خورند که به دور هم محفل ذکر تشکیل داده اند، گروهی از آنان به گروه دیگر می گوید: فرود آیید و هر گاه که این جمع دعا می کنند، شما آمین بگویید و وقتی بر پیامبر درود و صلوات می فرستید، شما نیز با آنان صلوات و درود بفرستید تا اینکه آنان دست کشند، سپس فرشتگان به یکدیگر می گویند: خوشا به حال اینان، (از مجلس ذکر) بر نمی گردند مگر اینکه آمرزیده شده اند.

۸۸- ﴿الامام علي عليه السلام: طوبى لمن... لم يشغل قلبه لما ترى عيناه، ولم ينس ذكر الله بما تسمع اذناه﴾. (۱۴۴)

امام علی علیه السلام می فرمود: خوشا به حال آنان که با هر چه که چشمانشان می بیند، قلب خود را مشغول ن سازند و با آنچه گوشهایشان می شنود، ذکر و یاد خدا را فراموش نکنند.

۸۹- ﴿رسول الله ﷺ - في فضل شهر رجب -: ان الله تعالى نصب في السماء السابعة ملكا يقال له داعي، فاذا دخل شهر رجب ينادي ذلك الملك كل ليلة منه الى الصباح؛ طوبى للذاكرين﴾. (۱۴۵)

رسول خدا ﷺ - در بیان فضیلت ماه رجب - فرمود: خداوند تبارک و تعالی در آسمان هفتم، فرشته ای را مأمور کرده است که او را داعی (دعوت

کننده) می نامند؛ پس هنگامی که ماه رجب حلول می کند، آن فرشته همه شب را تا به صبح ندا سر می دهد؛ خوشا به حال ذکر گویان.

۹۰- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن اءكثر فى الجهاد فى سبيل الله من ذكر الله تعالى، فان له بكل كلمة سبعين اءلف حسنة، كل حسنة منها عشرة اءضعاف مع الذى له عند الله من المزيء﴾. (۱۴۶)

خوشا آن که در صحنه کارزار و جهاد، بیشتر به یاد خدا باشد، که در مقابل هر کلمه، هفتاد هزار حسنه برای او نوشته شود، که هر حسنه آن دهها برابر گردد، به همراه ثواب زیادی که در نزد خدا دارد.

۹۱- ﴿الله تبارك و تعالى فى الصحيفة الرابعة من صحف ادریس النبی ؑ: سبحانى و طوبى لمن سبحنى، قدوس اءنا و طوبى لمن قدسنى، جلت عظمتى فلا تحء، و كثرت نعمتى فلا تعد، و اءنا القوى العزيز﴾. (۱۴۷)

خداوند تبارک و تعالی در چهارمین صحیفه ادریس پیامبر ؑ می فرماید: من پاک و منزه ام، پاک و منزه ام و خوشا به حال آنان که مرا تسبیح و تنزیه کنند و حال آن که من از عیب و نقص منزه ام و خوشا به حال کسی که مرا از عیب و نقص پاک شمارد، عظمتم برتر است و حد و نهایتی ندارد، نعمتهایم بسیار است و قابل شماره نیست و من قوی و عزیز هستم.

۹۲- ﴿رسول الله ﷺ: اءتانى جبرئیل ؑ بین الصفا و المروة، فقال: یا محمد، طوبى لمن قال من اءتك لا اله الا الله مخلصا﴾. (۱۴۸)

بین صفا و مروه جبرئیل بر من وارد شد و گفت: محمد، خوشا به حال کسی از امت تو که ذکر لا اله الا الله را با اخلاص بگوید.

۹۳- ﴿الامام على ؑ - فى دعاء تعلمه من جبرئیل ؑ - : یا من عفا عن السيئات فلم يءاز بها، ارحم عبءك یا الله، نفسى نفسى ارحم عبءك... الهى تعلم هذا كله فكيف اءنت صانع بى، ليت شعرى و لا اءشعر كيف تقول لءعائى، اءتقول

نعم اءو تقول لا، فان قلت لا فيا ويلي يا ويلي يا ويلي... وان قلت نعم كما اعظن
 فطوبى لى، اءنا السعيد. طوبى لى، اءنا التقى. طوبى لى. ﴿١٤٩﴾
 امام على عليه السلام - در مناجاتی که آن را از جبرئیل آموخته بود - می گوید:
 ای (خداوندی) که از گناهان می گذری و به خاطر آنان کیفر نمی دهی، بر بنده
 ات رحم کن، خدایا بر من، بر من، بر بنده ات رحم کن... خدایا تو که همه چیز
 را می دانی، چگونه با من رفتار می کنی؟ ای کاش می دانستم، اما نمی دانم در
 برابر دعایی من چه می گویی؟ آیا می گویی: آری، یا اینکه می گویی: نه، اگر
 بگویی نه، وای بر من، وای بر من... و اگر بگویی آری، چنانکه من چنین گمان
 می کنم، خوشا به حالم، دیگر سعادت مند شدم، خوشا به حالم پرهیزگار شدم،
 خوشا به حالم.

قراءت قرآن

٩٤- ﴿کلیب: سمع علی بن اءبی طالب عليه السلام ضجة فی المسجد، یقرؤون القرآن
 ویقرؤون، فقال: طوبی لهؤلاء، هؤلاء كانوا احب الناس الی رسول الله صلى الله عليه وسلم. ﴿١٥٠﴾
 کلیب می گوید: علی بن ابی طالب عليه السلام صدای همهمه گروهی را در مسجد
 شنید که قرآن می خواندند، سپس فرمود: خوشا زندگیشان، اینان محبوبترین
 مردم نزد رسول خدا صلى الله عليه وسلم هستند.

٩٥- ﴿رسول الله صلى الله عليه وسلم: طوبى لمن یبعث یوم القیامة و جوفه محشو بالقرآدن و
 الفرائض و العلم ^(١٥١) و العلم ^(١٥٢). ﴿١٥٢﴾
 خوشا به حال آنکه روز قیامت برانگیخته شود در حالی که دل و جانش از
 قرآن و احکام الهی و دانش لبریز باشد.

٩٦- ﴿رسول الله صلى الله عليه وسلم: ان اءکرم العباد الی الله بعد الاءنبیاء العلماء، ثم
 حملة القرآن، یمخرجون من الدنیا کما یمخرج الاءنبیاء، و یمشرون من القبور مع

الاعنبياء، ويمرون على الصراط مع الاعنبياء، ويشابون ثواب الاعنبياء. فطوبى
لطالب العلم وحامل القرآن مما لهم عند الله من الكرامة والشرف. ﴿١٥٣﴾

پس از انبیا گرامیترین بندگان نزد خدا، علما و پس از ایشان، حاملان قرآن
﴿١٥٤﴾ هستند، اینان همچون پیامبران از دنیا می روند و به همراه انبیا از قبرهایشان
برانگیخته می شوند و از صراط می گذرند و پاداش انبیا برای آنان نوشته می
شود، پس خوشا به حال جوینده علم و حامل قرآن، از آن کرامت و شرفی که
نزد خداوند دارند.

٩٧- ﴿رسول الله ﷺ﴾: كنت اءخشي العذاب بالليل والنهار حتى جاءني
جبرئيل بسورة قل هو الله احد فعلمت ان الله لا يعذب امتي بعد نزولها... فطوبى
لقارئها، فانه ما من احد يقرأها الا وكل الله عزوجل به مائة الف ملك
يحفظونه من بين يديه ومن خلفه... طوبى لمن احب قراءتها. ﴿١٥٥﴾

شب و روز ترس آن را داشتم که عذاب الهی بر امتم فرو ریزد تا اینکه
جبرئیل سوره قل هو الله احد را نزد من آورد و دانستم که خداوند پس از این
سوره امتم را عذاب نخواهد کرد... پس خوشا به حال آنان که این سوره را می
خوانند، زیرا کسی نیست که این سوره را بخواند مگر آن که خداوند عزوجل
حفاظت او را به صد هزار فرشته که در اطراف او هستند می سپارد... خوشا به
حال کسی که خواندن این سوره را دوست بدارد.

٩٨- ﴿رسول الله ﷺ﴾: ان الله تبارك وتعالى قراء طه ويس قبل ان يخلق
السموات والاعراض باءلف عام، فلما سمعت الملائكة القرآن قالوا: طوبى لامة
ينزل هذا عليها و طوبى لاءجواف تحمل هذا، و طوبى لاءلسن تتكلم بهذا. ﴿١٥٦﴾

خداوند تبارک و تعالی سوره های طه و یس را هزار سال پیش از آفریدن
آسمانها و زمین خواند، و آن هنگام که فرشتگان آن را شنیدند، گفتند: خوشا به
حال امتی که این آیات بر آنان نازل شود و خوشا به حال سینه هایی که این

آیات را در خود جای دهد و خوشا به حال زبانهایی که به این آیات تکلم نماید.

۹۹- ﴿عيسى بن مريم عليهما السلام﴾: طوبى لمن قراء كتاب الله ثم عمل بما فيه ﴿١٥٧﴾
خوشا زندگی آنان که کتاب خدا را بخوانند و به آنچه در آن است عمل کنند.

نماز در مسجد

۱۰۰- ﴿رسول الله ﷺ﴾: اجابة المؤذن رحمة و ثوابه الجنة، و من لم يجب خاصمته يوم القيامة، فطوبى لمن اءجاب داعى الله و مشى الى المسجد، و لا يجيبه و لا يمشى الى المسجد الا المؤمن من اهل الجنة ﴿١٥٨﴾

اجابت مؤذن (و رفتن به مسجد پس از شنیدن صدای اذان) رحمت، و ثواب آن بهشت است. هر کس (صدای اذان را بشنود و) اجابت نکند، روز قیامت او را دشمن خود می شمارم، پس خوشا بر آنان که دعوت کننده خدا را پاسخ گوید و به سوی مسجد برود. و جز مؤمن بهشتی، کسی (مؤذن را پاسخ نمی دهد و) به سوی مسجد گام بر نمی دارد.

۱۰۱- ﴿رسول الله ﷺ﴾: قال الله تبارك و تعالى: اعلا طوبى لمن كانت المساجد بيوته، اعلا طوبى لعبد توضع في بيته ثم زارني في بيتي ﴿١٥٩﴾

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: آگاه باشید! خوشا به حال آنان که مساجدها را خانه خویش بدانند (پیوسته به مسجد بروند). بدانید! خوشا به حال بنده ای که در خانه اش وضو ساخته، و پس از آن مرا در خانه ام (مسجد) زیارت کند.

۱۰۲- ﴿رسول الله ﷺ﴾ - فيما اعوصى به اباذر - يا اباذر، طوبى لاصحاب الاعلوية ﴿١٦٠﴾ يوم القيامة، يحملونها فيسبقون الناس الى الجنة، اعلا و هم السابقون الى المساجد بالاعسحار و غيرها ﴿١٦١﴾

رسول خدا ﷺ - در وصیت خود به ابوذر - فرمود: ابوذر! خوشا به حال پرچمداران روز قیامت که پرچمها را بر دوش دارند و در راه بهشت، از دیگر مردم سبقت می گیرند، بدانید! آنان کسانی هستند که در سحر گاهان و اوقات دیگر، پیش از دیگران به سوی مسجدها می شتافتند.

۱۰۳- ﴿رسول الله ﷺ: ان في التوراة مكتوبا: ان بيوتى في الاعراض المساجد، فطوبى لعبد تطهر في بيته ثم زارني في بيتي، اعلا ان على المزور كرامة الزائر، اعلا بشر المشائين في الظلمات الى المساجد بالنور الساطع يوم القيامة﴾. (۱۶۲)

در تورات نوشته شده است که (خداوند فرمود) خانه های من در زمین مسجدها هستند، پس خوشا زندگی بنده ای که در خانه اش خود را با طهارت سازد سپس مرا در خانه ام (مسجد) زیارت کند. بدانید! که بزرگداشت مهمان بر عهده میزبان است، آری! کسانی را که در تاریکی شب به سوی مسجدها می روند، به نوری درخشنده و تابان در روز قیامت بشارت ده.

تهجد و شب زنده داری

۱۰۴- ﴿رسول الله ﷺ: اذ كان اءول ليلة من شهر رمضان امر الله تبارك و تعالى سبعة من الملائكة... مع كل ملك منهم لواء من نور... مع جبرئيل لواء من نور يضرب في السماء السابعة، مكتوب على ذلك اللواء؛ لا اله الا الله محمد رسول الله، طوبى لامة محمد ينادون بالاءسحار بالبكاء والتضرع، اولئك هم الآمنون يوم القيامة... و في يد كوكبايل لواء من نور يضرب في السماء الرابعة، مكتوب عليه؛ لا اله الا الله، محمد رسول الله، طوبى لامة محمد يتصدقون بالنهار، ويقومون في الليل بالدعاء والاستغفار، ينظر الله اليهم ويرضى عنهم﴾. (۱۶۳)

هنگامی که شب اول ماه رمضان فرا می رسد، خداوند تبارک و تعالی به هفت فرشته (۱۶۴) دستور می دهد... با هر یک از فرشتگان پرچمی از نور همراه است... جبرئیل نیز پرچمی از نور در اختیار دارد و آن را در آسمان هفتم بر افراشته می

سازد، بر آن پرچم نوشته شده است: لا اله الا الله محمد رسول الله، خوشا به حال امت محمد که سحرگهان با گریه و زاری، راز و نیاز می کنند، آنان روز قیامت در امان هستند... و در دست کوکائیل نیز پرچمی از نور قرار دارد که در آسمان چهارم به اهتزاز در می آورد، بر آن نوشته شده است: لا اله الا الله رسول الله، خوشا به حال امت محمد، که در روز صدقه می دهند و شب را به دعا و آمرزش می گذرانند، خداوند به آنان توجه دارد و از ایشان راضی است.

۱۰۵- ﴿الامام علی ؑ: طوبی لنفس... هجرت فی اللیل غمضها، حتی اذا

غلب الکرى﴾. (۱۶۵)

خوشا به حال آنان که... خواب شبانه را کنار گذارد تا آنگاه که خستگی بر او چیره شود.

۱۰۶- ﴿عیسی بن مریم ؑ: طوبی للذین یتهدون من اللیل، اولئک الذین

یرثون النور الدائم من اجل انهم قاموا فی ظلمة اللیل علی ارجلهم، فی مساجدهم یتضرعون الی ربهم رجاء ینجیهم فی الشدة غدا﴾. (۱۶۶)

خوشا زندگی آنان که پاسی از شب را به راز و نیاز و شب زنده داری می گذرانند، آنان کسانی هستند که همیشه نورانی اند، چرا که در تاریکی شب بر پا خواسته، در جایگاه عبادتشان به درگاه پروردگار خویش گریه و زاری کرده اند، به امید آن که خداوند ایشان را از شداید و سختیهای فردا (ی قیامت) نجات دهد.

۱۰۷- ﴿عیسی بن مریم ؑ: طوبی للذین یتهدون من اللیل، اولئک یؤتون

النور الدائم من اجل انهم قاموا فی ظلم اللیل، فمشوا علی ارجلهم و التمسوا بایدیهم، مساجدهم فی بیوتهم یتضرعون فی سواد اللیل الی ربهم عزوجل، زرعوا فی مساجدهم و کان سقی زرعهم ماء اعینهم عند ربهم عزوجل معلقة، و اعجسادهم

فی الدنیا مکتئبة، قد غلبهم النوم فخرروا علی وجوههم لا رهبوا منه، یرجون رحمته و یخافون عذابه ﴿۱۶۷﴾.

خوشا زندگی آنان که پاسی از شب را به تهجد و شب زنده داری می گذرانند، آنان کسانی هستند که پیوسته نورانی اند، چرا که در تاریکی شب بر پا خواسته و (برای مقدمات عبادت) براه افتاده و با دستهای خویش (در درگاه خداوند) به التماس و خواهش پرداخته اند. سجده گاه آنان در خانه هایشان است، در دل شب به درگاه پروردگارشان زاری و تضرع می کنند، کشتزار سجده گاهشان را با اشک چشمان خویش آبیاری می کنند و ثمر آن (عبادت) را برای روز بیچارگی (در قیامت) پرورش می بینند و بدنهایشان از شدت غم در دنیا افسرده و اندوهگین است. از (عبادت بسیار) خواب بر آنان چیره می شود، به خاطر ترسی که از خداوند دارند با صورت بر زمین می افتند، به رحمتش امیدوار و از عذابش بیمناک می گردند.

۱۰۸ - ﴿اللّٰهُ تَبَارَكَ وَتَعَالٰی فِی الصّٰحِیْفَةِ الْعِشْرِیْنِ مِنْ صَحْفِ اَدْرِیْسِ النَّبِیِّ ﷺ﴾: طوبی لقوم عبدونی حبا، و اتخذونی الها و ربا، سهررو اللیل و داءبوا النهار طلبا لوجهی، من غیر رهبة و رغبة لا لنار و لا جنة، بل للمحبة الصّٰحِیْحَةِ، و الارادة الصّٰرِیْحَةِ، و الانقطاع عن الكل الی، و الاتكال من بین الجمیع علی ﴿۱۶۸﴾.

خداوند تبارک و تعالی در بیستمین صحیفه ادریس پیامبر ﷺ می فرماید:

خوشا به حال آنان که مرا از روی محبت و عشق می پرستند و مرا خدا و پروردگار خویش بر می گزینند، شب را به عبادت می گذرانند و روز به سعی و تلاش می پردازند، (و تمام این کارها) به خاطر خشنودی من است، نه از روی ترس و نه از روی میل، نه برای بهشت و نه برای دوزخ، بلکه به خاطر عشق و محبتی واقعی و ارادتی صریح و آشکار، و به خاطر گسستن از همه به سوی من و به خاطر توکل بر من از میان دیگران است.

۱۰۹- ﴿الامام الصادق عليه السلام﴾: ان ليلة الثالث والعشرين من شهر رمضان هي ليلة الجهننى، فيها يفرق كل امر حكيم، وفيها تثبت البلايا و المنايا و الآجال و الاعرزاق و القضايا، و جميع ما يحدث الله عزوجل فيها الى مثلها من الحول، فطوبى لعبد اءحيها راكعا و ساجدا، و مثل خطاياها بين عينيه و يبكى عليها، فاذا فعل ذلك رجوت اءن لا يخيب ان شاء الله ﴿١٦٩﴾.

شب بیست و سوم ماه همان شب قدرست. در آن شب کارهای مهم مقدر می شود و در آن شب بلاها و آرزوها و مرگها، رزق و روزیها، وقایع و تمام اتفاقاتی که خداوند عزوجل در مثل این شب حادث می کند، تاءبید می گردد، پس خوشا به حال بنده ای که آن شب را با رکوع و سجود احیاء بدارد و گناهانش را در برابر چشمانش تصور کند و بر آنان اشک بریزد، پس هنگامی که چنین کند، امیدوارم که ناامید نشود، ان شاء الله.

روزه

۱۱۰- ﴿رسول الله ﷺ﴾: طوبى لمن اءدرك رمضان، ثم طوبى له ﴿١٧٠﴾.

خوشا به حال کیس که ماه رمضان را درک کند، و خوشا به حالش.

۱۱۱- ﴿رسول الله ﷺ﴾: اذا كان اءول ليلة من شهر رمضان، اءمر الله تبارك

و تعالى سبعة من الملائكة... مع كل ملك منهم لواء من نور... و فى يد شمائل لواء من نور يضرب فى السماء الثالثة، مكتوب عليه لا اله الا الله، محمد رسول الله، طوبى لائمة محمد، صيامهم جنة ﴿١٧١﴾ من النار ﴿١٧٢﴾

هنگامی که شب اول ماه رمضان فرا می رسد، خداوند تبارک و تعالی به هفت فرشته دستوری می دهد... با هر یک از فرشتگان پرچمی از نور همراه است... و در دست شمائل پرچمی از نور است که آن را در آسمان سوم برافراشته می سازد، که بر آن نوشته شده: لا اله الا الله، محمد رسول الله، خوشا به حال امت محمد، روزه آنان سپری از آتش (جهنم) است .

۱۱۲- ﴿رسول الله ﷺ﴾: من صام من رجب خمسة عشر- يوما وقف يوم القيامة موقف الأمنين، فلا يمر به ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا رسول الا قال: طوباك، اعنت آمن مقرب مشرف، مغبوط، ساكن للجنان... من صام من رجب ثلاثة وعشرين يوما نودي من السماء: طوبى لك يا عبدالله، نصبت^(۱۷۳) قليلا و نعمت طويلا، طوبى لك اذا كشف الغطاء عنك، واءفضيت الى جسيم ثواب ربك الكريم، و جاورت الخليل في دارالسلام^(۱۷۴).

رسول خدا ﷺ - در بیان فضیلت ماه رجب - فرمود: هر کس پانزده روز از ماه رجب را روزه بگیرد، روز قیامت در جایگاه کسانی قرار می گیرد که در امان هستند، و هیچ فرشته مقرب و پیامبر و رسولی نیست مگر اینکه به او می گوید: خوشا به حالت، تو در امان و نزدیک (به لطف الهی) و گرامی و مورد غبطه و از ساکنان بهشتی هستی... و هر کس بیست و سه روز از ماه رجب را روزه بدارد، از آسمان ندا می دهند، خوشا به حال تو ای بنده خدا، کمی رنج بردی و از نعمتهای بسیاری بهره مند شدی، خوشا به حالت هنگامی که پرده (دنیا) از دیدگان تو بر گرفته می شود و به سوی نعمتها و ثوابهای پروردگار کریمت روانه می شوی و با (ابراهیم) خلیل در بهشت برین همسایه می گردی.

۱۱۳- ﴿رسول الله ﷺ﴾ - فی فضل شهر شعبان -: من صام عشرين يوما فبخ بخ، طوبى له و حسن مآب، و يعطيه الله عزوجل من الكرامة و الثواب ما يعجز عن صفته الخلاق^(۱۷۵).

رسول خدا ﷺ - در بیان فضیلت ماه شعبان - فرمود: هر کس بیست روز از ماه شعبان را روزه دارد، به به و خوشا به حالش و نیکو باد فرجامش، خداوند عزوجل آنقدر کرامت و ثواب به او ارزانی می دارد که مردم از توصیف آن عاجز و درمانده شوند.

عوامل خانوادگی

مادر عفیف

۱۱۴- ﴿الامام الصادق علیه السلام: طوبی لمن كانت امه عفیفة﴾. (۱۷۶)

خوشا به حال آن که مادرش پاک دامن و عفیف باشد.

نیکی به والدین

۱۱۵- ﴿رسول الله ﷺ: من بر والديه طوبی له، زاد الله فی عمره﴾. (۱۷۷)

کسی که به پدر و مادرش نیکی کند، خوشا به حالش، خداوند به او طول عمر طولانی عطا کند.

همسر صالح

۱۱۶- ﴿رسول الله ﷺ: - لفاطمة علیها السلام بعد ان ذکر اءصناف

الخلق فی المحشر -: ویل لامرأة غضبت زوجها، و طوبی لامرأة رضی عنها زوجها﴾. (۱۷۸)

رسول خدا ﷺ - پس از آنکه دسته های گوناگون مردم در روز قیامت را برای حضرت فاطمه علیها السلام نام برد - فرمود: وای بر آن زن که همسرش را به خشم آورد و خوشا به حال آن زن که همسرش از او راضی و خشنود باشد.

۱۱۷- ﴿رسول الله صلی الله علیه و آله: طوبی لمن بات حاجا و اءصبح غازیا،

رجل مستو ذو عیال متعفف، قانع بایسیر من الدنیا، یدخل علیهم ضاحکا و ینخرج عنهم ضاحکا، فوالذی نفسی بیده! انهم هم الحاجو الغازون فی سبیل الله عزوجل﴾. (۱۷۹)

خوشا زندگی آن که شبانگاهان از حاجیان به حساب آید و صبحگاهان از رزمندگان، او مرد با حیا و عیالمند و خود نگهداری است که به مقدار ناچیزی از دنیا قانع است، بر خانواده اش شاداب و خندان وارد می شود و با خوشرویی از

خانه بیرون می رود، قسم به کسی که جانم در دست اوست، چنین کسانی از حاجیان و رزمندگان راه خدا هستند.

۱۱۸- ﴿لَقَمَانٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾: یا بنی النساء اربعه: ثنتان صالحتان، و ثنتان ملعونتان فاء ما احدى الصالحتين، فهي الشريفة في قومها، الذليله في نفسها، التي ان اعطيت شكرت، و ان ابلت صبرت، القليل في يديها كثير، الصالحه في بيتها، الثانيه؛ الودود، الولود، تعود به، خير على خيرها، هي كالالم الرحيم تعطف على كبيرهم، و ترحم صغيرهم، و تحب ولد زوجها و ان كانوا من غيرها، جامعه اغلشمل، مرضيه البعل، مصلحه في النفس و لاهل و المال، و الولد، فهي كالذهب الاءحمر، طوبي لمن رزوقها، ان شهد زوجها اعانته، و ان غاب عنها حفظته. ﴿(۱۸۰)﴾

پسرم! زنان چهار گروه اند، دو گروه صالحند و دو گروه ملعون اما یکی از زنان صالح زنی است که در پیش خانواده اش شرافتمند ولی در نفس خویش خوار و حقیر است، زنی که اگر به او عطایی ببخشند شکر می کند و اگر به بلایی گرفتار آید، صبر و شکیبایی ورزد. خرد و ناچیز، در نظرش کلان و بسیار شمرده می شود، در خانه اش درستکار است. و اما دسته دوم از زنان صالح زنی است که بسیار شوهر دوست بوده و بسیار بچه می آورد. با خیر و خوشی به سوی شوهرش می رود، چنین زین مانند مادری مهربان است که بر فرزندان بزرگتر عطف دارد و بر اطفال کوچک ترحم می کند، فرزندان شوهرش را دوست دارد، گرچه آنان از همسر (زن) دیگری باشند، مایه صفا و صمیمیت و شمع جمع خانواده و مورد رضایت شوهر است، اصلاح کننده خود، خانواده، مال و فرزندانش است. چنین زنی به مانند طلای سرخ (ارزشمند) است، خوشا زندگی مردی که چنین همسری نصیبش شده است، اگر در کنار شوهرش باشد به او یاری رساند و اگر شوهرش کنار او نباشد، خود را برای او حفظ می کند.

عوامل اجتماعی

هم نشینی با نیکان

۱۱۹- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی لمن خالط اهل الفقه و الحکمة، و رحم اهل المسکنة﴾. (۱۸۱)

خوشا به حال آن که با فقیهان و حکیمان رفت و آمد دارد (و از علم و کمالشان بهره می برد) و بر مسکینان ترحم می کند.

۱۲۰- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی لمن... خالط اهل العفة و الحکمة﴾. (۱۸۲)

خوشا به حال آن که... با اهل عفت و پاکدامنی و حکمت و دانایی در رفت و آمد است.

۱۲۱- ﴿الامام علی علیه السلام: طوبی لنفس اعدت الی ربها فرضها، و عرکت﴾ (۱۸۳)

بجنبها بؤسها (۱۸۴) و هجرت فی اللیل غمضها، (۱۸۵) حتی اذا غلب الکرى (۱۸۶) علیها افترتت اعرضها و توسدت کفها، فی معشر اعسهر عیونهم خوف معادهم، و تجافت عن مضاجعهم جنوبهم و همهمت بذکر ربهم شفاههم، و تقشعت (۱۸۷) بطول استغفار هم ذنوبهم ﴿اولئك حزب الله اءلا ان حزب الله هم المفلحون﴾ (۱۸۸). (۱۸۹)

خوشا به حال کسی که وظیفه و اجیش را نسبت به پروردگارش ادا کرده، سختی و مشکلات آن را تحمل نماید، و در شب دیده بر هم نهاده و چون خواب بر او غالب شود، روی زمین استراحت کند و دست زیر سر بگذارد و بخوابد، در میان گروهی باشد که از خوف معاد، چشمهایش خواب ندارد، پهلوهایش برای استراحت در خوابگاهشان قرار نگرفته، همواره لبهایشان به ذکر پروردگار در حرکت است، گناهانشان بر اثر استغفار از بین رفته (آنان حزب خدا هستند، آگاه باشید حزب خدا رستگار است).

۱۲۲- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی لمن... جانب اهل الشک و البدعة﴾. (۱۹۰)

خوشا به حال کسی که... از شکاکان و بدعت گذاران (در دین) دوری گزیند.

۱۲۳- ﴿رسول الله صلى الله عليه وآله: طوبى لمن... جانب اهل الخيل اهل الخيلاء والتفاخر والرغبة في الدنيا، المبتدعين خلاف سنتي، العالمين بغير سيرتي﴾^(۱۹۱)

خوشا به حال آنان که از متکبران و فخر فروشان و دنیا پرستان دوری گزینند، همان کسانی که بر خلاف سنت و شیوه من بدعت می گذارند و به غیر از سیره و روش من عمل می کنند.

ترحم بر مردم

۱۲۴- ﴿الامام الكاظم عليه السلام - في وصيه لهشام بن الحكم -: يا هشام، مكتوب في الانجيل؛ طوبى للمتراحمين، اولئك هم المرحومون يوم القيامة.﴾^(۱۹۲)

امام کاظم عليه السلام - در سفارش خود به هشام - می فرماید: هشام! در انجیل نوشته شده است؛ خوشا زندگی آنان که به دیگران ترحم می کنند، آنان کسانی اند که در روز قیامت، به ایشان ترحم می شود.

۱۲۵- ﴿رسول الله صلى الله عليه وآله: طوبى لمن... رحم اهل الضعف والمسكنه.﴾^(۱۹۳)

خوشا به حال آنان که... بر ضعيفان و بيچارگان ترحم کنند.

۱۲۶- ﴿الله تبارك و تعالى في الصحيفة الخامسة والعشرين من صحف ادریس النبي عليه السلام: طوبى لمن طعم الضريك^(۱۹۴)، و كسى الصعلوك^(۱۹۵)، و اكتنف الاعرملة و اليتيم، و جاد على ابن السبيل، و اعان اخاه في النوائب، و واساه من نعم الله عنده و مواهبه، فان ذلك حق على الله اعن يضاعف له ما فعل و يميزه في المعاد ممن بخل، و يجازيه على احسانه الجزاء الاعفضل، و ينوله^(۱۹۶) من رضوانه العطاء الاعكمل الاعجزل و الله لا يخلف الميعاد.﴾^(۱۹۷)

خداوند تبارک و تعالی در بیست و پنجمین صحیفه ادریس پیامبر عليه السلام می فرماید: خوشا به حال آن که فقیر بیچاره ای را طعام دهد و مسکین مستمندی را بیوشاند، بیوه زنان و یتیمان را سرپرستی کند، بر مسافران بی پناه جود و بخشش

نماید، در ناراحتی و سختیهای روزگار، برادرانش را یاری رساند و از نعمتها و مواهب الهی که در اختیار دارد به آنان نیز بخشد. که در این حال بر خداوند است که ثواب اعمال او را مضاعف گرداند و در قیامت وی را از بخل ورزان جدا کند و به خاطر احسان و نیکوکاریش، پاداش برتری به او عطا کند و از رضوان خویش او را عطای کافی و وافی بخشد و خداوند خلف وعده نمی کند.

۱۲۷- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن ضم يتيما فوفر له ماله و اعحسن

صحبتة﴾. (۱۹۸)

خوشا به حال کسی که یتیمی را سرپرستی کند و مالش را به فراوانی برای او خرج کند و با او خوش رفتار و خوش برخورد باشد.

۱۲۸- ﴿الامام على عليه السلام: طوبى لمن اعحسن الى العباد و تزود للمعاد﴾. (۱۹۹)

خوشا به حال آن که بر بندگان خدا احسان کند و برای آخرت خود زاد و توشه بر دارد.

۱۲۹- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن ظمء اءو جاع للبر، اولئك الذين يسبعون

يوم القيامة﴾. (۲۰۰)

خوشا به حال آنان که نیکی کردن (به دیگران) تشنگی و گرسنگی را به جان می خرنند، آنان کسانی اند که روز قیامت سیر شوند.

۱۳۰- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن... عفا و صفح﴾. (۲۰۱)

خوشا به حال آن که... (کارهای بد دیگران را) ببخشد و (آن را) ندیده گیرد.

مصلح گمنام

۱۳۱- ﴿فى الاثر: انه ياتى على الناس زمان لا يبقى فيهم من الاسلام الا

اسمه، و من القرآن الا رسمه، قال النبى ﷺ: ان الاسلام بءاء غريبا و سيعود غريبا﴾. (۲۰۲)، فطوبى للغرباء﴾. (۲۰۳)

در حدیث آمده: زمانی بر مردم که از اسلام (و مسلمانی) جز نامی و از قرآن جز خط و نوشته ای، چیز دیگری باقی نمی ماند، (همانطور که) پیامبر ﷺ فرمود: همانا اسلام غریبانه آغاز شد و بزودی غریب خواهد شد و خوشا به حال غریبان.

۱۳۲- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی للغرباء، اناس صالحون فی اناس سوء کثیر، من یعصیهم اء کثر من یطیعهم﴾. (۲۰۴)

خوشا به حال گمنامان، انسانهایی صالح و درستکار در میان بدکارانی بی شمار، کسانی که نافرمانیشان می کنند بیش از کسانی هستند که اطاعت و پیرویشان می کنند.

۱۳۳- ﴿رسول الله ﷺ: ان الاسلام بداء غریبا و سيعود غریبا، فطوبی للغرباء، قالوا: یا رسول الله. و ما الغرباء؟ قال ﷺ: الذین یصلحون اذا فسد الناس، و لا یمارون﴾ (۲۰۵) فی دین الله، و لا یکفرون احد من اهل التوحید بالذنب﴾. (۲۰۶)

اسلام غریبانه آغاز شد و بزودی غریب خواهد شد، پس خوشا به حال غریبان. اصحاب گفتند: ای رسول خدا، غریبان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: کسانی که وقتی مردم فساد می کنند، آنان به اصلاح کار می اندیشند و در دین خداوند مجادله و ستیز نمی کنند و موحدان و یکتا پرستان را به خاطر گناهی، تکفیر نمی کنند.

۱۳۴- ﴿رسول الله ﷺ: ان الدین بداء غریبا و یرجع غریبا، فطوبی للغرباء الذین یصلحون ما افسد الناس من بعدی من سنتی﴾. (۲۰۷)

دین خدا غریبانه آغاز شد و غریب خواهد شد، پس خوشا به حال غریبان، همان کسانی که سنتهای الهی مرا که مردم از بین برده اند، اصلاح می سازند.

۱۳۵- ﴿رسول الله ﷺ﴾: ان الاسلام بقاء غريبا وسيعود غريبا كما بقاء، طوبى للغرباء. قيل: وما الغرباء؟ قال ﷺ: النزاع^(۲۰۸) من القبائل^(۲۰۹).

همانا اسلام غريبانه آغاز شد و بزودی دچار غربت می شود، چنانچه که در آغاز غريب شده بود، خوشا به حال غريبان. گفته شد: غريبها چه كسانی اند؟ حضرت فرمود: كسانی که از (آداب و رسوم ناپسند) قوم و قبيله دوری می کنند.

۱۳۶- ﴿الامام الباقر عليه السلام﴾: - في قوله تعالى قد افلح المؤمنون^(۲۱۰) لكامل التمار - : اعتدري من هم؟ قال: اعنت اعلم: قال عليه السلام: قد افلح المؤمنون، المسلمون، ان المسلمين هم النجباء والمؤمن غريب. ثم قال عليه السلام: طوبى للغرباء^(۲۱۱).

امام باقر عليه السلام - در مورد آيه (براستی که مؤمنان رستگارند) به كامل التمار - فرمود: آیا می دانی آنان چه كسانی هستند؟ كامل التمار گفت: شما که داناتريد. حضرت فرمود: براستی که مؤمنان رستگار شده تسليم شدگان اند، که تسليم شدگان همان نجيبانند و مؤمن غريب و تنهاست، (چرا که مؤمن تسليم شده كمياب است)، سپس حضرت فرمود: خوشا به حال گمنامان.

مردم شناسی

۱۳۷- ﴿الامام على عليه السلام﴾: طوبى لمن عرف الناس و لم يعرفوه، تعجلت له منيته، و قل ترائه، و فقد باكياته^(۲۱۲).

خوشا به حال کسی که مردم را می شناسند ولی مردم او را نمی شناسند (او چنین صفاتی دارد)، مرگ زود به سراغش می آید و ارث کمی باقی می گذارد و گریه کنندگان (بر مرگ) او حضور ندارند.

۱۳۸- ﴿الامام الصادق عليه السلام﴾: طوبى لعبد نومة^(۲۱۳) عرف الناس قبل معرفتهم به^(۲۱۴).

خوشا به حال انسان گمنامی که مردم را می شناسد، پیش از آنکه مردم او را بشناسند.

۱۳۹- ﴿الامام الصادق عليه السلام: طوبى لعبد نومة عرف الناس فصاحبهم بدنه، و لم يصاحبهم في اعمالهم بقلبه، فعرفوه في الظاهر و عرفهم في الباطن﴾. (۲۱۵)

خوشا زندگی بنده گمنامی که مردم را بشناسد و (در ظاهر) با آنان همراهی کند ولی قلبا از اعمال آنان راضی نیست، مردم ظاهر او را می شناسند ولی او باطن آنان را می شناسد.

۱۴۰- ﴿الامام على عليه السلام: طوبى لكل عبد نومة لا يؤبه به﴾ (۲۱۶) له، يعرف الناس ولا يعرفه الناس، يعرفه الله منه برضوان، اولئك مصابيح الهدى ينجلي عنهم كل فتنة مظلمة، ويفتح لهم باب كل رحمة، ليسوا بالبذر (۲۱۷) المذاييع (۲۱۸) ولا الجفاه المرائين﴾. (۲۱۹)

خوشا به حال بنده گمنامی که به او اعتنا نکنند، (در حالی که او) مردم را می شناسد ولی مردم او را نمی شناسند، خداوند او را به اینکه همیشه از وی رضایتمند بوده می شناسد، اینان چراغهای هدایت اند که هر فتنه تاریک و سختی، از برکت وجود آنان زایل می شود و همه درهای رحمت، برای آنان باز می شود، پر حرف و افشا کننده و خشن و ریا کار نیستند.

۱۴۱- ﴿عيسى بن مريم عليه السلام: طوبى لمن... لا يغبط امرا في قوله حتى يستبين له فعله﴾. (۲۲۰)

خوشا به حال آن که... به سخنان کسی غبطه نمی خورد تا اینکه عمل او را ببیند (که آیا اهل عمل است یا نه).

مردم داری

۱۴۲- الامام على عليه السلام: طوبى لمن ياءلف الناس و ياءلفونه على طاعة الله. (۲۲۱)

خوشا به حال آنان که به خاطر اطاعت خداوند عزوجل با مردم انس و الفت گیرند و مردم نیز با او مآءنوس شوند.

۱۴۳- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن... عزل عن الناس شره﴾. (۲۲۲)

خوشا زندگی آن که... بدی و شرش را از مردم دور نگه دارد.

۱۴۴- ﴿الامام على عليه السلام: طوبى لمن... اءمن الناس شره﴾. (۲۲۳)

خوشا به حال کسی که... مردم از شر او در امان باشند.

۱۴۵- ﴿الامام الكاظم عليه السلام - فى وصيته لهشام بن الحكم -: يا هشام، مكتوب

فى الانجيل؛ طوبى للمصلحين بين الناس، اولئك هم المقربون يوم القيامة﴾. (۲۲۴)

امام کاظم عليه السلام - در سفارش خود به هشام - می فرماید: ای هشام! در انجیل نوشته شده است؛ خوشا به حال آنان که میان مردم صلح و صفا می دهند، آنان کسانی اند که در روز قیامت از مقربان (خدای تبارک و تعالی) می باشند.

۱۴۶- ﴿عيسى بن مريم عليه السلام: ... طوبى لمن سلم الناس من يده ولسانه﴾. (۲۲۵)

خوشا به حال آن که مردم از دست و زبانش در امان اند.

۱۴۷- ﴿الامام على عليه السلام: اءيها الناس، طوبى لمن شغله عيبه عن عيوب الناس...

فكان من نفسه فى شغل و الناس منه فى الراحة﴾. (۲۲۶)

خوشا به حال آن که پرداختن به عیب خودش، وی را از پرداختن به عیب دیگران باز دارد... پس سرگرم کار خویش باشد و مردم از گزند او آسوده خاطر باشند.

۱۴۸- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن منعه عيبه عن عيوب المؤمنين من

اخوانه﴾. (۲۲۷)

خوشا به حال آن که عیب خودش، او را از عیب جوئی دوستان مؤمنش باز دارد.

۱۴۹- ﴿رسول الله ﷺ: الموت اءول منزل من منازل الآخرة، و آخر منزل من منازل دنيا، فطوبى لمن اءكرم عند النزول باءولها، و طوبى لمن اءحسن مشايعته فى آخرها﴾. (۲۲۸)

مرگ اولين منزل از منازل آخرت و آخرين منزل از منزلهاى دنياست، پس خوشا به حال كسى كه وى را هنگام ورود در نخستين منزل (آخرت) گرامى دارند و خوشا به حال آن كه در آخرين منزل (دنيا و به هنگام تشييع) از او مشايعت و همراهى شايسته اى به جا آورند.

۱۵۰- ﴿على بن عيسى رفعه: فيما ناجاه الله به موسى ﷺ فقال الله له: طوبى لك يا موسى، كهف الخاطئين، و جليس المضطرين، و مستغفر للمذنبين﴾. (۲۲۹)

على بن عيسى در حديث مرفوعى روايت مى كند: موسى ﷺ در مناجاتى كه با خداوند داشت، خداوند به او فرمود: خوشا به حال تو اى موسى، كه پناه دهنده خطا كاران، و همنشين پريشان خاطران، و آمرزش خواه گنهكارانى.

عدالت

۱۵۱- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن... عمل بالعدل﴾. (۲۳۰)

خوشا بر كسى كه... به عدالت رفتار نمايد.

۱۵۲- ﴿رسول الله ﷺ: السابقون الى ظل العرش، طوبى لهم. قيل: يا رسول الله و من هم؟ قال ﷺ: الذين يقبلون الحق اذا سمعوه، و يبذلونه اذا سئلوه، و يحكمون للناس كحكمهم لاءنفسهم، هم السابقون الى ظل العرش﴾. (۲۳۱)

خوشا به حال آنان كه به سوى سايه عرش الهى پيشى مى گيرند. گفته شد: اى رسول خدا، آنان چه كسانى هستند؟ حضرت فرمود: آنان كسانى هستند كه وقتى حق را بشنوند، قبول مى كنند، و هنگامى كه از آنان حق مى طلبند، (بدون چشم داشتى) انجام مى دهند و براى مردم آنچهان حكم مى كنند كه براى خود مى پسندند، (آرى) آنان پيش تازان به سوى عرش الهى هستند.

۱۵۳- ﴿موسىٰ ﷺ﴾: يا رب، من يسكن غدا في حظيرة القدس ويستظل بظل عرشك يوم لا ظل الا ظلك؟ فقال: يا موسى، اولئك الذين لا تنظروا عيניהم في الزنا، ولا يبتغون في اموالهم الربا، ولا ياءخذون على اءحكامهم الرشا، طوبى لهم و حسن مآب ﴿٢٣٢﴾

پروردگارا! چه کسی فردا (ی قیامت)، در آن روزی که هیچ پناهی جز تو نیست، در محضر قدس تو ساکن می شود و در زیر سایه بان عرش تو، پناه می گیرد؟ خداوند فرمود: موسی! آنان کسانی اند که چشمانشان به زنا (و فحشاء) نمی نگرند و با اموالشان به دنبال ربا نمی روند و در قضاوتهایشان رشوه نمی گیرند، خوشا به حالشان و نیک باد سرانجامشان.

۱۵۴- ﴿رسول الله ﷺ﴾: طوبى لمن... اءنصف الناس من نفسه ﴿٢٣٣﴾

رسول خدا ﷺ می فرمود: خوشا به حال آنانکه... میان خود و مردم به انصاف رفتار کند.

عزلت ﴿٢٣٤﴾

۱۵۵- ﴿الامام الصادق ﷺ﴾: صاحب العزلة متحصن بحصن الله و متحرس

بجراسته فیا طوبى لمن تفرد به سرا و علانية ﴿٢٣٥﴾

انسان گوشه گیر به پناهگاه الهی پناه جوید و با حفاظت خداوندی محافظت می شود، پس ای خوشا به حال آنانکه با خدای خویش در پنهان و آشکار تنها باشند.

۱۵۶- ﴿الامام على ﷺ﴾: طوبى لمن لزم بيته ﴿٢٣٦﴾

خوشا به حال آن که ملازم خانه خود گردد.

عوامل اخلاقی

قلب پاک

۱۵۷- ﴿الامام الكاظم عليه السلام﴾ - في وصيته لهشام بن الحكم -: يا هشام، مكتوب في الانجيل... طوبى للمطهرة قلوبهم، اولئك هم المتقون يوم القيامة ﴿٢٣٧﴾
امام کاظم عليه السلام - در سفارش خود به هشام - فرمود: هشام! در انجیل نوشته شده... خوشا به حال آنانکه قلبهایی پاک دارند، ایشان همان پرهیزگاران روز قیامت هستند.

۱۵۸- ﴿عيسى بن مريم عليه السلام﴾: طوبى للمطهرة قلوبهم، اولئك يزورون الله يوم القيامة ﴿٢٣٨﴾
خوشا به حال آنانکه قلبهایی پاک دارند، آنان در روز قیامت (ساحت قدس) خداوند را زیارت می کنند.

۱۵۹- ﴿الامام على عليه السلام﴾: طوبى لمن خلا من الغل ﴿٢٣٩﴾ صدره و سلم من الغش قلبه ﴿٢٤٠﴾
خوشا به حال آن که سینه اش را از کینه خالی سازد و قلبش را از خدعه و خیانت سالم نگه دارد.

۱۶۰- ﴿عيسى بن مريم عليه السلام﴾: طوبى للمسبوبين من اجل الطهارة، فان لهم ملكوت السماء ﴿٢٤١﴾
خوشا به حال آنانکه به خاطر پاکی (دلشان) دشنام می شنوند، پس همانا ملکوت آسمانها برای آنان است.

غلبه بر هوای نفس

۱۶۱- ﴿رسول الله ﷺ﴾: طوبى لمن سلم من مصارع الهوى ﴿٢٤٢﴾
خوشا به حال کسی که از قربانگاه هوی و هوس در امان باشد.

۱۶۲- ﴿الامام علی ؑ: طوبی لمن غلب نفسه و لم تغلبه، و ملک هواه و لم یملکه﴾. (۲۴۳)

خوشا به حال کسی که بر نفس خود چیره شود و نفسش بر او غالب نگردد و هوای نفس خود را در اختیار گیرد، اما هوای نفس بر او مسلط نشود.

۱۶۳- ﴿الامام علی ؑ: طوبی لمن... عصی امر نفسه فلم یهلکه﴾. (۲۴۴)

خوشا به حال آن که... از فرمان نفسش سرپیچی کند، تا به هلاکت در نیفتد.

۱۶۴- ﴿الامام علی ؑ: طوبی لمن سعی فی فکاک نفسه قبل ضیق الاءنفاس و شدة الابلاس﴾. (۲۴۵)

خوشا به حال آن که بکوشد تا از دلبستگی های نفس خویش رهایی جوید، پیش از آن که تنگی نفس و سختیهای سرگردانی (مرگ) به او روی آورد.

۱۶۵- ﴿الامام علی ؑ: طوبی لمن کابد هواه، و کذب مناه...﴾. (۲۴۶)

خوشا به حال آن که درد و رنج خواهشهای نفس خود را تحمل کند و آرزوهای خود را تکذیب نماید.

۱۶۶- ﴿الامام علی ؑ: طوبی لمن اعطاع محمود تقواه، و عصی مذموم هواه﴾. (۲۴۷)

خوشا بر کسی که از صفات پسندیده تقوای خود پیروی کند و از صفات ناپسند نفسش سرپیچی کند.

۱۶۷- ﴿الامام الصادق ؑ: طوبی لمن جاهد فی الله نفسه و هواه، و من هزم جند هواه ظفر برضی الله تعالی﴾. (۲۴۸)

خوشا بر آن که در راه خدا با نفس و هوای نفسش پیکار کند و هر کس لشکر هوای نفس را شکست دهد به خشنودی و رضایت الهی رسیده است.

۱۶۸- ﴿عیسی بن مریم ؑ: طوبی لعین نامت و لم تحدث نفسها بالمعصیة، و انتبهت الی غیر اثم﴾. (۲۴۹)

خوشا به حال آن چشمی که به خواب رود در حالی که با خود از گناه سخن
نگوید و بیدار شود در حالی که به دنبال گناه نرود.

۱۶۹- ﴿رسول الله ﷺ: تشعب من العقل الحلم ومن الحلم العلم ومن
العلم الرشد ومن الرشد العفاف ومن العفاف الصيانة... واما الصيانة فيتشعب
منها: الصلاة والتواضع والورع والانابة والفهم والاعدب والاحسان والتحبب
والخير واجتناء^(۲۵۰) البشر فهذا ما اعصاب العاقل بالصيانة، فطوبى لمن اعكرمه
مولاه بالصيانة﴾^(۲۵۱)

از عقل، بردباری و از بردباری، علم و از علم، رشد و از رشد، پارسائی و از
پارسائی، پاکدامنی و از پاکدامنی، خود نگهداری منشعب می شود... و از اما از
خود نگهداری (ده صفت دیگر منشعب می شود که عبارت اند از): صلاح و
فروتنی و پرهیزکاری و توبه و فهم و ادب و نیکی و دوست داشتن و خیر و
خوش رویی و اینهاست آنچه به واسطه خود نگهداری به عاقل می رسد، پس
تقوا به حال آن که مولایش او را با خود نگهداری گرامی بدارد.

تقوا

۱۷۰- ﴿الامام علی ؑ: طوبى لمن اعشعر التقوى قلبه﴾^(۲۵۲)

خوشا به حال آن که قلبش تقوی و پرهیزکاری را چشیده باشد.

۱۷۱- ﴿الامام علی ؑ: طوبى لمن اعطاع محمود تقواه، و عصى مذموم هواه﴾^(۲۵۳)

خوشا به حال آن که از صفات پسندیده تقوای خود پیروی کند و از صفات
ناپسند هوای نفس خود سرپیچی نماید.

۱۷۲- ﴿الامام علی ؑ ان لاهل التقوى علامات يعرفون بها: صدق
الحديث، و اعداء الامانة، و الوفاء بالعهد، و قلة الفخر و البخل، و صلة الاعرحام،

و رحمة الضعفاء، و قلة المواتاه للنساء، و بذل المعروف، و حسن الخلق، و سعة الحلم، و اتباع العلم فيما يقرب الى الله عزوجل، طوبى لهم و حسن مآب ﴿٢٥٤﴾

امام علی عليه السلام می فرمود: اهل تقوی نشانه هایی دارند که با آنان شناخته می شوند (از جمله): راستگویی، امانت داری، وفای به عهد و پیمان، اهل فخر فروشی و بخل نبودن، صله رحم بجا آوردن، ترحم بر بیچارگان، فرمانبرداری کم از زنان، گسترش کار خیر، خوش اخلاقی، بردباری بسیار، پیروی از دانش در آنچه که موجب تقرب به درگاه خداست، خوشا به حالشان و نیکو باد فرجامشان.

۱۷۳- ﴿رسول الله ﷺ﴾: طوبى لعبد اتقى فيها الدنيا ربه و قدم توبته و غلب شهوته من قبل ان تلقىه الدنيا الى الآخرة فيصبح في بطن موحشة غيراء دلهمة ظلماء لا يستطيع ان يزيد في حسنة و لا ينقص من سيئة، ثم ينشر، فيحشر اما الى جنة يدوم نعيمها او الى نار لا ينفذ عذابها ﴿٢٥٥﴾

خوشا به حال بنده ای که در دنیا از پروردگارش پروا داشته باشد (و گناه نکند) و توبه کردن خود را پیش بیندازد (امروز و فردا نکند) و بر شهوتش چیره شود، پیش از آن که دنیا او را به ملاقات آخرت ببرد، سپس در شکم وحشتناک زمین خشک تاریک در آید که نه می تواند بر کار نیکش بیفزاید و نه می تواند از کارهای ناپسندش بکاهد و هنگامی که برانگیخته می شود، یا به سوی بهشت، که نعمتهایی همیشگی دارد هدایت می شود و یا به سوی جهنم، که عذابش تمام شدنی نیست، در انداخته می شود.

۱۷۴- ﴿الامام علی عليه السلام﴾: طوبى لمن جعل الصبر مطية نجاته، و التقوى عدة وفاته ﴿٢٥٦﴾

خوشا به حال آن که صبر، مرکب نجاتش باشد و پرهیزگاری، آماده ساز او برای مرگ باشد.

١٧٥ - ﴿الامام الصادق عليه السلام﴾: و الذى نفسى- بيده، ان فى الارض فى اطرافها مؤمنين، ما قدر الدنيا كلها عندهم تعدل جناح بعوضة، و لو اذن الدنيا بجميع ما فيها و عليها ذهبة حمراء على عنق احدهم ثم سقط من عنقه ما شعر بها اى شىء كان على عنقه، و لا اى شىء سقط منه لوانها عليهم. فهم الحفى الخفى - خل عيشهم، المنتقلة ديارهم من ارض الى ارض، لخميسة بطونهم من الصيام، الذبلة شفاهم من التسييح، العمش^(٢٥٧) العيون من البكاء، الصفر الوجوه من السهر، فذلك سيماهم مثلا ضربه الله مثلا فى الانجيل لهم و فى التوراة و الفرقان و الزبور و الصحف الاولى، وصفهم فقال: سيماهم فى وجوههم من اثر السجود ذلك مثلهم فى التوراة و مثلهم فى الانجيل^(٢٥٨) عنى بذلك صفرة وجوههم من سهر الليل، هم البررة بالاخوان فى الحال اليسر، و العسر، الثرون على انفسهم فى حال العسر. كذلك وصفهم الله فقال: و يؤثرون على انفسهم و لو كان بهم خصاصة و من يوق شح نفسه فاعولئك هم المفلحون^(٢٥٩) فازوا والله و افلحوا، ان راعوا مؤمنا اكرموه، و ان راعوا منافقا هجره، اذا جهنم الليل اتخذوا ارض الله فراشا و التراب وسادا و استقبلوا بجباههم الاعرض، يتضرعون الى ربهم فى فكك رقابهم من النار، فاذا اصبحوا اختلطوا بالناس، لم يشر اليهم بالاصابع، تنكبوا الطرق و اتخذوا الماء طيبا و طهورا، انفسهم متعوبة، و ابدانهم مكدورة^(٢٦٠)، و الناس منهم فى الراحة، فهم عند الناس شرار الخلق و عند الله خيار الخلق، ان حدثوا لم يصدقوا و ان خطبوا لم يزوجوا و ان شهدوا لم يعرفوا و ان غابوا لم يفقدوا، قلوبهم خائفة و جلة من الله، اعلستهم مسجونة، و صدورهم و عاء لسر الله سر الله - خ ل ان وجدوا له اهلا نبذوه اليه نبذا^(٢٦١) و ان لم يجدوا له اهلا القوا على اعلستهم اقفالا غيبوا مفاتيحها، و جعلوا على افواههم اوكية^(٢٦٢)، صلب صلب من الجبال، لا ينحت منهم شىء، خزان العلم و معدن الحلم و الحلم، و تباع النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين. اءكياس يحسبهم المنافق خرسا و عميا و بلها، و ما بالقوم من خرس و لا عمى و لا بله، انهم لاءكياس فصحاء حلماء حكماء اعتقياء بررة صفوة الله، اءسكنتهم الخشية لله، و اءعينهم اعلستهم خوفا من الله و كتماننا لسره، فوا شوقاه الى مجالستهم و محادثتهم، يا كرباه لفقدهم، و يا كشف كرباه لمجالستهم،

اطلبوا هم فان وجدتموهم واقتبستم من نورهم اهتديتم و فزتهم فزتم - خ ل بهم في الدنيا والآخرة، هم اعز في الناس من الكبريت الاءحمر. حليتهم طول السكوت بكتمان السر و الصلاة و الزكاة و الحج و الصوم و المواساة للاخوان في حال اليسر و العسر، فذلك حليتهم و محبتهم، يا طوبى لهم و حسن مآب هم وراث الفردوس خالدين فيها ﴿٢٦٣﴾

سوگند به کسی که جانم در دست قدرت اوست، که در گوشه و کنار زمین مؤمنانی زندگی می کنند که همه دنیا در نظرشان معادل بال پشه ای نیست، و اگر دنیا با تمام چیزهایی که در آن است همچون طلای سرخی بر گردن یکی از آنان آویخته شود، پس از گردنش بر زمین بیفتد، برای او اهمیتی ندارد که چه چیزی از گردنش به زمین افتاد، چرا که دنیا در نظرشان پست و بی مقدار است. زندگی‌شان کم خرج و ساده است (و بدین جهت) خانه به دوش اند، شکم‌هایشان به خاطر روزه داری به کمرشان چسبیده، لباس‌هایشان از ذکر و تسبیح خداوند خشکیده، چشمانشان به خاطر گریه و زاری بسیار، (به درگاه خداوند) کم سو شده و چهره‌هایشان از شب زنده داری رنجور و زرد گشته است. و این صفات سیمای آنان است که خداوند در انجیل و تورات و قرآن و زبور و صحف اولی به ایشان مثل زده است، آنان را چنین وصف نموده است: علامت آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است. این مثل ایشان است در تورات و انجیل) که مراد از آن رنگ و روی زرد آنان است که بر اثر شب زنده داری پدید آمده است، آنان کسانی اند که در حال خوشی و گرفتاری به برادران (دینی) شان نیکی می کنند. کسانی که در حال گرفتاری نیز ایثار می کنند، خداوند آنان را اینچنین وصف نموده است: (هر چند در خودشان احتیاجی (میرم) باشد، دیگران را بر خود مقدم می دارند. و هر کس از خشت نفس خود مصون ماند، همانان رستگارانند) به خدا سوگند که آنان پیروز و رستگارند، اگر مؤمنی را ببینند،

گرامیش می دارند و اگر منافقی را ببینند ترکش می کنند، وقتی شب آنان را فرا گیرد زمین را بستر و خاک را بالش خود قرار می دهند و پهلوه‌های خود را بر خاک می نهند، در آن تاریکی برای آزادی و رهایی از آتش، به درگاه پروردگارشان تضرع و زاری می کنند و صبحگاهان بین مردم می روند در حالی که انگشت نمای خلق نیستند. (از تواضع و فروتنی) از کناره راه می گذرند (نه مغرورانه از وسط راه)، خود را با آب معطر و مطهر می کنند، خویش را به زحمت می اندازند (و بدین جهت) بدنهایشان لاغر و رنجور است ولی مردم از آنان در امان و راحت بسر می برند، مردم آنان را بدترین انسانها می پندارند در حالی که نزد خداوند بهترین مردمان هستند، اگر جایی سخن بگویند از آنان قبول نمی کنند و اگر به خواستگاری بروند به ایشان همسر نمی دهند، اگر در جایی حاضر شوند، شناخته نمی شوند و اگر در جایی باشند، نبودشان احساس نمی شود، قلبهایشان از عظمت خداوند ترسان و هراسان است، زبانهایشان در دهان زندانی و سینه‌هایشان صندوقچه اسرار الهی است، اگر کسی را بیابند که صلاحیت داشته باشد، سر خدا را برای او بیان می کنند و اگر برای گفتن اسرار، کسی را نیابند بر زبانهایشان قفلهایی زده و کلیدهای آن را پنهان ساخته و دهانشان را مهر و موم می کنند، سخت و محکم اند، استوارتر از کوه‌ها، چیزی در آنان اثر نمی گذارد، گنجینه‌های علم و معدن بردباری و حکمت اند، پیروان پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحان هستند. زیرکانی هستند که منافقان آنان را گنگ و کور و ابله می پندارند، در حالی که ایشان گنگ و کور و ابله نیستند بلکه زیرکانی سخندان، بردبار، حکیم، پرهیزگار، نیکوکار و خالص برای خدا هستند. ترس از خدای آرامش می کند و زبانهایشان از ترس خدا و نگهداری اسرار خسته است. آه، چقدر به همنشینی و گفتگوی با آنان شوق و اشتیاق دارم

و چه سخت است نبودشان و چه شادی بخش است همنشینی شان، آنان را بجوید، و به دنبال چنین کسانی باشید و اگر آنان را یافتید و از نور معرفتشان استفاده کردید، در دنیا و آخرت هدایت و پیروز می شوید، آنان از کیمیا در پیش مردم عزیزترند، زینت آنان سکوت طولانی در نگهداری اسرار است و نماز گزاردن و زکات دادن و حج رفتن و روزه گرفتن و برابر دانستن خود با برادران دینی در راحتی و سختی است. اینها صفات پسندیده و محبت ایشان است، ای خوشا زندگیشان و فرجامی خوش برایشان، آنان وارثان فردوس اند و در آنجا جاویدان اند.

۱۷۶- ﴿الامام الرضا عليه السلام﴾: كان خاتم عيسى حرفين، اشتقهما من الانجيل؛ طوبى لعبد ذكر الله من اجله، وويل لعبد نسي الله من اجله. (۲۶۴)

نقش نگین انگشتری حضرت عیسی، دو کلمه بر گرفته از انجیل بود؛ خوشا به حال بنده ای که به خاطر (دیدن) او، خدا یاد شود و بدا به حال بنده ای که به خاطر (دیدن) او خدا فراموش شود.

ترس از خداوند سبحان

۱۷۷- ﴿رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم﴾: طوبى لمن شغله خوف الله عزوجل عن خوف الناس. (۲۶۵)

خوشا به حال آن که خوف و ترس از خداوند عزوجل او را از خوف و ترس از مردم باز دارد.

۱۷۸- ﴿الامام علي عليه السلام﴾: طوبى لمن خاف الله فاءمن. (۲۶۶)

خوشا به حال آن که از خداوند بترسد و ایمن گردد.

۱۷۹- ﴿الامام علي عليه السلام﴾: طوبى لمن اعلم نفسه محافة ربه، واطاعه فى السر- و

الجهر. (۲۶۷)

خوشا به حال آن که ترس از پروردگار را انیس خود سازد و او را در نهان و آشکار اطاعت نماید.

۱۸۰- ﴿الامام علیؑ: طوبی لمن استشعر الوجله﴾،^(۲۶۸) و کذب الاعمل، و تجنب الزلل^(۲۶۹).

خوشا به حال آن که ترس از خدای را پیوسته همراه خود سازد و آرزوها را دروغ پندارد (و فریشتان را نخورد) و از لغزشها دوری گزیند.

۱۸۱- ﴿الامام علیؑ: طوبی لمن راقب ربه و خاف ذنبه﴾.^(۲۷۰)

خوشا به حال آن که از پروردگارش ترسان باشد و از گناهانش هراسان.

۱۸۲- الامام سجادؑ:

یا رب، یا رب انت مولاه فارحم عییدا الیک ملجاء
یا ذا المعالی علیک معتمدی طوبی لعبد تکون مولاه
طوبی لمن بات خائفاً وجلاً یشکو الی ذی الجلال بلواه
اذا خلا فی الظلام مبتهلاً اءکرمه ربه و لباه^(۲۷۱)

پروردگارا، پروردگارا، تو مولایی (بندگان را)

پس ترحم کن بر بنده کوچکی که به تو پناه آورده است

ای بزرگوار و شریف، اعتمادم بر توست

خوشا به حال بنده ای که تو مولایش باشی

خوشا به حال آن که شب را با خوف و ترس به صبح رساند

و از گرفتاریهایش به درگاه خداوند عزوجل شکایت کند

هنگامی که در تاریکی شب با حالت زاری و تضرع با خدای خود خلوت

می کند.

خداوند او را گرمی داشته و پاسخش را می دهد.

۱۸۳- ﴿الامام سجاد عليه السلام: طوبى لمن كان فى الدنيا على وجل﴾. (۲۷۲)
خوشا به حال آن که در دنیا (از سختیهای آخرت) هراسناک باشد.

زهد و پارسایی

۱۸۴- ﴿رسول الله صلی الله علیه و آله: طوبى لمن... زهد فيما اعحل الله له من غير رغبة عن سيرتى، ورفض زهرة الدنيا من غير تحول عن سنتى﴾. (۲۷۳)
خوشا به حال کسی که... در آنچه خداوند بر او حلال کرده پارسایی ورزد، بی آنکه از سیره و روش من روی گرداند، و زیبایی دنیا را ترک گوید، بی آنکه از شیوه و سنت من دست بردارد.

۱۸۵- ﴿الامام على عليه السلام: طوبى للزاهدين فى الدنيا، الراغبين فى الآخرة، اولئك اتخذوا الاعراض بساطا، و ترابها فراشا، و ماءها طيبا، و القرآن دثارا﴾ (۲۷۴)، و الدعاء شعارا، و قرضوا الدنيا تقريضا على منهاج عيسى بن مريم على نبينا و آله السلام﴾. (۲۷۵)

خوشا به حال آنان که از این جهان روی برگردانده و به آن جهان روی کرده اند، آنان که زمین را فرش خود و خاکش را بستر خویش و آبش را مایه پاکى و خوشبویى قرار مى دهند، قرآن را ورد و زبان نموده و دعا را به جان خود بسته اند (همیشه به دعا و خواندن مشغول اند) و دنیا را مانند عیسی بن مریم عليه السلام از خود دور ساخته اند.

۱۸۶- ﴿رسول الله صلی الله علیه و آله: يا ابا هريرة، عليك بطريق قوم اذا فزع الناس لم يقرعوا، و اذا طلب الناس الايمان لم يخافوا، قوم من امتى فى آخر الزمان يحشرون يوم القيامة محشر الاغبياء، اذا نظر الناس اليهم ظنوا انهم اغبياء مما يرون من حالهم، فاءعرفهم فاءقول: امتى. فيقول الخلائق: انهم ليسوا باغبياء؟ فيمرون مثل البرق و الريح، يغشى من نورهم ابصار اهل الجمع. فقلت: يا رسول الله، فمن لى بمثل عملهم لعلى اعلى اعلى بهم. قال صلی الله علیه و آله: يا ابا هريرة، ركبوا طريقا صعب المدرجة

الانبياء، طلبوا الجوع بعد ان اعشبعهم الله تعالى، و طلبوا العرى بعد ان كساهم الله تعالى، و طلبوا العطش بعد ان اعرواهم الله تعالى، تركوا ذلك رجاء ما عند الله، تركوا الحلال مخافة حسابه و صاحبوا الدنيا فلم تشغل قلوبهم، تعجب الملائكة من طواعيتهم لربهم، طوبى لهم، ليت الله عزوجل قد جمع بيني و بينهم! ثم بكى رسول الله ﷺ شوقا لهم و قال له: يا ابا هريرة، اذا اراد الله باهل الاعرض عذابا فنظر الى حالهم من الجوع و العطش، كف ذلك العذاب عنهم، فعليك يا ابا هريرة بطريقتهم، من خالف طريقتهم بقى في شدة الحساب ﴿٢٧٦﴾.

ابو هريره! بر تو باد راه و روش مردمانی که چون مردم می هراسند، آنان هراسی به دل راه نمی دهند و وقتی مردم امنیتی می جویند، آنان ترسی به دل ندارند. از امت من در آخر الزمان مردمانی هستند که روز قیامت همچون پیامبران محشور می شوند، هنگامی که مردم به آنان می نگرند، چون حال و روزشان را می بینند، گمان می کنند که آنان پیامبرند و من آنان را می شناسم و می گویم: (اینان را) امت من هستند و آنگاه مردم (با خود) می گویند: پس آنان پیامبر نیستند! این گروه در آن روز همچون برق و باد (از عرصه قیامت و حساب و کتاب) می گذرند، در حالی که نورشان چشمهای جماعت آن روز را فرا می گیرد، (ابو هریره می گوید): گفتیم: ای رسول خدا من چه کنم تا امید پیوستن به آنان را داشته باشم؟ حضرت ﷺ فرمود: ابو هریره! آنان راه دشواری طی کرده اند که درجات آن همچون درجات راه پیامبران است، (چرا که) وقتی خداوند سیرشان نموده، آنان گرسنگی را برگزیدند و هنگامی که آنان را پوشاند، عریانی را برگزیدند و هنگامی که خداوند سیرایشان ساخت، آنان تشنگی را خواستند. همه این نعمتها و خوشیها را به امید آنچه در نزد خداست رها می کنند، از ترس حسابرسی خداوند از حلال او هم دوری می کنند، با دنیا همراه اند و (از آن استفاده می کنند) ولی قلبهایشان به دنیا وابسته نیست و علاقه

ای به آن ندارند، فرشتگان از اطاعت پذیری آنان در دستورات پروردگارشان در شگفت اند، خوشا به حالشان. ای کاش خداوند عزوجل آنان را در کنارم قرار دهد. سپس رسول خدا ﷺ از شوق دیدار این مؤمنان گریست و خطاب به ابو هریره فرمود: آنگاه که خداوند بخواهد عذابی بر اهل زمین نازل گرداند به حال و روز این بندگان و به گرسنگی و تشنگی (و زهد) آنان نظر کرده و عذاب را از مردمان باز می دارد. ابو هریره! تو باید راه و روش این گروه را برگزینی (و بدان) هر کس چنین نباشد در دشواریهای حساب و میزان باقی خواهد ماند.

۱۸۷- ﴿عیسی بن مریم ؑ﴾: بماذا نفع امر و نفسه؟ باعها بجميع ما فيه الدنيا، ثم ترك ما باعها به ميراثا لغيره، اهلك نفسه، و لكن طوبى لامرئ خلى نفسه و اختارها على جميع الدنيا. (۲۷۷)

آدمی چگونه به خویشتن سود رساند؟ آیا با فروختن خود در عوض آنچه در دنیاست (می خواهد به خود سود رساند) و سپس همه آنچه را که جمع کرده، برای دیگران به ارث گذارد (و دنیا را ترک کند) و خود را به هلاکت اندازد. اما خوشا به حال کسی که نفس خود را (از دل بستن به دنیا) رها و آزاد ساخته و آزادی نفس را به تمام دنیا ترجیح دهد.

۱۸۸- ﴿الامام علی ؑ﴾: طوبى لمن لم تقتله قاتلات الغرور. (۲۷۸)

خوشا به حال آن که فریب های کشنده دنیا او را نابود نسازد.

۱۸۹- ﴿رسول الله صلی الله علیه و آله﴾: لما مات عثمان بن مضعون كشف

الثوب عن وجهه، ثم قبل ما بين عينه، ثم بكى طويلا، فلما رفع السرير قال - طولاك يا عثمان، لم تلبسك الدنيا ولم تلبسها. (۲۷۹)

هنگامی که عثمان بن مظعون از دنیا رفت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پارچه را از چهره او کنار زد و مابین چشمان او را بوسیدند، سپس مدت زیادی

اشک ریختند و وقتی که تابوت او از زمین بلند شد، فرمودند: خوشا به حالت ای عثمان، دنیا به تو دل نبست و تو نیز به دنیا دل نبستی.

۱۹۰- ﴿عيسى بن مريم عليه السلام﴾: طوبى للذين يجوعون و يظمون خشوعا هم الذين يسبقون. ﴿(۲۸۰)﴾

خوشا به حال آنان که گرسنگی و تشنگی را با فروتنی و خشوع نزد خداوند به جان می خرنند، آنان کسانی اند که در قیامت از همه پیشروتراند.

۱۹۱- ﴿عيسى بن مريم عليه السلام﴾: طوبى للجياع العطاش فى طاعة الله. ﴿(۲۸۱)﴾
خوشا به حال گرسنگان تشنه در راه اطاعت خدا.

توبه

۱۹۲- ﴿رسول الله صلى الله عليه وسلم﴾: طوبى لعبد اتقى فيها الدنيا ربه و قدم توبته و غلب شهوته من قبل اءن تلقيه الدنيا الى الاخرة فيصبح فى بطن موحشة غيراء مدلهمة ظلماء لا يستطيع اءن يزيد فى حسنة و لا ينقص من سيئة، ثم ينشر، فيحشر اما الى جنة يدوم نعيمها ءو الى نار لا ينقد عذابها. ﴿(۲۸۲)﴾

خوشا به حال بنده ای که در دنیا از پروردگارش پروا داشته باشد (و گناه نکند) و توبه خود را پیش بیندازد (امروز و فردا نکند) و بر شهوتش چیره شود، پیش از آن که دنیا او را به ملاقات آخرت ببرد، سپس در شکم وحشتناک زمین خشک تاریک درآید که نه می تواند بر کار نیکش بیفزاید و نه می تواند از کارهای ناپسندش بکاهد و هنگامی که بر انگیزته می شود، یا به سوی بهشت، که نعمتهایی دارد هدایت می شود و یا به سوی جهنم، که عذابش تمام شدنی نیست، انداخته می شود.

۱۹۳- ﴿الامام على عليه السلام﴾: طوبى لذى قلب سليم... استفتح التوبة و اءماط الحوبة ﴿(۲۸۴)﴾، فقد اقيم على الطريق، و هدى نهج السبيل. ﴿(۲۸۵)﴾

خوشا به حال آن که قلبی سلیم دارد... در توبه را بگشاید و گناهان را زائل نماید، اگر چنین کند بر جاده حق ایستاده و به راه راست هدایت شده است.

۱۹۴- ﴿الامام علی علیه السلام﴾: طوبی لكل نادم علی زلته مستدرک فارط عشرته ﴿(۲۸۶)﴾.

خوشا به حال آن که بر گناه خود پشیمان باشد و گذشته بر لغزش خود را جبران سازد.

۱۹۵- ﴿رسول الله ﷺ﴾: طوبی لمن وجد فی صحیفه عمله یوم القیامة تحت

کل ذنب، استغفر الله ﴿(۲۸۷)﴾.

خوشا به حال آن که روز قیامت در نامه عملش پس از هر گناه استغفر الله را بیابد.

۱۹۶- ﴿الامام علی علیه السلام﴾: طوبی لعبد یستغفر اله من ذنب لم یطلع علیه غیره،

فانما مثل الاستغفار عقیب الذنب، مثل الماء یصب علی النار فیطفئها ﴿(۲۸۸)﴾.

خوشا به حال بنده ای که از خداوند (غفار) برای گناهانی که غیر از خدا کسی از آنها با خبر نیست، آمرزش بخواهد، همانا مثل استغفار پس از گناه مثل آبی است که بر آتش ریخته شود و آن را خاموش سازد.

۱۹۷- ﴿الامام علی علیه السلام﴾: طوبی لمن بادر الهدی قبل ان تغلق اءبوابه ﴿(۲۸۹)﴾.

خوشا به حال آن که به سوی هدایت بشتابد، پیش از آن که درهای آن بسته شود.

گریه بر گناه

۱۹۸- ﴿رسول الله ﷺ﴾: طوبی لصورة نظر الله الیها تبکی عن ذنب من خشية

الله عزوجل، لم یطلع علی ذلك الذنب غیره ﴿(۲۹۰)﴾.

خوشا بر آن چهره ای که وقتی خداوند بر او نظر افکند بر گناه خود از ترس خداوند عزوجل اشک ریزد، در حالی که جز خدا کسی از آن گناه اطلاع ندارد.

۱۹۹- ﴿الامام علیؑ : طوبی لمن... بکی علی خطیئته﴾. (۲۹۱)

خوشا به حال آن که... بر گناهان خویش اشک (ندامت) ریزد.

۲۰۰- ﴿عیسی بن مریمؑ : طوبی للمحزونین هم الذین یسرون﴾. (۲۹۲)

خوشا به حال اندوهناکان، آنان همان خنده رویان (روز قیامت) هستند.

۲۰۱- ﴿الامام علیؑ : طوبی للمنکسرة قلوبهم من اءجل الله﴾. (۲۹۳)

خوشا به حال آنانکه به خاطر (هجران) خداوند، قلبهایی شکسته دارند.

اخلاص

۲۰۲- ﴿رسول الله ﷺ : طوبی للمخلصین، اولئک مصابیح الدجی، تنجلی

عنهم کل فتنة ظلماء﴾. (۲۹۴)

خوشا به حال آنانکه خالص اند و (بی غل و غش)، آنان چراغهایی در تاریکی هستند، که از وجودشان هر فتنه کور و پنهانی، روشن و آشکار می گردد.

۲۰۳- ﴿الامام علیؑ : طوبی لمن اءخلص لله عمله و علمه و حبه و بعضه و

اءخذہ و ترکہ و کلامه و صمته و فعله و قوله﴾. (۲۹۵)

خوشا به حال آن که عمل و علم و محبت و دشمنی و گرفتن و رها کردن و سخن گفتن و سکوت و کردار و گفتارش را برای خدا خالص گرداند.

۲۰۴- ﴿الامام علیؑ : طوبی لمن اءخلص لله العبادة و الدعاء﴾. (۲۹۶)

امام علیؑ می فرمود: خوشا به حال آن که عبادت و دعای خود را برای خدا خالص گرداند.

۲۰۵- ﴿الامام علیؑ : طوبی لمن قدم خالصا﴾. (۲۹۷)

خوشا به حال آن که عمل خالصی برای آخرت خود پیش فرستد.

۲۰۶- ﴿الامام علیؑ : طوبی لمن بادر اءجله و اءخلص عمله﴾. (۲۹۸)

خوشا به حال آن که بر مرگ خویش پیشی گیرد و عمل خود را خالص گرداند.

تواضع

۲۰۷- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن تواضع لله عز ذكره﴾. (۲۹۹)

خوشا به حال آن که در برابر خداوند - عزیز است نام او - فروتنی کند.

۲۰۸- ﴿رسول الله ﷺ: يا اباذر، طوبى لمن تواضع لله تعالى في غير منقصة،

و اذل نفسه في غير مسكنة﴾. (۳۰۰)

ابوذر! خوشا به حال آن که در برابر خدا فروتنی کند، در حالی که به کمبود و نقصانی گرفتار نشده است، و نفس خود را ذلیل گرداند مگر در فقر و تنگدستی.

۲۰۹- ﴿الامام علي عليه السلام: طوبى لمن ذل في نفسه﴾. (۳۰۱)

خوشا به حال آن که خود را کوچک شمارد (و فروتن باشد).

۲۱۰- ﴿عيسى بن مريم عليه السلام: طوبى لمن علمه الله كتابه، ثم لم يمت جبارا﴾.

(۳۰۲)

خوشا به حال آن که خداوند (معرفت) کتابش را به او بیاموزد و پس از آن به

حال تکبر نمیرد.

اطاعت از خداوند سبحان

۲۱۱- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى للمطيعين كيف يكرمهم الله بملائكته،

والويل للفاسقين كيف يخذلهم الله ويكلهم الى شياطينهم﴾. (۳۰۳)

خوشا به حال فرمانبرداران، که چه زیبا خداوند با فرشتگان خود آنان را

گرامی می دارد و اکرام می کند و وای بر گناهکاران، که چه سان خداوند آنان را

خوار و ذلیل می گرداند و به شیطانهایشان واگذارشان می کند.

۲۱۲- ﴿رسول الله ﷺ: ان الله تبارك وتعالى نصب في السماء السابعة ملكا يقال له داعي، فاذا دخل شهر رجب ينادي ذلك الملك كل ليلة منه الى الصباح... طوبى للطائعين﴾. (۳۰۴)

همانا خداوند تبارک و تعالی در آسمان هفتم، فرشته ای را مأمور کرده است که او را داعی (دعوت کننده) نامند، پس هنگامی که ماه رجب حلول کند، آن فرشته همه شب را تا صبح ندا سر می دهد:... خوشا به حال فرمانبرداران و اطاعت کنندگان.

۲۱۳- ﴿الامام علی ؑ: طوبى لمن... اشتغل بطاعة ربه﴾. (۳۰۵)

خوشا به حال آن که... به اطاعت از پروردگارش مشغول باشد.

۲۱۴- ﴿الامام علی ؑ: طوبى لمن حافظ على طاعة ربه﴾. (۳۰۶)

خوشا به حال آن که بر اطاعت از پروردگارش مراقبت کند.

۲۱۵- ﴿الامام علی ؑ: طوبى لمن وفق لطاعته، وبكى على خطيئته﴾. (۳۰۷)

خوشا به حال آن که بر اطاعت از خدای عزوجل توفیق یابد و بر گناهان خویش اشک (ندامت) بریزد.

۲۱۶- ﴿الامام علی ؑ: طوبى لمن ذل في نفسه، وعز بطاعته، وغنى

بقناعته﴾. (۳۰۸)

خوشا به حال آن که خود را کوچک شمارد و به خاطر اطاعتش (از خدای عزوجل) عزیز و ارجمند گردد و با قناعت خویش بی نیاز گردد.

۲۱۷- ﴿الامام علی ؑ: طوبى لمن اعلم نفسه مخافة ربه، واطاعه في السر- و

الجهر﴾. (۳۰۹)

خوشا به حال آن که پیوسته از پروردگارش، هراسناک باشد و در نهان و آشکار از او اطاعت نماید.

۲۱۸- ﴿الامام علی ؑ: طوبى لمن... عمل بطاعة الله سبحانه﴾. (۳۱۰)

خوشا به حال آن که... کارش را برای اطاعت از خدای سبحان انجام می دهد.

۲۱۹- ﴿الامام علی علیه السلام: طوبی لعین هجرت فی طاعة الله غمضا﴾. (۳۱۱)

خوشا بر آن چشمی که در راه اطاعت و فرمانبرداری خداوند عزوجل بر هم نهاده نشود.

۲۲۰- ﴿الله تبارک و تعالی فی الحسیفة الرابعة من صحف ادریس النبی علیه السلام:

طوبی لمن... وقف عند طاعته و انتهى عن معصيته﴾. (۳۱۲)

خداوند تبارک و تعالی در چهارمین صحیفه ادریس پیامبر علیه السلام می فرماید: خوشا به حال آن که... بر اطاعتش (از پروردگار) پایداری ورزد و از معصیت و نافرمانی او دست بردارد.

۲۲۱- ﴿الامام السجاد علیه السلام - فی رسالة الحقوق -: اعلم ان الله عزوجل

علیک حقوقا محیطة بک فی کل حركة تحرکتها، او سکنة سکنتها، او حال حلتها، او منزلها نزلتها، او جارحة قبلتها، او آلة تصرفت فیها. فاء کبر حقوق الله تبارک و تعالی علیک ما اوجب علیک لنفسه من حق الذی هو اصل الحقوق، ثم ما اوجب الله عزوجل علیک لنفسک من قرنک (۳۱۳) الی قدمک علی اختلاف جوارحک... ثم ینخرج الحقوق منک الی غیرک من ذوی الحقوق الواجبة علیک... فطوبی لمن اعانہ الله علی قضاء ما اوجب علیه من حقوقه و وفقه لذلك و سدده﴾. (۳۱۴)

امام سجاد علیه السلام - در رساله حقوق - می فرماید: بدان که خداوند عزوجل بر تو حقوقی دارد که همیشه شامل حال توست، در هر حرکتی که انجام می دهی، و یا در هر جایگاهی که قرار می گیری، و یا در هر حالتی که به خود می گیری، و یا در هر سرزمینی که وارد شوی، و یا در هر مصیبتی که بر تو وارد شود و یا هر آنچه را که در اختیار گیری (در تمام این حالات حقوقی) تو را فرا

گرفته است و بزرگترین حقی که خداوند تبارک و تعالی بر تو دارد، حقوقی است که بر تو واجب ساخته است، حقی که منشاء همه حقوق است و پس از آن، حقوقی است که خداوند عزوجل بر اعضا و جوارح تو، از فرق سر تا نوک پای، در خور هر یک، واجب نموده است و پس از آن حقوقی است که از بدن تو بیرون است و آن حق کسانی است که ذوی الحقوق تو هستند و بر گردن تو حق دارند... پس خوشا زندگی آن که خداوند او را در انجام این حقوق واجب یاری نماید و او را در این راه موفق و ثابت قدم بدارد.

۲۲۲- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی لمن اعقام بحق الله وتمسك بعری (۳۱۵) سبیل الله.﴾ (۳۱۶)

خوشا به حال آن که به انجام حقوق الهی همت گمارد و به دستگیره طریق الهی تمسک جوید.

۲۲۳- ﴿الامام علیؑ: طوبی ل نفس اءدت الی ربها فرضها، و عرکت بجنبها بؤ سها﴾ (۳۱۷)

خوشا به حال کسی که وظیفه واجبش را نسبت به پروردگارش ادا کرده و در سختی و مشکلات آن شکیبیا باشد.

۲۲۴- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی لمن... تجنب الزلل﴾ (۳۱۸)

خوشا بر آن که... از لغزشها دوری گزیند.

اخلاق و سیرت نیکو

۲۲۵- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی لمن حسن مع الناس خلقه، و بذل لهم معونته، و عدل عنهم شره﴾ (۳۱۹)

خوشا زندگی کسی که اخلاقش را با مردم نیکو گرداند و توان (و نیروی) خویش را برای آنان بذل کند و شرارتش را از آنان باز دارد.

۲۲۶- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن طاب خلقه، و طهرت سجيته، و صلحت سريرته، و حسنت علانيته﴾. (۳۲۰)

خوشا زندگى آن كه اخلاقى نيكو، سرشتى پاك، نيتى صالح و ظاهرى آراسته و نيكو دارد.

۲۲۷- ﴿السيد ابن طاووس فى كتابه سعد السعود: راعيت فى الزبور فى السورة الثالثة و الثلاثين... و سخ الابدان ينقطع بالماء، و وسخ الذنوب لا ينقطع الا بالمغفرة، طوبى للذين كان باطنهم اعحسن من ظاهرهم﴾. (۳۲۱)

سيد بن طاووس در كتاب سعد السعود خود مى گويد: در كتاب زبور، و سوره سى و سوم آن ديدم نوشته شده بود... چركهاى بدن با آب زدوده مى شود، اما چرك گناهان جز با مغفرت (و بخشش الهى) پاك نمى گردد. خوشا به حال آنان كه باطنشان زيباتر از ظاهرشان است.

عمل صالح

۲۲۸- ﴿الذين آمنوا و عملوا الصالحات طوبى لهم و حسن مآب﴾. (۳۲۲)

(كسانى كه ايمان آورده اند و كارهاى شايسته کرده اند، خوشا به حالشان و نيكو باد فرجامشان).

۲۲۹- ﴿رسول الله ﷺ: اذا زالت الشمس فتحت اءبواب السماء و اءبواب الجنان، و استجيب الدعاء، فطوبى لمن رفع له عند ذلك عمل صالح﴾. (۳۲۳)

به هنگام زوال خورشيد (ظهر)، درهاى آسمان و درهاى بهشت باز و دعا مستجاب مى شود، پس خوشا به حال كسى كه در آن هنگام از او عمل صالحى به سوى آسمان برود.

۲۳۰- ﴿رسول الله ﷺ: ان هذا الخير خزائن، و لتلك الخزائن مفاتيح فطوبى لعبد جعله الله مفتاحا للخير، مغلاقا للشر، و ويل لعبد جعله الله مفتاحا للشر- مغلاقا للخير﴾. (۳۲۴)

(برای کارهای) خیر و نیکی گنجینه هایی است و برای آن کلیدهایی، خوشا به حال بنده ای که خداوند او را کلید کارهای خیر و بازدارنده کارهای شر قرار دهد و وای بر بنده ای که خداوند او را کلید کارهای شر و بازدارنده از کارهای خیر قرار دهد. (۳۲۵)

۲۳۱- ﴿رسول الله ﷺ: ان من الناس مفاتيح للخير مغاليق للشر، و ان من الناس مفاتيح الشر و مغاليق للخير، فطوبى لمن جعل الله مفاتيح الخير على يديه، و ويل لمن جعل الله مفاتيح الشر على يديه﴾. (۳۲۶)

گروهی از مردم، گشاینندگان خیر و بازدارندگان شرند و گروهی (دیگر) از مردم اند که گشاینندگان شر و بازدارندگان خیراند. پس خوشا به حال آنانکه خداوند ایشان را گشاینده خیر و نیکی قرار دهد، و بدا بر آنان که خداوند ایشان را گشاینده شر قرار دهد.

۲۳۲- ﴿الامام علي عليه السلام: طوبى لمن بادر صالح العمل قبل ان تنقطع اسبابه﴾. (۳۲۷)

خوشا به حال آنانکه در انجام عمل صالح شتاب کنند، بیش از آنکه اسباب آن قطع شود و (مرگ فرا رسد).

۲۳۳- ﴿الامام علي عليه السلام: طوبى لمن بادر اءجله و اءخلص عمله﴾. (۳۲۸)

خوشا به حال آنان که بر مرگ خود پیشی گیرد (به وسیله انجام کارهای خیر) و عمل خود را خالص گرداند.

۲۳۴- ﴿عيسى- بن مريم عليه السلام: طوبى للذين يعملون الخير، اءصفياء الله يدعون﴾. (۳۲۹)

خوشا به حال آنانکه کارهای خیر انجام می دهند، (آنان) برگزیدگان خداوند خوانده می شوند.

۲۳۵- ﴿الامام علیؑ: طوبی لمن قدم خالصا، و عمل صالحا، و اکتسب مذخورا و اجتنب محذورا﴾. (۳۳۰)

خوشا به حال آن که عمل خالصی برای آخرت خود پیش فرستد، عمل صالح و شایسته ای انجام دهد و برای آخرتش ذخیره سازی کند و از کارهای ناپسند و نهی شده دوری نماید.

۲۳۶- ﴿الامام علیؑ: طوبی لمن قصر همته علی ما یعنیه، و جعل کل جده لما ینجیه﴾. (۳۳۱)

خوشا زندگی آن که همت خود را به آنچه بکارش آید (و برایش مفید باشد) محدود سازد و همه کوشش خود را برای آنچه که باعث رستگاری است، بکار گیرد.

عمل به سنن الهی

۲۳۷- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی لمن... و سعته السنة و لم تشتهر البدعة﴾. (۳۳۲)

خوشا به حال آن که... سنت و سیره (پیامبر ﷺ) او را کفایت کند و بدعتها او را مشهود نسازد.

۲۳۸- ﴿الامام علیؑ: طوبی لمن عمل بسنة الدین و اقتفی آثار النبیین﴾. (۳۳۳)

خوشا به حال آن که به سنتهای (الهی) دین عمل کند و از آثار و نشانه های پیامبران پیروی نماید.

صبر

۲۳۹- ﴿الامام علیؑ: طوبی لمن جعل الصبر مطیة (۳۳۴) نجاته﴾. (۳۳۵)

خوشا به حال آن که صبر را مرکب رستگاری و نجات خود قرار دهد.

۲۴۰- ﴿الامام الصادقؑ: کان فیما و عظ الله تبارک و تعالی به عیسی... یا عیسی! کن خاشعا صابرا، فطوبی لك ان نالك ما وعد الصابرون﴾. (۳۳۶)

در کلماتی که خداوند تبارک و تعالی بدان عیسی عَلَيْهِ را موعظه نمود، آمده است... یا عیسی! فروتن و شکیبیا باش، پس خوشا به حالت اگر به پادشاهی که صبر پیشگان را وعده داده اند، دست یابی.

قبول نصیحت

۲۴۱- ﴿رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: طوبى لمن قبل نصيحة الله و خاف فضيحتة﴾. (۳۳۷)

خوشا به حال آن که پند و اندرز الهی را بپذیرد و از رسوایی و پرده دری او بهراسد.

۲۴۲- ﴿رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: السابقون الى ظل العرش طوبى لهم. قيل: يا رسول الله، و من هم؟ قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الذين يقبلون الحق اذا سمعوه، و يبذلونه اذا سئلوه، و يحكمون للناس كحكمهم لاءنفسهم، هم السابقون الى ظل العرش﴾. (۳۳۸)

خوشا به حال آنان که به سوی سایه عرش الهی پیشی می گیرند. گفته شد: ای رسول خدا، آنان چه کسانی هستند؟ حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: آنان کسانی هستند که وقتی حق را می شنوند، قبول می کنند، و هنگامی که از آنان حق می طلبند (بدون چشم داشتی) انجام می دهند و برای مردم آنچنان حکم می کنند که برای خود می پسندند، (آری) آنان پیش تازان به سوی عرش الهی هستند.

۲۴۳- ﴿الامام على عَلَيْهِ: طوبى لمن اعطاع ناصحا يهديه، و تجنب غاويا يرديه﴾.

(۳۳۹)

خوشا به حال آن که از نصیحت کننده ای که او را راهنمایی می کند، پیروی کند و از آن گمراه کننده ای که او را به هلاکت می افکند، دوری گزیند.

۲۴۴- ﴿الامام على عَلَيْهِ: طوبى لذي قلب سليم، اعطاع من يهديه و تجنب من يرديه، و اعصاب سبيل السلامة بصر من بصره، و طاعة هاد امره، و بادر الهدى قبل اءن تغلق اءبوابه، و تقطع اءسبابه... فقد اقيم على الطريق، و هدى نهج السبيل﴾. (۳۴۰)

خوشا به حال آن که قلبی سلیم دارد، از کسی که هدایتش کند، اطاعت می کند و از آن که او را به پستی کشاند، دوری می جوید، (چنین کسی) با بصیرت کسی که به او بصیرت بخشیده به راه امن و درست خواهد رسید و با اطاعت آن که به هدایت دعوتش کند گردن نهد و به سرای هدایت پیش از آن که درهایش بسته شود و اسبابش قطع گردد پیشی گیرد... که اگر چنین کند بر صراط حق قرار گرفته و به راه راست حقیقت هدایت شده است.

آرزوی کوتاه

۲۴۵- ﴿الامام علی ؑ: طوبی لمن قصر امله و اغتم مهله﴾. (۳۴۱)

خوشا به حال آن که آرزویش را کوتاه سازد و فرصتها را غنیمت شمارد.

۲۴۶- ﴿الامام علی ؑ: طوبی لمن... کذب الاعملى﴾. (۳۴۲)

خوشا به حال کسی که... آرزوها را تکذیب نماید.

۲۴۷- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی للمتحابین فی الله، ان الله تبارک و تعالی خلق

فی الجنة عمودا من یاقوتة حمراء، علیه سبعون الف قصر، فی کل قصر- سبعون

الف غرفة، خلقها الله عزوجل للمتحابین و المتزاورین﴾. (۳۴۳)

خوشا به حال آنان که برای خدا به یکدیگر علاقه دارند، همانا خداوند

تبارک و تعالی در بهشت ستونهایی از یاقوت سرخ آفریده است که بر آن هفتاد

هزار قصر بر پا شده و هر قصری دارای هفتاد هزار اتاق است، خداوند همه این

قصرها را برای کسانی که به یکدیگر علاقه منداند و به دیدار هم می روند

آفریده است.

۲۴۸- ﴿الامام الصادق ؑ: ان المؤمن اذا لقی اخاه فصافحا لم تنزل الذنوب

تحتات (۳۴۴) عنهما ما دامتا متصافحین کتحت الورد عن الشجر، فاذا افترفا قال

ملکاهما؛ جزاکما الله خیرا عن انفسکما، فان التزم کل واحد منهما صاحبه

ناداهما مناد؛ طوبی لکما و حسن مآب﴾. (۳۴۵)

هنگامی که مؤمن برادر (دینی اش) را ببیند و با او مصافحه نماید (دست دهد) تا وقتی که مصافحه می کنند، پیوسته گناهانشان بمانند ریزش برگ درختان می ریزد و هنگامی که از هم جدا می شوند، دو فرشته ایشان می گویند: خداوند به شما دو نفر جزای خیر دهد، و اگر پس از مصافحه هر دو با هم راه روند، ندا دهنده ای خطاب به آنان می گوید: خوشا به حالتان و نیکو باد فرجامتان.

ترک شهوت

۲۴۹- ﴿الامام علی ؑ: طوبی لمن ترك شهوة حاضرة لموعود لم يره﴾. (۳۴۶)

خوشا به حال آنانکه شهوت (و گناه) آماده را برای (بهشت) موعود که ندیده اند ترک گویند.

۲۵۰- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی لعبد اتقى فيها ربه، و قدم توبته، و غلب

شهوته من قبل ان تلقيه الدنيا الى الاخرة، فيصبح في بطن موحشة غبراء مذلمة ظلماء، لا يستطيع ان يزيد في حسنة و لا ينقص من سيئة، ثم ينشر فيحشر اما الى جنة يدوم نعيمها، او الى نار لا ينفذ عذابها﴾. (۳۴۷)

خوشا به حال بنده ای که در دنیا از پروردگارش پروا کند (و گناه نکند) و توبه خویش را پیش اندازد و بر شهوتش چیره شود، پیش از آن که دنیا او را به ملاقات آخرت ببرد، و سپس از آن که دنیا او را به درآید که نه می تواند بر کار نیکش بیفزاید و نه می تواند از کارهای ناپسندش بکاهد. و هنگامی که برانگیخته می شود، یا به سوی بهشت، که نعمتهای همیشگی دارد هدایت می شود و یا به سوی جهنم، که عذابش تمام شدنی نیست، انداخته می شود.

۲۵۱- ﴿الامام الصادق ؑ: كان المسيح يقول لاصحابه: ... طوبی لمن یری

بعينه الشهوات و لم يعمل بقلبه المعاصی﴾. (۳۴۸)

مسیح علیه السلام به پیروانش می فرمود:... ای خوشا به حال آن که با چشمانش شهوات را می بیند، ولی گناهان به قلبش اثر نمی کند.

۲۵۲- ﴿الامام الصادق علیه السلام - فی وصیته لابن جندب - : ان عیسی - بن مریم علیه السلام قال لاصحابه: ایاکم و النظرة فانها تزرع فی القلب الشهوة، کفی بها لصاحبها فتنة، طوبی لمن جعل بصره فی قلبه و لم يجعل بصره فی نظر عینه﴾. (۳۴۹)

امام صادق علیه السلام - در سفارش خود به عبدالله بن جندب - فرمود: عیسی بن مریم علیه السلام خطاب به یارانش فرمود: از چشم چرانی پرهیزید که نگاه در قلب آدمی شهوت می کارد و همین برای ایجاد فتنه و فساد در قلب نگاه کننده بس است، خوشا به حال آن که نگاهش را در قلبش قرار دهد و نگاهش را در دیده چشمش قرار ندهد (با دیده دل بنگرد، نه با چشم سر).

۲۵۳- ﴿موسی بن عمران علیه السلام : یا رب من یسکن غدا فی حظيرة القدس و یتظل بظل عرشک، یوم لا ظل الا ظلك. فقال لله: یا موسی، اولئك الذین لا تنظر اءعینهم فی الزنا... طوبی لهم و حسن مآب﴾. (۳۵۰)

پروردگارا! چه کسی فردا (ی قیامت) در محضر قدس (تو) ساکن شود و در سایه بان عرش تو، پناه می گیرد، آن روزی که هیچ پناهی جز تو نیست؟ خداوند عزوجل فرمود: یا موسی، آنان کسانی اند که چشمهایشان به زنا (و فحشا) نمی نگرد... خوشا به حالشان و نیکو باد فرجامشان.

حفظ زبان

۲۵۴- ﴿رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن ملک لسانه﴾. (۳۵۱)

خوشا به حال کسی که زبانش را در اختیار دارد.

۲۵۵- ﴿رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : طوبی لمن اءنفق الفضل من ماله و اءمسک الفضل

من قوله﴾. (۳۵۲)

رسول خدا ﷺ: می فرمود: خوشا به حال آن که زیادی مالش را انفاق کند، و زبان خود را از زیاده گویی باز دارد.

۲۵۶- ﴿الامام علی علیه السلام: جمع الخیر کله فی ثلاث خصال؛ النظر، و السکوت، و الکلام، فکل نظر لیس فیہ اعتبار فهو سهو، و کل کلام لیس فیہ ذکر فهو لغو، و کل سکوت لیس فیہ فکره فهو غفلة. فطوبی لمن کان نظره عبرا، و سکوته فکره، و کلامه ذکرا﴾. (۳۵۳)

تمام خیرها در سه خصلت جمع شده است؛ در نگاه و سکوت و سخن. بنابراین هر نگاهی که عبرتی در آن نباشد، خطاست و هر سخنی که یاد و ذکر خداوند در آن نباشد، بیهوده است و هر سکوت که همراه فکر و اندیشه نباشد، غفلت است. پس خوشا به حال آنان که نگاهشان عبرت، سکوتشان تفکر و سخنانشان ذکر و یاد خداست.

۲۵۷- ﴿الامام الصادق علیه السلام: انما سبب هلاک الخلق و نجاتهم الکلام و الصمت فطوبی لمن رزق معرفة عیب الکلام و صوابه و فوائد الصمت، فان ذلك من اخلاق الاءنبياء و شعار الاءصفیاء﴾. (۳۵۴)

همانا دلیل بیچارگی و نجات مردم سخن و سکوت است، پس خوشا به حال کسی که خوب و بد سخن و فایده های سکوت را بدست آورد، که این از اخلاق پیامبران و نشانه برگزیدگان است.

۲۵۸- ﴿عیسی بن مریم علیه السلام: طوبی لمن حبس الفضل من قوله، الذی یخاف علیه المقت من ربه، و لا یحدث حدیثا لا یفهم﴾. (۳۵۵)

خوشا به حال آن که زیاده گویی خود را در بند کشد، آن زیاده ای که می ترسد به دنبال آن، ناخشنودی پروردگار باشد و سخنی را که نمی فهمد (و نمی داند) نقل نمی کند.

۲۵۹- ﴿عیسی بن مریم علیه السلام: طوبی لمن خزن لسانه﴾. (۳۵۶)

۲۶۰- ﴿الامام علیؑ: طوبی لمن صمت الا من ذکر الله﴾. (۳۵۷)

خوشا به حال آن که سکوت کند، مگر برای گفتن ذکر خداوند.

۲۶۱- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی لمن اءسلم... و قوله سدادا﴾. (۳۵۸)

خوشا به حال آن که اسلام آورد... و سخنش با راستی و درستی همراه باشد.

۲۶۲- ﴿عیسی بن مریمؑ: طوباکم اذا حسدتم و شتمتم، و قیل فیکم

کل کلمة قبیحة کاذبة؛ حینئذ، فافرحوا و ابتهجوا فان اجرکم قد کثر فی السماء﴾.

(۳۵۹)

خوشا به حالتان، اگر به شما حسد ورزیدند و دشنامتان دادند و درباره شما

سخن زشت و دروغی را گفتند، پس (خود را حفظ کنید و) شاد و مسرور باشید،

چرا که اجر و پاداش در آسمان بسیار است.

راستگویی

۲۶۳- ﴿عیسی بن مریمؑ: طوبی للصادقین فی قولهم التارکین للکذب،

الذین هم ملح (۳۶۰) فی الارض و نور العالم﴾. (۳۶۱)

خوشا به حال راستگویان در گفتار، ترک کنندگان دروغ، آنان همان خوب

رویای زمین و نور عالم اند.

قناعت

۲۶۴- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی لمن... قنع﴾. (۳۶۲)

خوشا به حال آن که... قناعت ورزد.

۲۶۵- ﴿الامام علیؑ: طوبی لمن تجلبب بالقنوع و تجنب الاسراف﴾. (۳۶۳)

خوشا زندگی آن که لباس قناعت بر تن کند و از اسراف دوی گزیند.

۲۶۶- الامام علیؑ:

اءصبت بین الهموم و الهمم هموم عجز و هممة الکرّم

طوبی لمن قال قدر همته اءو نال عز القنوع بالقسم (۳۶۴)

میان غمها و همتها سرگردانم

غم نداشتن و همت سخاوت (و انفاق کردن)

خوشا به حال آن که به همت خود برسد

یا به عزت قناعت بر روزی دست یابد.

۲۶۷- ﴿الامام علی علیه السلام﴾: طوبی لمن... غنی بقناعته ﴿﴾. (۳۶۵)

خوشا زندگی آن که... با قناعت نمودنش بی نیاز گردد.

۲۶۸- ﴿الامام علی علیه السلام﴾: اءیها الناس! طوبی لمن لزم بیته و اءکل کسرتة ﴿﴾. (۳۶۶)

ای مردم! خوشا به حال آن که ملازم خانه خود باشد و از تکه نان خود

بخورد (چشم به مال مردم نداشته باشد).

سپاسگزاری نعمتها

۲۶۹- ﴿الامام الرضا علیه السلام﴾: طوبی لمن شغل قلبه بشکر النعمة ﴿﴾. (۳۶۷)

خوشا به حال آن که قلبش به شکر نعمتها (ی الهی) مشغول باشد.

۲۷۰- ﴿فی خبر: طوبی لعبد جاع و صبر، و شبع فشکر، کیف ینغمس فی

الجنة ﴿﴾. (۳۶۸)

در روایتی آمده: خوشا به حال بنده ای که گرسنه شود و شکیبیا باشد و چون

سیر شود، شکرگزاری کند، (خوشا به حالش) چگونه در بهشت غوطه ور می

شود.

۲۷۱- ﴿الامام الصادق علیه السلام﴾: طوبی لمن لم یبدل نعمة الله کفرا ﴿﴾. (۳۶۹)

خوشا به حال آن که (شکر) نعمت خدای را به کفران (نعمت) تبدیل نکند.

شکوه و وقار

۲۷۲- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن توقر، ولم تكن له خفة ولا جاهلية و عفا و صفح﴾^(۳۷۰)
خوشا به حال کسی که متین و با وقار باشد و سبکسری و نادانی نکند، بیخشد و در گذرد.

غلبه بر حسد

۲۷۳- ﴿الامام على عليه السلام: طوبى لمن... لم يحزن صدره بما اعطى غيره﴾^(۳۷۱)
على عليه السلام می فرمود: خوشا به حال آن که... قلبش به خاطر آن که به دیگری چیز رسیده است، اندوهناک نگردد.

۲۷۴- ﴿الامام الصادق عليه السلام: - في وصيته لعبدالله بن جندب -: طوبى لمن لم يغبط الخاطئين على ما اوتوا من نعيم الدنيا وزهرتها﴾^(۳۷۲)
امام صادق عليه السلام - در سفارش خود به عبدالله بن جندب - می فرماید: خوشا به حال آن که بر خطاکاران به خاطر برخورداریشان از نعمتها و خوشیهای دنیایی غبطه نخورد.

غلبه بر خشم

۲۷۵- ﴿الامام على عليه السلام: طوبى لمن كظم^(۳۷۳) غيظه ولم يطلقه، و عصى- امر نفسه فلم يهلكه﴾^(۳۷۴)
خوشا به حال آن که خشم خود را فرو خورد و رهایش نسازد و از فرمان نفس خود سرپیچی کند تا به هلاکت در نیفتد.

۲۷۶- ﴿الامام الصادق عليه السلام: لكل اءحد شره^(۳۷۵) و لكل شره فتره، فطوبى لمن كانت فترته الى خير﴾^(۳۷۷)

برای هر کسی شور و جنبشی است (دوران جوانی) و هر شور و جنبشی، سستی و آرامشی به دنبال دارد (دوران پیری)، خوشا به حال آن که دوران آرامشش به خیر انجامد.

۲۷۷- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن طال عمره و حسن عمله فحسن منقلبه، اذ رضى عنه ربه عزوجل، و ويل لمن طال عمره و ساء عمله فساء منقلبه، اذ سخط عليه ربه عزوجل﴾. (۳۷۸)

خوشا بر آن که عمرش طولانی شود و عملش نیکو باشد، پس برزخ و قیامتش نیکو شود اگر پروردگارش از او راضی و خشنود باشد؛ و وای بر آن که عمرش طولانی شود و عملش ناشایست باشد، پس وای بر برزخ و قیامتش، آنگاه که پروردگارش بر او خشم و غضب کند.

عوامل علمی

تحصیل دانش و علوم دینی

۲۷۸- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى للعلماء، طوبى للعباد، و یل لاهل الاعسواق﴾. (۳۷۹)

خوشا به حال عالمان، خوشا به حال عبادت پیشگان، وای به حال اهل بازار. ۲۷۹- ﴿رسول الله ﷺ: من زار عالما فکاءنما زارنى، و من صافح عالما فکاءنما صافحنى، و من جالس عالما فکاءنما جالسنى، و من جالسنى فى الدنيا، اجلسه معى يوم القيامة، فاذا جاء الموت يطلب صاحب العلم و هو يطلب العلم مات شهيدا، و من اراد رضائى فليكرم صديقى. قالوا: يا رسول الله، من صديقك؟ قال ﷺ: صديقى طالب العلم، و هو اعحب الى من الملائكة، و من اعكرمه فقد اعكرمنى، و من اعكرمنى فقد اعكرم الله، و من اعكرم الله فله الجنة، فانه ليس شىء اعحب الى الله عزوجل من هذا العلم. و مذاكرة العلم ساعة اعحب الى الله عزوجل من عبادة عشرة آلاف سنة، و طوبى لطالب العلم يوم القيامة﴾. (۳۸۰)

هر کس به دیدار عالمی برود، گویی که مرا زیارت کرده و هر کس با عالمی مصافحه کند (دست دهد)، گویی که با من مصافحه کرده است و هر کس با عالمی همنشین شود، گویی که با من همنشین شده است و هر کس در دنیا با من همنشینی کند، روز قیامت او را در کنار خود خواهم نشانم، و هنگامی که مرگ عالمی فرا رسد و او در حال دانش اندوزی باشد، مرگ او شهادت گونه است. هر کس رضایت مرا می خواهد، پس دوست گرامی مرا گرامی بدارد. اصحاب گفتند: یا رسول الله، دوست شما کیست؟ حضرت فرمود: طالب علم دوست من است، که او نزد من از فرشتگان نیز محبوبتر است، هر کس او را گرامی بدارد، مرا گرامی داشته و هر کس مرا گرامی بدارد، خدا را گرامی داشته است، و هر کس خدا را گرامی بدارد، بهشت بر او واجب می شود، چرا که چیزی نزد خداوند تبارک و تعالی محبوبتر از علم نیست، یک ساعت مذاکره علمی نزد خداوند محبوبتر از عبادت ده هزار سال است و خوشا به حال طالب علم در روز قیامت.

۲۸۰- ﴿رسول الله ﷺ﴾: اناء كرم العباد عند الله بعد الاءنباء؛ العلماء، ثم حملة القرآن، يخرجون من الدنيا كما يخرج الاءنباء، و يحشرون من القبور مع الاءنباء و يمرون على الصراط مع الاءنباء و يثابون ثواب الاءنباء، فطوبى لطالب العلم و حامل القرآن مما لهم عند الله من الكرامة و الشرف. (۳۸۱)

همانا پس از پیامبران، گرامیترین بندگان در نزد خدا، علما و سپس حاملان قرآن هستند، اینان همچون پیامبران از دنیا رخت بر می بندند و به همراه پیامبران از قبرهای خویش برانگیخته می شوند و به همراه پیامبران از صراط می گذرند و ثواب پیامبران را به آنان می دهند، پس خوشا به حال طالب علم و حامل قرآن به خاطر آن کرامت و شرافتی که نزد خدا دارند.

۲۸۱- ﴿رسول الله ﷺ: طالب العلم اعجبه الله و اعجبه الملائكة و اعجبه النبيون، و لا يحب العلم الا السعيد، و طوبى لطالب العلم يوم القيامة﴾. (۳۸۲)

طالب علم را خداوند دوست دارد و فرشتگان او را دوست دارند و پیامبران نیز او را دوست دارند، و کسی جز انسان خوشبخت، دوستدار علم و دانش نیست پس خوشا به حال طالب علم در روز قیامت.

۲۸۲- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن يبعث يوم القيامة و جوفه محشو بالقرآن و الفرائض و العلم﴾. (۳۸۳)

خوشا به حال کسی که روز قیامت برانگیخته شود در حالی که جسم و جانش از قرآن و واجبات الهی و علم و دانش لبریز باشد.

۲۸۳- ﴿رسول الله ﷺ: كان لقمان يوازره﴾ داود عليه السلام ﴿بعلمه و حكمته، فقال داود عليه السلام: طوبى لك يا لقمان، اوتيت الحكمة، و صرفت عنك البلية، و اوتى داود الخلافة، و ابتلى بالرزية و الفتنة﴾. (۳۸۴)

لقمان به خاطر علم و درایتش با حضرت داود عليه السلام همفکری می کرد، (تا اینکه) داود عليه السلام به لقمان گفت: خوشا به حال تو ای لقمان، به تو حکمت عطا شده و برای همین، بلاها از تو دور می شود و حال آن که به داود مسؤ و لیت خلافت داده شده و به مصیبت بزرگ و آزمایش مهم مبتلا گشته است.

۲۸۴- ﴿رسول الله ﷺ: ان العلم حياة القلوب من الجهل، و ضياء الاءبصار من الظلمة، و قوة الاءبدان من الضعف، يبلغ بالعبد منازل الاءخيار، و مجالس الاءبرار، و الدرجات العلى فى الدنيا و الاءخرة، الذكر فيه يعدل بالصيام و مدارسته بالقيام، به يطاع الرب و يعبد، و به توصل الاءرحام و يعرف الحلال من الحرام، العلم اءمام العمل و العمل تابعه، يلهم به السعداء و يحرمه الاءشقياء، فطوبى لمن لم يحرمه الله من حظه﴾. (۳۸۵)

همانا علم احیاگر دلها از جهل است و روشنگر چشمها از تاریکی و نیروبخش بدنها از سستی، انسان را به جایگاه برگزیدگان و به مجلس نیکوکاران و به درجات عالی در دنیا و آخرت می‌رساند، یادآوری علم برابر روزه و تعلم و تدریس آن برابر با قیام و شب زنده داری است، با علم و دانش است که پروردگار اطاعت و پرستش می‌شود و صلح رحم انجام می‌گیرد و حلال از حرام باز شناخته می‌شود، علم مقدم بر عمل است و عمل تابع علم، سعادت‌مندان از علم الهام می‌گیرند و شقاوت‌مندان از آن باز داشته می‌شوند، پس خوشا به حال آن که خداوند او را از بهره و نصیب علم و دانش محروم نسازد.

۲۸۵- ﴿رسول الله ﷺ: تشعب من العقل الحلم ومن الحلم العلم... اما العلم فيتشعب منه؛ الغنى وان كان فقيرا والجود وان كان بخيلا، والمهابة وان كان هينا^(۳۸۶) والسلامة وان كان سقيما، والقرب وان كان قصيا^(۳۸۷) والحياء وان كان صلفا^(۳۸۸)، والرفعة وان كان وضيعا، والشرف وان كان رذلا والحكمة والحظوة، فهذا ما يتشعب للعاقل بعلمه، فطوبى لمن عقل و علم^(۳۸۹)﴾.

از عقل، بردباری و از بردباری، علم منشعب می‌شود... و اما از علم (ده صفت دیگر منشعب می‌شود که عبارت اند از: بی‌نیازی و اگر چه آدمی فقیر باشد و بخشندگی، اگر چه بخیل باشد و هیبت، اگر چه ظاهری ناتوان دارد و سلامتی، اگر چه بیمار باشد و نزدیک بودن، اگر چه از وطن دور باشد و شرم و حیا، اگر چه خود را می‌ستوده و آقایی، اگر چه از طبقه کم در آمد و پایین باشد و شرافت، اگر چه پست و زبون باشد و درایت و مقام و منزلت. اینها صفاتی است که از علم و دانش برای عاقل پیدا می‌شود، پس خوشا به حال کسی که تفکر کند و آگاه باشد.

۲۸۶- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن ترك الجهل، و اءقى الفضل، و عمل

بالعدل^(۳۹۰)﴾.

خوشا به حال آن که جهل و نادانی را رها سازد و به سوی علم و فضل راه
پیماید و به عدالت رفتار کند.

۲۸۷- ﴿الامام علی عليه السلام: ویل لمن تمادی فی جهله، و طوبی لمن عقل و
اهتدی﴾. (۳۹۱)

وای بر آن که بر جهل خود پافشاری کند و خوشا به حال آن که تدبیر کرده و
هدایت شود.

۲۸۸- ﴿الامام الصادق عليه السلام: طوبی للذین هم كما قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یرحمهم
هذا العلم من کل خلف عدوله، ینفون عنه تحریف الغالین، و انتحال المبطلین، و
تاءویل الجاهلین﴾. (۳۹۲)

خوشا به حال آنان که مصداق این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشند (که
فرمود: عادلان هر قوم این پرچم (علوم اهل بیت) را با خود دارند و آن را از
تحریف غلوکنندگان و ادعای واهی باطلان و تاءویل جاهلان به دور می دارند.

۲۸۹- ﴿الامام الرضا عليه السلام: افضل ما یقدمه العالم من محبینا و موالینا امامه
لیوم فقره و فاقته و ذله و مسکنته اءن یغیث فی الدنیا مسکینا من محبینا من ید
ناصر عدو لله و لرسوله، یقوم من قبره و الملائکة صفوف من شفیر قبره الی
موضع محله من جنان الله، فیحملونه علی اءجنحتهم، یقولون: مرحبا طوباک طوباک،
یا دافع الکلاب عن الاعبرار، و یا اءیها المتعصب للاءئمة الاءخیر﴾. (۳۹۳)

برترین چیزی که عالم دوستدار و پیرو ما، برای روز بیچارگی و تنگدستی و
ذلت و مسکینی خود پیش می فرستد، این است که در دنیا مسکینی از
دوستداران ما را از دست دشمن خدا و پیامبر نجات بخشد، چنین کسی از قبر
بر می خیزد در حالی که فرشتگان از کنار مرقد او تا جایگاهش در بهشت برین
خداوندی، (به احترام او) صف بسته اند و هنگامی که او را بر بالهایشان می
نشانند و می برند، می گویند: آفرین، خوشا به حالت، خوشا به حالت، ای باز

دارنده سگان از خوبان و ای کسی که نسبت به پیشوایان برگزیده، غیرت و تعصب به خرج دادی.

عمل به علم

۲۹۰- ﴿رسول الله ﷺ: يا اباذر، طوبى لمن... عمل بعلمه﴾. (۳۹۴)

یا ابوذر! خوشا به حال آن کسی که... به دانسته خود، شایسته رفتار کند.

۲۹۱- ﴿الامام الكاظم عليه السلام: يا هشام ان عيسى- عليه السلام قال للحواريين... بحق

اعقول لكم، ان الناس في الحكمة رجلاان، فرجل اعتمدها بقوله و صدقها بفعله، و رجل اعتمدها بقوله و ضيعها بسوء فعله، فشتان بينهما، فطوبى للعلماء بالفعل و ويل للعلماء بالقول﴾. (۳۹۵)

یا هشام! عیسیٰ علیہ السلام خطاب به حواریین می گفت: حقیقت را برایتان می گویم همانا مردم در برابر حکمت دو گونه اند، دسته ای در گفتارشان حکمت را استوار می سازند (و حکیمانه حرف می زنند) و در کردار و اعمالشان آن را (عمل کرده و) تصدیق می کنند؛ و دسته ای دیگر در گفتارشان، آن را محکم ساخته (و خوب حرف می زنند) ولی با اعمال ناپسندشان آن را بی فایده می سازند و چقدر بین این دو دسته فرق است، خوشا به حال عالمان با عمل و بدا به حال عالمان بی عمل.

تعلیم و تعلم دانش

۲۹۲- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى للعالم والمتعلم والعامل به. فقال الرجل: يا

رسول الله، هذا للعالم فما للمتعلم؟ فقال ﷺ: العالم والمتعلم في الاءجر سواء﴾. (۳۹۶)

خوشا به حال عالم و یاد گیرنده علم و عمل کننده به آن. مردی پرسید: یا

رسول الله، این صفت عالم بود. پس برای یاد گیرنده چیست؟ حضرت ﷺ فرمود: این دهنده و یاد گیرنده، در اجر و پاداش مساوی هستند.

۲۹۳- ﴿عيسى بن مريم عليه السلام﴾: طوبى لمن تعلم من العلماء ما جهل ت و علم الجاهل مما علم ﴿﴾. (۳۹۷)

خوشا به حال آنان که هر چه نمی دانند، از دانشمندان و علما فرا گیرند و از آنچه می دانند و یاد گرفته اند، به آنان که نمی دانند بیاموزند.

۲۹۴- ﴿عيسى بن مريم عليه السلام﴾: طوبى لمن... صغر الجاهل لجهلهم، ولا يطردهم و لكن يقربهم ويعلمهم ﴿﴾. (۳۹۸)

خوشا به حال کسی که... جاهلان را به خاطر نادانیشان کوچک و حقیر می شمارد ولی آنان را از خود نراند، بلکه به کنارشان رفته و آنان را آموزش دهد.

احترام به علماء

۲۹۵- ﴿عيسى بن مريم عليه السلام﴾: طوبى لمن عظم العلماء لعلمهم، وترك منازعتهم و صغر الجاهل لجهلهم ﴿﴾. (۳۹۹)

خوشا به حال آنان که علما را به خاطر علمشان بزرگ و گرامی دارند و با آنان بحث و جدل نکنند و جاهلان را به خاطر جهلشان کوچک شمارند.

عوامل اقتصادی

کسب حلال

۲۹۶- ﴿رسول الله ﷺ﴾: طوبى لمن اكتسب من المؤمنين مالا من غير معصية ﴿﴾. (۴۰۰)

خوشا به حال آن مؤمنانی که کسب و درآمدشان از راه معصیت و گناه نباشد.

۲۹۷- ﴿رسول الله ﷺ﴾: طوبى لمن طاب كسبه ﴿﴾. (۴۰۱)

خوشا به حال کسی که کسب و تجارتنی پاک و حلال دارد.

۲۹۸- ﴿موسی بن عمران ؑ: یا رب! من یسکن غدا فی حظیرة القدس و یستظل بظل عرشک یوم لا ظل الا ظلك. فقال (الله عزوجل): یا موسی، اولئک الذین... لا یتغون فی اموالهم الربا... طوبی لهم و حسن مآب﴾. (۴۰۲)

پروردگارا! چه کسی فردا (ی قیامت) در محضر قدس (الهی) ساکن شود و در سایه عرش تو پناه گیرد، روزی که هیچ پناهی جز تو نیست؟ خداوند فرمود: یا موسی! آنان کسانی اند که... در اموالشان به دنبال ربا نیستند... خوشا به حالشان و نیکو باد فرجامشان.

۲۹۹- ﴿الامام علی ؑ: طوبی لمن رزق بالعافیة﴾. (۴۰۳)

کفاف (۴۰۴)

۳۰۰- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی لمن رزق الکفاف، ثم صبر علیه﴾. (۴۰۵)

خوشا به حال آن که کفاف در زندگی رویش شده و بر آن صبر پیشه کرده است.

۳۰۱- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی لمن اعسلم و کان عیشه کفافا﴾. (۴۰۶)

خوشا به حال آن که تسلیم (رضای الهی) شده و زندگی او به اندازه ای است که محتاج نباشد.

۳۰۲- ﴿الامام علی ؑ: طوبی لمن... صاحب العفاف و قنع بالکفاف و رضی عن الله بذلك﴾. (۴۰۷)

خوشا به حال آن که... کم خواهی را انیس خود ساخته و به کفاف در زندگی قانع است و بدان جهت از خداوند خشنود است.

۳۰۳- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی لمن... وسعه بیته﴾. (۴۰۸)

خوشا به حال کسی که... خانه اش او را کافی است.

انفاق مال

۳۰۴- ﴿رسول الله ﷺ: اذ كان اءول ليلة من شهر رمضان اءمر الله تبارك و تعالى سبعة من الملائكة... مع كل ملك منهم لواء من نور... و في يد كوكبا ئيل لواء من نور يضرب في السماء الرابعة مكتوب عليه لا اله الا الله، محمد رسول الله، طوبى لامة محمد، يتصدقون بالنهار،... ينظر الله اليهم و يرضى عنهم﴾. (۴۰۹)

هنگامی که شب اول ماه رمضان فرا می رسد، خداوند تبارک و تعالی هفت فرشته را مأمور می سازد... که با هر یک از فرشتگان پرچمی از نور همراه است... و در دست (فرشته ای به نام) کویائیل پرچمی از نور است که در آسمان چهارم برافراشته می شود و بر آن نوشته شده: لا اله الا الله، محمد رسول الله، خوشا به حال امت محمد که در روز صدقه می دهند... خداوند بر آنان نظر دارد و از آنان خشنود و راضی است.

۳۰۵- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن اءنفق الفضل من ماله، و اءمسك الفضل من قوله﴾. (۴۱۰)

رسول خدا می فرمود: خوشا به حال آن که زیادی مالش را انفاق می کند و زبان خود را از پرگویی نگه می دارد.

۳۰۶- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن اءنفق القصد و بذل الفضل﴾. (۴۱۱)

خوشا به حال آن که در انفاق میانه روی دارد و اضافه مال خود را بذل و بخشش می کند.

۳۰۷- ﴿رسول الله ﷺ: يا اءباذر، طوبى لمن... اءنفق مالا جمعه في غير معصية﴾. (۴۱۲)

یا ابوذرا! خوشا به حال آن که... از مالی که بدون گناه بدست آورده انفاق می کند.

۳۰۸- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن اكتسب من المومنين مالا من غير معصية،
واعنفقه في غير معصية، وعاد به على اهل المسكنة﴾. (۴۱۳)

خوشا به حال مؤمنی که کسب و در آمدش از راه معصیت و گناه نباشد و آن
را در راه غیر گناه و معصیت انفاق کند و برای مسکینان و بیچارگان صرف کند.
۳۰۹- روی عن الامام علی عليه السلام:

اصبحت بين الهموم والهمم هموم عجز و همة الكرم
طوبى لمن قال قدر همته اءو نال عز القنوع بالقسم (۴۱۴)
میان غمها و همتها سرگردانم

غم نداشتن و همت سخاوت (و انفاق کردن)
خوشا به حال آن که به همت خود برسد
یا به عزت قناعت بر روزی دست یابد.

صبر بر فقر

۳۱۰- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى للمساكين بالصبر، وهم الذين يرون ملكوت
السموات والاعراض﴾. (۴۱۵)

خوشا به حال بیچارگان و فقرا به خاطر صبرشان (بر فقر)، آنان کسانی
هستند که باطن آسمانها و زمین را می بینند.

۳۱۱- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن طوى (۴۱۶) و جاع و صبر، اولئك الذين
يشبعون يوم القيامة﴾. (۴۱۷)

خوشا به حال آنان که چیزی نخورند و گرسنگی بکشند و صبر نمایند، آنان
کسانی اند که در روز قیامت (از طعامهای بهشتی) سیر شوند.

۳۱۲- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لكل غنى تقى و لكل فقير خفى، يعرفه الله و لا
يعرفه الناس﴾. (۴۱۸)

خوشا زندگی بی نیاز پرهیزگار و محتاجی که فقر خود را پنهان می سازد، خداوند او را می شناسد (که در محتاج است) ولی مردم او را (به فقر) نمی شناسند.

۳۱۳- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى للفقراء والضعفاء من امتى، الفقراء اءحبائى و اءحباء الله، هيهات هيهات، كم من ضعيف يشفع فى سبعين اءلف انسان، و كم من قوى لا يشفع لاءحد و لا ينجو فى نفسه، لانه ترك امر الله و يفخر و يتناول على الناس﴾. (۴۱۹)

عوامل نظامی

جهاد و شهادت

۳۱۵- ﴿الامام على ؑ: ان الله كتب القتل على قوم و الموت على الآخرين، و كل آتیه منيته كما كتب الله لكم، فطوبى للمجاهدين فى سبيل الله و المقتولين فى طاعته﴾. (۴۲۱)

بدرستیکه خداوند برای گروهی شهادت و برای جمعی دیگر مرگ را مقدر ساخته است و برای هر کس آنچه مقدر شده فرا می رسد، چنانچه خداوند بر شما نیز مقدراتی دارد پس خوشا به حال رزمندگان راه خدا و شهیدان راه فرمانبرداری از اطاعت او.

۳۱۶- ﴿رسول الله ﷺ: الغزاة اءولياء الله عزوجل، قبل حسناتهم و محاسناتهم، فطوبى للغزاة فى سبيل الله، دعوه فاءجابهم و ساءلوه فاءعطاهم﴾. (۴۲۲)

رزمندگان دوستان خدا هستند، خداوند عزوجل کارهای نیکشان را پذیراست و گناهانشان را خطا پوش و گذرا، پس خوشا به حال رزمندگان راه خدا، او را می خوانند پس جوابشان را می دهد، از خدا می خواهند و او عطایشان می کند.

۳۱۷- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لعبد اغبر جلده، دنس^(۴۲۳) ثيابه، يكون في النهار في الساقه^(۴۲۴) وبالليل في الحرس، ان حقا على الله اعن يزوجه من الحواريين﴾.^(۴۲۵)

خوشا بر بنده ای که بخاطر جنگ و جهاد چهره اش غبار آلود باشد و لباسهایش چرک آلود، روز را در میانه لشکر است و شب در نگهبانی، همانا خداوند حق دارد او را به ازدواج حورالعین در آورد.

۳۱۸- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لعبد آخذ بعنان فرسه في سبيل الله، اعشعث راعسه، مغبرة قدماء، ان كان في الحراسة كان في الحراسة، وان كان في الساقه كان في الساقه، ان استاذن لم يؤذن له، وان شفع لم يشفع﴾.^(۴۲۶)

خوشا به حال بنده ای که در راه خدا دهانه اسبش را در دست گیرد (و بدین خاطر) سر و رویش ژولیده و بهم ریخته شود و قدمهایش غبار آلود گردد، اگر او را به نگهبانی گمارند، نگهبانی می کند و اگر در میانه لشکر قرارش دهند، آنجا خدمت کند (به اندازه ای گمنام و خالص است که) اگر اجازه خواهد به او اجازه نمی دهند و اگر برای کسی سفارش کند، سفارشش را نمی پذیرند.

بخش سوم: نمونه افراد خوشبخت

نمونه افراد خوشبخت

محمد ﷺ

۳۱۹- علی بن اءسباط عنهم: قال الله تبارك و تعالى فى مناجاته لعيسى عليه السلام بعد ان ذكر اءوصاف محمد ﷺ... يا عيسى، دينه الحنيفية، و قبلته يمانية، و هو من حزبي و اءنا معه، فطوبى له ثم طوبى له. (۴۲۷)

علی بن اسباط از (یکی از) معصومان عليه السلام نقل می کند: خداوند تبارک و تعالی در مناجات عیسی عليه السلام با او، پس از برشمردن ویژگیهای محمد ﷺ فرمود:... عیسی! دین او دینی است در راستای حق و قبله او در طرف راست، او از حزب من است و من با او هستم، پس خوشا به حالش و خوشا به حالش.

۳۲۰- ﴿رسول الله ﷺ: اذا ساءلتم الله فاساءلوا لى الوسيلة: فساءلنا النبى ﷺ: عن الوسيلة: فقال: هى درجة فى الجنة... فهى فى درجة النبیین كالقمر بین الكواكب، فلا ىبقى يومئذ نبى ولا صدیق ولا شهید الا قال: طوبى لمن كانت هذه الدرجة درجته... ففاءتى النداء من عند الله عزوجل ىسمع النبیین و جمیع الخلق: هذه درجة محمد ﷺ. (۴۲۸)

رسول خدا ﷺ می فرمود: آنگاه که از خدا درخواست می کنید، برای من مقام وسیله را بخواهید. اصحاب گفتند: از پیامبر ﷺ پرسیدم که وسیله چیست؟ فرمود: درجه یی است در بهشت... که در بین درجات پیامبران همچون قرص ماه در بین ستارگان است، در آن روز هیچ پیامبر و صدیق و شهیدی نیست مگر اینکه بگوید: خوشا به حال کسی که این مقام، مقام اوست، که در آن

هنگام ندائی از سوی خداوند عزوجل به گوش می رسد که تمام پیامبران و همه خلائق آن را می شنوند (که می گوید): این درجه و مقام محمد است.

۳۲۱- ﴿رسول الله ﷺ: من على ربي وقال لي: يا محمود فقد ارسلت كل رسول امته بلسانها، و ارسلتك الى كل اءحمر و اءسود من خلقي، و نصرتك بالرعب الذي لم اءنصر به اءحدا، و اءحللت لك الغنيمة و لم تحل لاءحد قبلك، و اءعطيت لك و لامتك كنزا من كنوز عرشي فاتحة الكتاب و خاتمة سورة البقرة، و جعلت لك و لامتك الاءرض كلها مسجدا و ترابها طهورا، و اءعطيت لك و لامتك التكبير، و قرنت ذكرك بذكري حتى لا يذكرنى اءحد من امتك الا ذكرك مع ذكري، فطوبى لك يا محمد و لامتك﴾ (۴۲۹)

پروردگارم بر من منت نهاد و فرمود: ای محمد، همه پیامبران را به زبان قوم و قبیله شان به سوی آنان فرستادم ولی تو را بر هر آفریده سرخ و سیاهی مبعوث ساختم و با وحشتی (که در دل دشمن انداختم) تو را یاری کردم که هیچ کس را اینچنین یاری نرساندم، غنیمت را بر تو حلال ساختم، در حالی که پیش از تو بر کسی حلال نکرده بودم، به تو و امت تو گنجی از گنجهای عرشم را بخشیدم؛ یعنی، سوره حمد و پایان سوره بقره را (آمن الرسول بما انزل...) و همه زمین را برای تو و امت تو سجدگاه و خاکش را پاک قرار دادم، به تو و امت تو الله اکبر را عطا کردم و یادت را با یاد خویش همراه ساختم، بگونه ای که هیچ کس از امت تو، مرا یاد نمی کند مگر آن که تو را نیز در یاد می آورد. خوشا بر تو ای محمد و خوشا بر امت تو.

۳۲۲- ﴿رسول الله صلى الله عليه وآله - في اءحوال القيامة - لاءبقي يومئذ نبى و لاء صديق و لاء شهيد الا قال: طوبى لهذين العبدین محمد ﷺ و على ﷺ ما اءكرمهما على الله﴾ (۴۳۰)

رسول خدا ﷺ - در بیان چگونگی روز قیامت - می فرماید: در آن روز هیچ پیامبر و صدیق و شهیدی نیست مگر اینکه می گوید: خوشا به حال این دو بنده خدا (محمد ﷺ و علی عليه السلام) چقدر این دو نفر نزد خداوند گرامی اند.

علی عليه السلام

۳۲۳- ﴿ابن عباس: بينا نحن مع النبي ﷺ بعرفات اذ قال: اءفيكم علي بن ابي طالب، قلنا: بلى يا رسول الله. فقربه منه و ضرب بيده علي منكبه ^(۴۳۱) ثم قال: طوبى لك يا علي، نزلت علي آية ذكرى و اياك فيها سواء فقال: (اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام دينا) ^(۴۳۲) ﴿ ^(۴۳۳)

هنگامی که با رسول خدا ﷺ در عرفات بودیم، پیامبر ﷺ فرمود: آیا علی بن ابی طالب در بین شماست؟ عرض کردیم: آری یا رسول الله. رسول خدا او را نزد خود آورد و با دست بر شانه او زد، سپس فرمود: خوشا به حال علی جان، آیه ای بر من نازل شد که من و تو در آن یکسان یاد شدیم. سپس این آیه را قرائت نمود (امروز دین شما را کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم و به اینکه اسلام دین شما باشد خشنود و راضی شدم).

۳۲۴- ﴿رسول الله ﷺ - قبل ما بين عيني علي عليه السلام فقال -: يا ابا الحسن، اعنت عضو من اعضاءي، تزول حيث زلت، و ان لك في الجنة درجة و هي درجة الوسيلة، فطوبى لك و لشيعتك من بعدك ^(۴۳۴) ﴿

رسول خدا ﷺ بین دو چشم علی عليه السلام را بوسید و فرمود: اباالحسن! تو عضوی از اندام من هستی، اگر من لغزش کردم تو هم لغزش می کنی، برای تو در بهشت درجه ای به نام درجه الوسيلة است، خوشا به حال تو و شیعیانت که پس از تو می آیند.

اصحاب پیامبر ﷺ

۳۲۵- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن رآنى وآمن بى...﴾ (۴۳۵)

خوشا به حال آنان که مرا دیده و به من گرویده اند.

۳۲۶- ﴿رسول الله ﷺ: طوبى لمن رآنى، وطوبى راعى من رآنى، وطوبى لمن

راعى من راعى من رآنى﴾ (۴۳۶)

خوشا به حال آنان که مرا دیده باشند (اصحاب)، و خوشا به حال آنان که بینند کسی را که مرا دیده (تابعین اصحاب)، و خوشا به حال آنان که بینند کسی را که او اصحاب مرا دیده (تابعین تابعین اصحاب).

۳۲۷- ﴿رسول الله ﷺ: اوحى الله تعالى جلت عظمته الى عيسى عليه السلام: جد

فى امرى ولا تترك: انى خلقتك من غير فحل آية للعالمين، اءخبرهم آمنوا بى و برسولى النبى الامى، نسله من مباركة و هى مع امك فى الجنة، طوبى لمن سمع كلامه و اءدرك زمانه و شهد ايامه﴾ (۴۳۷)

خداوند تبارک و تعالی به عیسی علیه السلام وحی کرد که (یا عیسی)، در کارها و دستورهای من کوشا باش و آنها را ترک مکن، من تو را بدون پدر آفریدم تا نشانه ای (از قدرت من) بر جهانیان باشد، مردم را آگاه ساز تا به من و به فرستاده ام، پیامبر امی ایمان آورند، نسل آن پیامبر از زنی فرخنده و خجسته است که او با مادر تو در بهشت همراه است. خوشا به حال آنان که سخن آن پیامبر را بشنوند و دوران او را دریابند و روزگار او را شاهد باشند.

۳۲۸- ﴿رسول الله ﷺ: دخلت الجنة فسمعت خشفة﴾ (۴۳۸) اءمامى، فقلت:

من هذا يا جبرئيل؟ فقال: بلال. فقلت: طوبى لبلال﴾ (۴۳۹)

داخل بهشت شدم که صدای حرکت کسی را شنیدم. از جبرئیل پرسیدم که این صدای کیست؟ جبرئیل جواب داد: صدای بلال. و من گفتم: خوشا به حال بلال.

اصحاب امام علی علیه السلام

۳۲۹- ﴿رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: یا علی، اعنت المظلوم من بعدی، فویل لمن ظلمک و اعتدی علیک، و طوبی لمن تبعک و لم یختر علیک. یا علی، اعنت المقاتل بعدی، فویل لمن قاتلک، و طوبی لمن قاتل معک. یا علی اعنت الذی تنطق بکلامی و تتکلم بلسانی بعدی، فویل لمن رد علیک، و طوبی قبل کلامک﴾. (۴۴۰)

علی جان، تو پس از من مظلومی، پس وای بر آنان که به تو ستم نمایند و (بر حق تو) دست درازی و تجاوز کنند و خوشا بر آنان که تو را پیروی کنند و به تو خیانت نکنند. علی جان، پس از من می جنگی و پیکار می کنی، پس بدا بر آنان که با تو جنگ کنند و خوشا به حال آنان که همراه تو بجنگند. علی جان پس از من سخنان مرا می گویی و به شیوه من سخن می رانی، پس وای بر آنان که کلام تو را نپذیرند و خوشا بر آنان که سخنان را پذیرا شوند.

۳۳۰- ﴿الامام الحسن علیه السلام: معاشر الناس ان طلحة و الزبیر قد بایعا علیا علیه السلام، طائعين غیر مکرهین، ثم نفرا و نکثا بیعتهما له فطوبی لمن خفف فی مجاهدة من جاهده فان الجهاد معه کالجهاد مع النبی صلی الله علیه و آله و سلم﴾. (۴۴۱)

ای مردم! طلحه و زبیر با علی علیه السلام بیعت کردند در حالی که مطیع او بودند و اگراهی نداشتند، سپس بیعت خود را شکستند، پس خوشا به حال آن که در جهاد با آنان که با علی می جنگند شتاب کند، که جهاد در کنار علی مانند جهاد در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

خوشبختی کاذب

۳۳۱- ﴿الامام علی علیه السلام: ما قال الناس لشیء طوبی له الا و قد خباء له الدهر یوم السوء﴾. (۴۴۲)

(تا کنون) مردم به چیزی خوشا به حال او نگفته اند، مگر آن که روزگار، روز بعدی را برای او فراهم ساخته است.

۳۳۲- الامام الصادق علیه السلام: اتقوا المحقرات من الذنوب فانها لا تغفر. قلت: و ما المحقرات؟ قال علیه السلام: الرجل يذنب فيقول: طوبى لى لو لم يكن لى غير ذلك. (۴۴۳)

پرهیزید از گناهان کوچک که آمرزیده نمی شود (زید شحام می گوید): پرسیدم: گناهان کوچک چیست؟ امام علیه السلام فرمود: این که کسی، گناهی انجام دهد و با خود بگوید: خوشا به حالم اگر غیر از این گناه، گناهی نداشته باشم.

۳۳۳- ﴿الله تبارك و تعالى في الصحيفة السابعة والعشرين من صحف ادریس النبي علیه السلام: عجباً لمن يقول لمن مات من الائمة الخطاة، طوبى له فقد عاش عمرا طويلا و نال خيرا جزيلا، و سرورا عظيما، و ملكا جسيما، و تمتع بالاهل و الولد و السعة و الغنى، ثم مات كريما و ادعا (۴۴۴)، و لم يلاق هوانا، اما علمتم انه تمتع قليلا و خلف و راءة حسابا طويلا، و احتمل من اعوزاره عبثا ثقيلًا، و كانت ايامه في سروره و غناه، و ملكه و دنياه كحلم النائم و مجرى السراب، لم يحصل منه عند انقضائه الا على تبعة حساب و مكابرة خلود العذاب. (۴۴۵)

خداوند تبارک و تعالی - در بیست و هفتمین صحیفه ادریس پیامبر علیه السلام - می فرماید: عجباً از کسانی که وقتی یکی از پیشوایان ظلم بمیرد، می گویند: خوشا به حالش، مدت زیادی زندگی کرد و به نعمتهای فراوان و کامیابی بسیار و حکومتی در خور دست یافت، از زن و فرزند و روزی بسیار و غنای مالی لذت کامل برد و با کرامت و بزرگمنشی جهان را ترک گفت و هیچ سختی و رنجی ندید. آیا نمی دانید که لذت او ناچیز بود و برای آینده خود، حسابرسی طولانی به جای گذاشت و بار سنگینی از وزرو و بال با خود برد، روزگار شادی و بی نیازی و پادشاهی و دنیای او همچون رؤیایی در خواب و افسانه

ای در سراب بود و هنگام ترک دنیا چیزی جز پس دادن حساب و جاودانگی عذاب به دست نیورد.

شجره طوبی

۳۳۴- ﴿رسول الله ﷺ: (طوبی) شجرة في الجنة مسيره مائة عام، ثياب اهل

الجنة يخرج من اء كمامها﴾. (۴۴۶)

(طوبی) درختی است در بهشت (که بلندی آن) به اندازه پیمودن صد سال است، لباسهای بهشتیان از لایه های (لطیف) آن به وجود می آید.

۳۳۵- ﴿رسول الله ﷺ: طوبی شجرة غرسها الله بيده و نفخ فيها من روحه

تنبت بالحلی و الحلل و الثمار متدلية على افواه اهل الجنة و ان اغصانها لترى من وراء شور الجنة و هي في منزل على بن ابي طالب ؑ لن يجرمها و لية و لن ينالها عدوه﴾. (۴۴۷)

طوبی درختی است که خداوند به دست (قدرت) خویش آن را کاشته است و از روح خود در آن دمیده، (درختی است) که از آن زر و زیورهای ارزشمند و پارچه های گران قیمت تهیه می شود و میوه های آن بر دهان بهشتیان آویخته است، شاخه هایش از پشت دیوار بهشت دیده می شود و آن درخت در خانه علی بن ابی طالب ؑ قرار دارد، دوستدار علی از آن محروم نمی شود و دشمن علی بن آن نمی رسد.

۳۳۶- ﴿رسول الله ﷺ: لما اسرى بي الى السماء، فصرت في سماء الدنيا حتى

الصوت في السماء السادسة فاذا انا بشجرة لم اعر شجرة احسن منها و لا اكبر منها. فقلت لجبرئيل: يا حبيبي، ما هذه الشجرة. قال: هذه طوبی يا حبيبي. فقلت: ما هذا الصوت العالی الجهوری؟ (۴۴۸) قال: هذا صوت طوبی. قلت: اعی شیء يقول؟ قال: يقول، و اشوقاه اليك يا علی بن ابي طالب﴾. (۴۴۹)

هنگامی که مرا شبانه به آسمان بردند، به آسمان دنیا وارد شدم، تا اینکه به آسمان ششم رسیدم، ناگهان (در برابر خود) درختی دیدم که تا به زمان درختی زیباتر و بزرگتر از آن ندیده بودم، به جبرئیل گفتم: دوست من! این چه درختی است؟ جبرئیل گفت: دوستم، این درخت طوبی است. گفتم: این صدای بلند و رسا چیست؟ گفت: این صدای درخت طوبی است. گفتم: چه می گوید: گفت: می گوید؛ چه اشتیاقی دارم به تو ای علی بن ابی طالب.

۳۳۷- ﴿حماد بن عبدالله: قراءت فی الانجیل... قال عیسیٰ - ﷺ: یا رب و ما طوبی؟ قال: شجرة فی الجنة، اعنا غرستها تظل الجنان، اعصلها من رضوان، و ماؤها من تسنیم، برده برد الکافور، و طعمه طعم الزنجبیل، من شرب من تلك العین شربة لا یظماء بعدها اءبدا. فقال عیسیٰ ﷺ: اللّهُمَّ اسقنی منها. قال: حرام یا عیسیٰ- علی البشر اعن یشربوا منها حتی یشرب ذلك النبی، و حرام علی الامم اعن یشربوا منها حتی یشرب امة ذلك النبی﴾ (۴۵۰)

حماد بن عبدالله بن سلمان می گوید: در انجیل خواندم... عیسیٰ ﷺ خطاب به خداوند عرض کرد: پروردگارا! طوبی چیست؟ خداوند فرمود: درختی است در بهشت که من آن را کاشته ام تا سایه گستر بهشت باشد، ریشه و تنه آن درخت از (بهشت) رضوان و آب آن از (چشمه) تسنیم است، طبیعت سرد آن همچون طبیعت سرد کافور است و مزه آن مانند مزه زنجبیل، هر کس از آن چشمه بنوشد، پس از آن هرگز تشنه نمی شود. سپس عیسیٰ ﷺ (مشتاق آن درخت شد و) گفت: خداوند! مرا از آن سیراب ساز. خداوند فرمود: عیسیٰ، بر بشر حرام است از آن چشمه بنوشد تا اینکه آن پیامبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله از آن بنوشد و بر امتها حرام است از آن بنوشند تا اینکه امت آن پیامبر از آن بنوشد.

۳۳۸- ﴿الامام الباقر عليه السلام﴾: سئل رسول الله ﷺ عن قوله: (طوبى لهم و حسن مآب) قال: شجرة في الجنة اعصلها في داري و فرعها على اهل الجنة، ثم سئل مرة اخرى فقال: شجرة في الجنة اعصلها في دار علي و فرعها على اهل الجنة. قيل له: ساءلتك عنها يا رسول الله فقلت اعصلها في داري و فرعها على اهل الجنة. فقال ﷺ: ان داري و دار علي واحدة ﴿﴾. (۴۵۱)

از رسول خدا ﷺ در مورد آیه طوبی لهم و حسن مآب سؤال شد، حضرت فرمود: (طوبی) درختی است در بهشت، ریشه و تنه آن در خانه من و شاخه های آن بر سر بهشتیان است. سپس بار دیگر از حضرت (در مورد درخت طوبی) سؤال شد، ایشان فرمود: درختی است در بهشت، تنه و ریشه آن در خانه علی و شاخه های آن بر سر بهشتیان سایه افکن است. به حضرت گفتند: یا رسول الله (بیشتر) از آن درخت سؤال کردیم فرمودید: تنه و ریشه آن در خانه من است و شاخه های آن بر سر بهشتیان سایه گستر است، حضرت ﷺ در پاسخ فرمود: خانه من و علی یکی است.

۳۳۹- ﴿رسول الله ﷺ﴾: طوبی شجرة في داري و اعصانها في دور اهل بيتي. ثم قال بعد: طوبی شجرة في دار علي و اعصانها في دور اهل بيتي. فقال عمر بن الخطاب: يا رسول الله، اليس حدثتنا بالاعمس اءن طوبی شجرة في دارك؟ فقال رسول الله ﷺ: اءما علمت اءن داري و دار علي واحدة ﴿﴾. (۴۵۲)

رسول خدا ﷺ فرمود: طوبی درختی است در خانه من و شاخه های آن در خانه های اهل بیت من است. و پس از مدتی فرمود: طوبی درختی است در خانه علی و شاخه های آن در خانه های اهل بیت من است. پس عمر بن خطاب گفت: ای رسول خدا، آیا دیروز نگفتی که طوبی درختی در خانه شما است؟ رسول خدا ﷺ فرمود: آیا نمی دانی که خانه من و علی یکی است.

۳۴۰- ﴿رسول الله ﷺ: يا علي... اعنت صاحب شجرة طوبى في الجنة،
اعصلها في دارك واءغصانها في دار شيعتك و محبيك﴾. (۴۵۳)

علی جان!... تو صاحب درخت طوبی در بهشت هستی، ریشه و ساقه آن
درخت در خانه تو و شاخه های آن در خانه شیعیان و دوستان تو است.

۳۴۱- ﴿رسول الله ﷺ - عندما ساءله علي ؑ عن شجرة طوبى -: شجرة
في دارك في الجنة ليس دار من دور شيعتك في الجنة الا وفيها غصن من تلك
الشجرة، تهدي (تهدل - خ ل) عليهم (اليهم - خ ل) بكل ما يشتهون﴾. (۴۵۴)

رسول خدا ﷺ - وقتی که علی ؑ از درخت طوبی پرسید - فرمود:
درختی است در بهشت در خانه تو و هیچ خانه ای از خانه های شیعیان تو در
بهشت نیست مگر آن که شاخه ای از آن درخت در آن خانه وارد شده، که برای
آنان هر چه بخواهند آماده می کند.

۳۴۲- ﴿الامام الصادق ؑ: - عندما سئل عن شجرة طوبى -: شجرة في الجنة،
اعصلها في دار علي بن ابي طالب ؑ وليس من مؤمن الا وفي داره غصن من
اعغصانها وذلك قول الله عزوجل (طوبى لهم و حسن مآب)﴾. (۴۵۵)

امام صادق ؑ - وقتی که از درخت طوبی از ایشان سؤال شد - فرمود:
درختی است در بهشت، ریشه و ساقه آن در خانه علی بن ابی طالب ؑ است
و هیچ مؤمنی نیست مگر آن که در خانه او شاخه ای از شاخه های آن درخت
داخل شود و این همان گفته خداوند است که فرمود: (طوبی برای آنان است و
فرجام نیکویی دارند).

۳۴۳- ﴿الامام الصادق ؑ: كان رسول الله ﷺ يكثر تقبيل فاطمة،
فغضبت من ذلك عائشة، فقالت: يا رسول الله، انك لتكثر تقبيل فاطمة. فقال رسول
الله ﷺ. يا عائشة، انه لما اسرى بي الى السماء، دخلت الجنة فاءدناني جبرئيل
ؑ من شجرة طوبى و ناولني من ثمارها، فاءكلته، فلما هبطت الى الاعرض حول

الله ذلك ماء في ظهري فواقعت بجديجة فحملت بفاطمة فما قبلتها الا وجدت رائحة شجرة طوبى منها ﴿٤٥٦﴾.

رسول خدا ﷺ فاطمه را زياد مي بوسيد، كه عائشه بر اين كار رسول خدا غضبناك شد و گفت: رسول خدا! شما در بوسيدن فاطمه زياده روي مي كنيد. پيامبر ﷺ فرمود: عائشه هنگامي كه شبانه مرا به آسمان مي بردند، داخل بهشت شدم پس جبرئيل عليه السلام مرا به درخت طوبى نزديك ساخت و از ميوه هاي آن نزد من آورد و من از آن ميوه ها خوردم و هنگامي كه به زمين باز گشتم، خداوند آن ميوه ها را در صلب من به آبي تبديل كرد و با خديجه همبستر شدم و او فاطمه را باردار شد، پس هيچ گاه فاطمه را نبوسيدم مگر آن كه بوي درخت طوبى از او به مشامم رسيد.

٣٤٤- ﴿بلال بن حمامة: خرج علينا رسول الله ﷺ ذات يوم ضاحكا مستبشرا، فقام اليه عبدالرحمن بن عوف، فقال: ما اضحكك يا رسول الله؟ قال ﷺ: بشارة اعتنتي من عند ربي، اعن الله لما اعراد اعن يزوج عليا فاطمة، امر ملكا اعن يهز شجرة طوبى، فهزها فنثرت رقاقا ﴿٤٥٧﴾ - يعني صكاكا ﴿٤٥٨﴾ - واعدشاء الله ملائكة التقطوها، فاذا كانت القيامة ثارت الملائكة في الخلق، فلا يرون محبا لنا اهل البيت محضا الا دفعوا اليه منها كتابا، براءة له من النار﴾. ﴿٤٥٩﴾

بلال بن حمامة مي گوید: روزی رسول خدا ﷺ در حالی كه خندان بود و خبرهاي خوش داشت بر ما وارد شد، سپس عبدالرحمن بن عوف پيش پای ايشان بلند شد و پرسيد: ای رسول خدا چه چيزی شما را به خنده وا داشته است؟ حضرت ﷺ فرمود: از سوی پروردگارم بشارتی رسیده است كه خداوند وقتی مي خواست فاطمه را به ازدواج علي در آورد، فرشته ای را امر كرد تا درخت طوبی را تكان دهد، پس آن فرشته درخت طوبی را تكان داد و درخت حواله هايی را افشاند، خداوند فرشته ها را دستور داد تا آن حواله ها را

گرد آورند و هنگامی که قیامت بر پا شود، آن فرشتگان در میان مردم به جنب و جوش در آمده و دوستدار مخلص اهل بیت ما را نمی بینند، مگر آن که به او نوشته ای از آن حواله ها می دهند که موجب برائت آنان از آتش است.

۳۴۵- ﴿رسول الله ﷺ: ولقد نحل الله طوبى في مهر فاطمة فجعلها في منزل

علي ﴿ (۴۶۰)

خداوند، درخت طوبی را به عنوان مهریه فاطمه قرار داد و آن را در خانه علی نهاد.

۳۴۶- ﴿رسول الله ﷺ: اءول من يءكل من شجرة طوبى علي ﴿ (۴۶۱)

نخستین کسی که از درخت طوبی تناول می کند، علی است.

۳۴۷- ﴿رسول الله ﷺ: اءلا و من اءحب عليا لا يءرج من الدنيا حتى

يشرب من حوض الكوثر و يءكل من شجرة طوبى و يرى مكانه من الجنة ﴿ (۴۶۲)

آگاه باشید، هر کس علی عليه السلام را دوست بدارد از دنیا نمی رود مگر آن که از حوض کوثر می نوشد و از درخت طوبی می خورد و جایگاهش را در بهشت می بیند.

۳۴۸- ﴿رسول الله ﷺ: ان الله عزوجل اذ كان اءول يوم من شعبان اءمر

باءبواب الجنة فتفتح، و يءمر شجرة طوبى فتطلع اءغصانها على هذه الدنيا... ثم ينادى منادى ربنا عزوجل: يا عباد الله هذه اءغصان شجرة طوبى، فتمسكوا بها، ترفعكم الى الجنة... ﴿ فو الذى بعثنى بالحق نبيا ان من تعاطى بابا من الخير و البر فى هذا اليوم، فقد تعلق بغصن من اءغصان شجرة طوبى، فهو مؤدبه الى الجنة....

فمن تطوع لله بصلاة فى هذا اليوم، فقد تعلق منه بغصن.

و من صام فى هذا اليوم، فقد تعلق منه بغصن.

و من عفا عن مظلمة، فقد تعلق منه بغصن.

و من اءصلح بين المرء و زوجته، اءو الوالد و ولده اءو القريب و قريبه اءو الجار و جاره اءو الاءجنى و الاءجنىة، فقد تعلق منه بغصن.
و من خفف عن معسر من دينه اءو حط عنه، فقد تعلق منه بغصن.
و من نظر فى حسابه فراءى دينا عتيقا قد اءيس منه صاحبه، فاءداه، فقد تعلق منه بغصن.

و من كفل يتيما، فقد تعلق منه بغصن.
و من كف سفيها عن عرض مؤمن، فقد تعلق منه بغصن.
و من قعد يذكر الله و نعماءة و يشكره عليها، فقد تعلق منه بغصن.
و من عاد مريضا، فقد تعلق منه بغصن.
و من شيع فيه جنازة، فقد تعلق منه بغصن.
و من عزى فيه مصابا، فقد تعلق منه بغصن.
و من بر والديه اءو اءحدهما فى هذا اليوم، فقد تعلق منه بغصن.
و من اءسخطهما قبل هذا اليوم فاءرضاهما فى هذا اليوم، فقد تعلق منه بغصن
و كذلك من فعل شيئا (من سائر) من اءبواب الخير فى هذا اليوم، فقد تعلق منه بغصن... و الذى بعثنى بالحق نبيا اننى لارى المتعلقين باءغصان شجرة طوبى، كيف قصدتهم الشياطين ليغووهم، فحملت عليهم الملائكة يقتلونهم و يشخونهم و يطرءونهم عنهم.^(٤٤٣)

هنگامى كه روز اول ماه شعبان فرا مى رسد خداوند تبارك و تعالى به درهاى بهشت امر مى كند كه تا باز شوند و به درخت طوبى امر مى كند و آن درخت شاخه هاى خود را بر اين دنيا مى گستراند... آنگاه ندا دهند اى از جانب پروردگار عزوجل ندا مى دهد؛ اى بندگان خدا! اين شاخه هاى درخت طوبى است، به آنها چنگ زنيد كه شما را به سوى بهشت مى كشاند... سوگند به آن كه

مرا به حق، به رسالت مبعوث کرد، هر کس دری از خیر و نیکی در این روز بگشاید به شاخه ای از شاخه های درخت طوبی در آویخته که او را به بهشت می رساند....

پس هر کس در این روز برای خدا نماز مستحبی بخواند، به شاخه ای از شاخه های آن درآویخته.

و هر کس در این روز، روز بدارد، به شاخه ای از آن چنگ زده است. و هر کس از ستمی که بر او شده در گذرد، به شاخه ای از آن درخت درآویخته.

و هر کس میان زن و شوهری یا فرزند و پدري یا میان زن و مرد خویشاوندی و یا زن و مرد همسایه ای یا میان زن و مرد بیگانه ای صلح دهد، به شاخه ای از شاخه های درخت طوبی درآویخته است.

و هر کس از دین بیچاره ای که به او مدیون است سبک گیرد و به او سخت نگیرد و از آن بگذرد، به شاخه ای از آن درخت درآویخته است.

و هر کس در حساب خود نظر کند و بدهی گذشته دور خود را ببیند که صاحبش از گرفتن آن مایوس شده است و آن را ادا نماید به شاخه ای از آن درخت درآویخته است.

و هر کس یتیمی را کفالت و سرپرستی کند، به شاخه ای از آن درخت درآویخته است.

و هر کس سفیهی را از عرض و آبروی مؤمنی باز دارد (که آبروی او را نریزد) به شاخه ای از آن درخت درآویخته است.

و هر کس همه قرآن، یا مقداری از آن را بخواند، به شاخه ای از شاخه های آن درآویخته است.

و هر کس ذکر خدا را بگوید و نعمتهای او را به یاد آورد و او را به خاطر نعمتهایش شکر گزار باشد به شاخه ای از آن درخت درآویخته است.

و هر کس از بیماری عیادت کند، به شاخه ای از آن درآویخته است.

و هر کس در این روز به تشییع جنازه ای برود، به شاخه ای از آن درخت درآویخته است.

و هر کس در این روز مصیبت زده ای را آرامش دهد، به شاخه ای از آن درخت درآویخته است.

و هر کس در این روز به پدر و مادرش نیکی رساند، به شاخه ای از آن درخت درآویخته است.

و هر کس پدر و مادرش را قبل از این روز به خشم آورده باشد و در این روز آنان را خشنود سازد، به شاخه ای از شاخه های آن درخت درآویخته است و همچنین هر کس که کاری از کارهای خیر را در این روز انجام دهد به شاخه ای از شاخه های درخت طوبی درآویخته است... و سوگند به آن که مرا به حق به رسالت مبعوث ساخت، آنان را که به درخت طوبی درآویخته اند می بینم که چگونه شیاطین برای فریبشان در کمین اند و فرشتگان الهی بر آنان حمله ور می شوند و آنان را به سختی نابود می سازند و طردشان می کنند.

پی نوشت ها:

- ۱- این اصل ارتباطی، از دیر باز و در رسالت انبیای الهی، بخصوص رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مد نظر بوده است، چنانچه حضرتش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید: ﴿أنا معاشر الانبياء، نكلم الناس على قدر عقولهم﴾. همانا ما پیامبران، مناسب با فهم مردم با آنان سخن می گوئیم (الكافی: ۳۹۴/۲۶۸/۸).
- ۲- معیارهای خوشبختی و زندگی طیب، در روایات معصومین عليهم السلام با واژه هایی چون فلاح، سعادت، نجات، فوز و طوبی بیان شده است و ما در بخش دوم کتاب، تنها به واژه طوبی تمسک جسته ایم. سعی ما بر این است که طوبی را بعنوان کلیدی برای معرفی معیارهای خوشبختی مطرح کنیم؛ بدین منظور، به واژه های دیگر پرداخته ایم، علاوه بر آن که در معجمهای لفظی و موضوعی، همچون کتاب شریف میران الحکمة، به آن موارد پرداخته شده است.
- ۳- برای تشخیص کتابهای شیعی و سنی، می توانید به قسمت منابع و مآخذ رجوع کنید.
- ۴- در واقع باید گفت، هیچ انسانی منکر سعادت نیست، حتی کسانی که دنیا را جز شر و بدبختی نمی دانند و خودکشی را انتخاب می کنند. چرا که اینگونه افراد نیز خوشبختی و خوشی خود را - به معنای عام - در کشتن خویش می دانند.
- ۵- سوره بقره: آیه ۱۸۹.
- ۶- سوره رعد: آیه ۲۹.
- ۷- غررالحکم: ۵۹۴۸/۲۴۰/۴.
- ۸- سوره بقره: آیه ۲۱۶.
- ۹- نقدی بر مارکسیسم: ۲۷۸.
- ۱۰- با توجه به واژه طوبی برای هر کدام از این اسباب روایاتی در بخش دوم کتاب نقل شده است.
- ۱۱- مقالات فلسفی: ۸۰/۲.
- ۱۲- نهج البلاغة: حکمت ۲۸۶؛ غررالحکم: ۹۶۱۶/۸۴/۶، بحار الانوار ۳۲/۲۷/۶۳ به نقل از نهج البلاغة .
- ۱۳- سوره انسان: آیه ۳.
- ۱۴- طوبی در شعر فارسی و اشعار حافظ با عنوان، مشبه به و رقیب قد و بالای معشوق مطرح می شود و یا مستقل و بعنوان همان درخت سایه گستر:

تو و طوبی و ما و قامت یار فکر هر کس به قدر همت اوست
 طوبی ز قامت تو نیارد که دم زند زین قصه بگذرم که سخن می شود بلند
 سایه طوبی و دلجویی حور و لب حوض به هوای سر کوی تو برفت از یادم
 باغ بهشت و سایه طوبی و قصر حور با خاک کوی دوست برابر نمی کنم
 (حافظ)

۱۵- معجم مقاییس ۳/۴۳۰؛ (طوب) الطاء و الواو و الباء لیس باصل، لان الطوب فیما احسب
 هذا الذی یرسمی الآجر و ما اءظن العرب تعرفه. و اءما طوبی فلیس من هذا و اءصله الیاء، کانها
 فعلى من الطیب فقلبت الیاء واوا لضمه .

۱۶- مجمع البحرین: ۳/۷۹؛ (طیب) قوله تعالى (طوبی لهم و حسن ماءب) ای: طیب العیش...
 و وزنها فعلى بالضم من الطیب قلبت یاؤه و اوا لضمه ما قبلها، مصدر لطاب كبشری و زلفی و یقال:
 طوبی لك و طوباک بالاضافة .

۱۷- فرهنگ معین: ۲/۲۲۳۸؛ طوبی، مؤنث اطیب، پاکیزه تر، نیکو، خیر، سعادت، بهشت،
 درخت بهشت.

۱۸- مجموعه احادیث ویل نیز بزودی در اختیار دوستداران حدیث قرار خواهد گرفت. ان
 شاءالله.

۱۹- تفسیر التبیان: ۶/۲۵۰.

۲۰- تفسیر المیزان: ۱۱/۳۵۷.

۲۱- رجوع کنید بعنوان شجره طوبی در بخش سوم کتاب.

۲۲- بعنوان مثال رجوع کنید به روایات شماره: ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ از همین کتاب.

۲۳- تفسیر المیزان: ۱۱/۳۶۹.

۲۴- بیشترین مواردی که واژه طوبی به درخت بهشتی تفسیر شده، مربوط به احادیث اعتقادی
 است.

۲۵- مرحوم علامه طباطبایی رحمه الله و شاگرد ایشان استاد شهید مطهری رحمه الله نیز طوبی
 را به معنای سعادت و خوشبختی معرفی کرده اند. همان گونه که در صفحات بعد ملاحظه خواهید
 نمود.

۲۶- سوره رعد، ۲۷ - ۲۹.

۲۷- حکمتها و اندرزها: ۴۱.

- ۲۸- سوره نحل: آیه ۹۷. هر کس عمل صالح انجام دهد، چه مرد و زن در حالی که با ایمان باشد، ما او را به زندگی پاک، زنده می داریم، و مزدشان را بهتر از آنچه که می کردند پاداش می دهیم.
- ۲۹- سوره طه: آیه ۱۲۴. و کسی که از یاد من اعراض کند زندگی سخت و ناگواری خواهد داشت، روز قیامت هم او را کور محسور می کنیم.
- ۳۰- تفسیر المیزان: ۳۵۶/۱۱.
- ۳۱- سوره رعد: آیه ۲۸ - ۲۹.
- ۳۲- الفردوس بماء ثور الخطاب: ۳۹۳۵/۴۴۸/۲.
- ۳۳- مهج الدعوات: ۲۲۹، بحار الانوار: ۴/۴۰۰/۹۴ به نقل از مهج الدعوات در هر دو کتاب از امام کاظم از پدرانش عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم.
- ۳۴- دعای جوشن کبیر، دعایی است که هزار نام از اسماء الله در آن ذکر شده است. این دعا در مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی نقل شده است.
- ۳۵- بحار الانوار: ۴۵۷/۹۵.
- ۳۶- غررالحکم: ۵۹۶۸/۲۴۵/۴.
- ۳۷- غررالحکم: ۵۹۷۴/۲۴۶/۴.
- ۳۸- مناقب الامام امیر المؤمنین عليه السلام للكوفی: ۲/۶۵۷/۱۸۰ و ص ۶۴۷/۱۶۸.
- ۳۹- حضرهم شفاعه: ای شفاعته حاضرة مهیاءة لكل من يستحقها (مرآة العقول ۳۳۳/۲۵).
- ۴۰- الکافی: ۱۰۳/۱۳۹/۸، بحار الانوار: ۱۴/۲۹۷/۱۴ به نقل از الکافی .
- ۴۱- جلیة الرجال: اختلاط الاصوات (مجمع البحرین: ۲/۲۵).
- ۴۲- کلاءه: حفظه (مجمع البحرین: ۱/۳۶۰).
- ۴۳- کمال الدین: ۳۲/۱۷۶، اءمالی الصدوق: ۲/۲۱۸، روضة الواعظین: ۷۶، بحار الانوار: ۸/۲۵۶/۱۵ به نقل از کمال الدین .
- ۴۴- اقبال الاءعمال: ۳۴۰/۲، بحار الانوار: ۳۱۷/۲۱ به نقل از اقبال الاءعمال و رجوع کنید به الاختصاص: ۱۱۳.
- ۴۵- الخصال: ۶/۳۴۲، بحار الانوار: ۱/۳۰۵/۲۲ به نقل از الخصال، مسند ابن حنبل: ۱۲۵۷۹/۳۱۰/۴. صحیح ابن حبان: ۷۲۳۰/۲۱۳/۱۶، مسند اءبى یعلی: ۱۳۶۹/۱۲۹/۲، تاریخ بغداد: ۹۱/۴.

- ۴۶- المعجم الكبير: ۵۷۶/۲۱۲/۱، مسند ابن حنبل: ۱۷۳۹۳/۱۳۶/۶ بدون ذکر اولئك منا و اولئك معنا، كنز العمال: ۳۷۸۹۸/۱۳۶/۱۴ به نقل از ابو نعیم .
- ۴۷- مائة منقبة: ۵۳/۱۰۸.
- ۴۸- مختصر بصائر الدرجات: ۱۰۴.
- ۴۹- مائة منقبة: ۷۹/۱۳۳، بحار الانوار ۹۷/۱۱۷/۲۷ به نقل از دفائن النواصب .
- ۵۰- الاصول السنة عشر: ۱۳۱.
- ۵۱- ﴿الغبط حسد خاص، يقال: غبطت الرجل اغبطه غبطا: اذا اشتھت ان يكون لك مثل ما له وان يدوم عليه ما هو فيه﴾ (النهاية: ۳/۳۳۹).
- ۵۲- تفسير فرات الكوفي: ۷۵۶/۵۸۶، بحار الانوار: ۱۱۷/۱۴۶/۳۶ به نقل از تفسير فرات الكوفي در هر دو كتاب به نقل از امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم.
- ۵۳- التفسير المنسوب الى الامام العسكري عليه السلام: ۳۶۱/۶۱۶، بحار الانوار: ۷۹/۳۷/۶۸ به نقل از التفسير المنسوب... در هر دو كتاب به نقل از امام سجاد عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم.
- ۵۴- امالی الطوسی: ۱۲۶۱/۶۱۰، بحار الانوار: ۳۰/۱۹/۱۵ به نقل از امالی الطوسی در هر دو كتاب به نقل از امام سجاد از پدران عليهم السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم.
- ۵۵- سوره معارج: آیه ۱ - ۲.
- ۵۶- جامع الاءخبار: ۵۳/۴۹، بحار الانوار: ۴۲/۱۶۷/۳۷ به نقل از جامع الاءخبار .
- ۵۷- واقعه غدیر خم که در هجدهم ذی الحجة سال دهم هجری قمری واقع شده است، در برنامه کامپیوتری ابو ثمامه - که تاریخهای قمری را به شمسی و میلادی تبدیل می کند - مطابق با ۲۸ اسفند سال دهم هجری شمسی است، لذا با احتساب اندکی جابجایی در تاریخ ایام، امکان وقوع این واقعه در نوروز زیاد می باشد.
- ۵۸- عوالی اللالی: ۱۱۶/۴۱/۳، بحار الانوار ۱۱۹/۵۹ به نقل از المهدب البارع .
- ۵۹- بحار الانوار: ۳۲/۳۴۵/۱۰۰ به نقل از المزار الكبير .
- ۶۰- الاختصاص: ۱۱۳.
- ۶۱- معانی الاءخبار: ۱۰/۶۲، علل الشرائع: ۴/۱۳۶.
- ۶۲- السراج: فی الاءصل المصباح و ربما يستعار لغيره (مجمع البحرين: ۳۰۹/۲).
- ۶۳- ارشاد القلوب: ۱۶۶.
- ۶۴- بحار الانوار: ۲۲/۲۲۵/۳۶ به نقل از مقتضب الاءثر .

- ۶۵- معانی الاءخبار: ۱/۱۱۶، علل الشرایع: ۶/۱۶۵، تفسیر القمی: ۳۲۵/۲، بحار الانوار: ۲/۳۲۷/۷ به نقل از تفسیر القمی با کمی اختلاف.
- ۶۶- العدة الوعد و یجمع علی عدات (لسان العرب: ۳/۴۶۲).
- ۶۷- بشارة المصطفی: ۱۶۳، بحار الانوار ۷/۲۱۶/۳۹ به نقل از بشارة المصطفی در هر دو کتاب به نقل از امام رضا از پدرانش علیهم السلام از علی علیه السلام.
- ۶۸- تفسیر الفرات للكوفی. ۲۸۸/۲۱۶ به نقل از امام علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.
- ۶۹- امالی الطوسی: ۱۰۹۵/۵۰۰، بحار الانوار ۷۶/۱۱۱/۲۵ به نقل از امالی الطوسی در هر دو کتاب به نقل از امام صادق (ع) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.
- ۷۰- النسل: الولد (مجمع البحرين ۵/۴۸۳).
- ۷۱- اقبال الاءعمال: ۳۴۰/۲، بحار الانوار: ۳۱۷/۲۱ به نقل از اقبال الاءعمال .
- ۷۲- کفایة الاءثر: ۱۳، فرائد السمطین: ۴۳۰/۱۳۴/۲، بحار الانوار: ۱۰۶/۲۸۴/۳۶ به نقل از کفایة الاءثر .
- ۷۳- الخصال: ۱/۵۱۵، روضة الواعظین: ۲۹۸، مشکاة الانوار ۸۱، بحار الانوار: ۱۲/۷۸/۲۷ به نقل از الخصال .
- ۷۴- مثل الشیء فی الماء: اءذبتہ فانمات هو فیہ انمیثا (مجمع البحرين: ۲/۲۶۵).
- ۷۵- کتاب سلیم بن قیس: ۴۰/۳۸۰/۲، بحار الانوار: ۲۶/۳۵۲/۳۹ به نقل از کتاب سلیم بن قیس بدون ذکر لیکون الایمان فی قلبه....
- ۷۶- سوره بقره: آیه ۳.
- ۷۷- سوره مجادله: آیه ۲۲.
- ۷۸- کفایة الاءثر: ۶۰، بحار الانوار ۱۴۴/۳۰۶/۳۶ به نقل از کفایة الاءثر).
- ۷۹- کمال الدین: ۱۱/۲۶۸، عیون اءخبار الرضا علیه السلام: ۲۹/۶۳/۱، اعلام الوری: ۳۸۱، بحار الانوار: ۸/۲۰۸/۳۶ به نقل از کمال الدین، در تمام کتابها به نقل از امام جواد از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.
- ۸۰- کفایة الاءثر: ۱۱۰، بحار الانوار: ۱۷۸/۳۲۲/۳۶ به نقل از کفایة الاءثر .
- ۸۱- تاءویل الآیات الظاهرة: ۷۵۲/۲.
- ۸۲- کفایة الاءثر: ۱۳، فرائد السمطین: ۴۳۰/۱۳۴/۲، بحار الاءانوار: ۱۰۶/۲۸۵/۳۶ به نقل از کفایة الاءثر .

- ۸۳- الکافی. ۹۰/۱۶۹/۸ به نقل از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، تحف العقول: ۳۰، بحار الانوار ۴۲/۱۳۱/۷۶ به نقل از الکافی .
- ۸۴- امالی المفید: ۹/۱۱۰، بحار الانوار: ۹۳/۱۴۲/۲۳ به نقل از امالی المفید در هر دو کتاب به نقل از امام رضا از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.
- ۸۵- التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام: ۱۹۲/۳۳۰، بحار الانوار ۸/۲۵۹/۲۳ به نقل از التفسیر المنسوب....
- ۸۶- شرح الاخبار: ۱۴۱۶/۴۸۹/۳.
- ۸۷- کمال الدین: ۱/۳۳۰، بحار الانوار ۶۶/۱۴۵/۵۲ به نقل از کمال الدین .
- ۸۸- شرح الاخبار: ۱۴۱۴/۴۸۸/۳.
- ۸۹- کمال الدین: ۵۵/۳۵۸، معانی الاخبار: ۱/۱۱۲، بحار الانوار: ۶/۱۲۳/۵۲ به نقل از کمال الدین .
- ۹۰- کمال الدین: ۵/۳۶۱، کفایة الاءثر: ۲۶۵، اعلام الوری: ۴۳۳، بحار الانوار: ۶/۱۵۱/۵۱ به نقل از کمال الدین .
- ۹۱- کمال الدین: ۱/۲۸۷، الغیبة للطوسی: ۴۶۶/۴۵۶، الخرائج و الجرائح: ۱۱۴۸/۳، بحار الانوار: ۲۵/۱۲۹/۵۲ به نقل از الغیبة للطوسی در تمام کتابها با کمی اختلاف.
- ۹۲- الغیبة للنعمانی: ۳۷/۱۸۶، بحار الانوار: ۳/۱۵۷/۵۱ به نقل از الغیبة للنعمانی .
- ۹۳- امالی الصدوق: ۳/۱۲۰، بحار الانوار ۵/۲۲۵/۴۴ به نقل از امالی الصدوق در هر دو کتاب به نقل از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.
- ۹۴- خصائص الائمة علیهم السلام: ۴۷، کامل الزیارات: ۲۶۹، قرب الاسناد: ۸۷/۲۶، بحار الانوار: ۴۴/۱۱۶/۱۰۱ به نقل از کامل الزیارات در هر دو کتاب به نقل از امام صادق از پدرانش علیه السلام.
- ۹۵- امالی الطوسی: ۶۳۸/۳۱۴، کامل الزیارات: ۱/۵۹ و ص ۵/۶۰، بشارة المصطفی: ۲۱۴، بحار الانوار: ۲۲/۲۳۵/۴۴ به نقل از کامل الزیارات .
- ۹۶- کمال الدین: ۵۴/۳۵۷، بحار الانوار: ۷۶/۱۵۰/۵۲ به نقل از کمال الدین .
- ۹۷- مصباح الزائر: ۴۳۸، بحار الانوار: ۲/۹۹/۱۰۲ به نقل از مصباح الزائر .
- ۹۸- سوره بقره: آیه ۳.
- ۹۹- سوره مجادله: آیه ۲۲.
- ۱۰۰- کفایة الاءثر: ۶۰، بحار الانوار ۱۴۴/۳۰۶/۳۶ به نقل از کفایة الاءثر .

- ۱۰۱- الكافي، ۳/۳۳۵/۱.
- ۱۰۲- الغيبة للنعماني: ۱۳/۲۵۵ و ص ۲۲/۲۳۵، مختصر بصائر الدرجات: ۲۱۳، بحار الانوار ۹۶/۲۳۱/۵۲ به نقل از الغيبة للنعماني .
- ۱۰۳- سوره تكوير: آیه ۱۵ - ۱۶.
- ۱۰۴- كمال الدين: ۱۴/۲۳۰، بحار الانوار: ۴/۱۳۷/۵۱ به نقل از كمال الدين .
- ۱۰۵- كمال الدين: ۵/۳۳۵، بحار الانوار: ۲۴/۱۲۹/۵۲ به نقل از كمال الدين .
- ۱۰۶- مناقب الامام امير المؤمنين عليه السلام للكوفي: ۷۶۳/۲۹۲/۲.
- ۱۰۷- كامل الزيارات: ۴/۱۵۳ و ص ۵/۲۰۷، بحار الانوار: ۵۸/۶۷/۱۰۱ به نقل از كامل الزيارات .
- ۱۰۸- اقبال الاعمال: ۳۳۹/۳، بحار الانوار ۶۱/۵۸/۱۱ به نقل از اقبال الاعمال .
- ۱۰۹- تحف العقول: ۳۰۱، بحار الانوار: ۱/۲۸۰/۷۸ به نقل از تحف العقول .
- ۱۱۰- الكافي: ۱۰۳/۱۳۶/۸، تحف العقول: ۴۹۸، بحار الانوار: ۱۴/۲۹۳/۱۴ به نقل از الكافي .
- ۱۱۱- المنى: جمع المنية و هو ما يتمناه الانسان و يشتهي و يقدر حصوله (مجمع البحرين: ۴۰۱/۱).
- ۱۱۲- غررالحكم: ۵۹۵۸/۲۴۲/۴.
- ۱۱۳- ادلج ادلاج: سار الليل كله، وربما اطلق الادلاج على العبادة في الليل توسعا (مجمع البحرين: ۳۰۱/۲).
- ۱۱۴- الكافي: ۸/۴۷/۸، تحف العقول: ۴۹۴، بحار الانوار: ۱۳/۳۳۶/۱۳ به نقل از تحف العقول .
- ۱۱۵- غررالحكم: ۵۹۷۷/۲۴۷/۴.
- ۱۱۶- شرح نهج البلاغة لابن ابي الحديد: ۱۶/۲۵۷/۲۰.
- ۱۱۷- كفاف، آن مقدار از روزی و قوت است که انسان را بس باشد (فرهنگ معین).
- ۱۱۸- غررالحكم: ۵۹۵۵/۲۴۱/۴.
- ۱۱۹- المعجم الكبير: ۳۶۱۸/۵۶/۴، نهج البلاغة: حکمت: ۴۴، روضة الواعظین: ۴۹۷، مشکاة الانوار ۱۲۷، بحار الانوار: ۴۶۲/۵۵۳/۳۲ به نقل از کتاب صفین در تمام کتابها با کمی اختلاف.
- ۱۲۰- المهمل: التؤدة و التباطؤ (النهاية: ۳۷۵/۵).
- ۱۲۱- غررالحكم: ۵۹۷۵/۲۴۴/۴.

- ۱۲۲- غررالحکم: ۵۹۶۵/۲۴۴/۴.
- ۱۲۳- مصباح الشریعة: ۴۵۷، بحار الانوار ۳۲/۱۳۳/۶ به نقل از مصباح الشریعة در هر دو کتاب به نقل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.
- ۱۲۴- العنصر: الاءصل و النسب (مجمع البحرين: ۴۰۸/۳).
- ۱۲۵- بحار الانوار: ۴۶۸/۹۵.
- ۱۲۶- الصحيفة السجادية الجامعة: ۵۹۶، دعای ۲۵۷.
- ۱۲۷- مقام محمود، مقام شفاعت کبری برای رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در روز قیامت است و بر این تفسیر روایات شیعه و سنی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام اتفاق دارند. (تفسیر المیزان: ۱۷۶/۱۳).
- ۱۲۸- سوره اسراء، آیه ۷۹.
- ۱۲۹- التوحید: ۵/۲۶۱، الاحتجاج: ۱/۳۷/۵۶۷/۱، بحار الانوار: ۶/۱۱۹/۷ به نقل از التوحید .
- ۱۳۰- النوادر للراوندی: ۶ مستدرک الوسائل: ۱۰۵۲۲/۱۵۰/۹ به نقل از النوادر للراوندی .
- ۱۳۱- سوره توبه: آیه ۷۲.
- ۱۳۲- تفسیر مجمع البیان: ۷۷/۵، بحار الانوار: ۸۵/۸ به نقل از تفسیر مجمع البیان، تفسیر جامع البیان (تفسیر الطبری): ۱۸۰/۶.
- ۱۳۳- سنن الترمذی: ۲۵۶۴/۶۹۴/۴، مسند ابن حنبل: ۱۳۴۲/۳۲۹/۱ در هر دو کتاب به نقل از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، تفسیر القمی: ۸۲/۲، بحار الانوار: ۱۱/۱۲۰/۸ به نقل از تفسیر القمی .
- ۱۳۴- اللبّن - كحمل - ما يعمل من الطّبن و یبني به، الواحدة: لبنة (مجمع البحرين: ۳۰۶/۶).
- ۱۳۵- الحصباء: صغار الحصى (مجمع البحرين: ۴۳/۲).
- ۱۳۶- المعجم الاءوسط: ۳۷۰۱/۹۹/۴.
- ۱۳۷- كنز العمال: ۲۳۳۲۹/۲۴۸/۱۰ به نقل از الفردوس بماء ثور الخطاب و لیکن در نسخه موجود الفردوس بماء ثور الخطاب یافت نشد.
- ۱۳۸- بحار الانوار: ۴۶۷/۹۵.
- ۱۳۹- سوره رعد: آیه ۲۹ - ۲۷.
- ۱۴۰- اختیار معرفة الرجال (رجال الكشي): ۲۱۲/۱ در حاشیه کتاب.
- ۱۴۱- غررالحکم: ۵۹۴۲/۲۳۹/۴.

- ۱۴۲- من لا يحضره الفقيه: ۵۸۷۶/۴۰۵/۴، الخصال: ۴۷/۹۸، ثواب الاءعمال: ۱/۲۱۲، اءمالی الصدوق: ۲/۳۲، تحف العقول: ۲۰۵، المحاسن: ۱۰/۶۵/۱، بحار الانوار: ۲/۲۷۵/۷۱ به نقل از اءمالی الصدوق در تمام كتابها به نقل از امام باقر از امام علی عليه السلام.
- ۱۴۳- الحلق: جمع الحلقه و هی الجماعه من الناس مستديره (مجمع البحرين: ۱۵۱/۵).
- ۱۴۴- الكافي: ۳/۱۶/۲، بحار الانوار: ۵/۲۲۹/۷۰ به نقل از الكافي در هر دو كتاب به نقل از امام رضا عليه السلام.
- ۱۴۵- اقبال الاءعمال: ۱۷۴/۳، بحار الانوار: ۱/۳۷۷/۹۸ به نقل از اقبال الاءعمال .
- ۱۴۶- المعجم الكبير: ۱۴۳/۷۸/۲، كنز العمال ۳۹۳۱/۲۴۳/۲ به نقل از اءمالی ابن الصصری، مستدرک الوسائل: ۱۱/۲۲۹۲/۲۴۳/۱۱ به نقل از لب اللباب للراوندى .
- ۱۴۷- بحار الانوار: ۴۵۸/۹۵.
- ۱۴۸- ثواب الاءعمال: ۲/۵، التوحيد: ۱۱/۲۱، بحار الانوار: ۴/۲۰۶/۹۳ به نقل از التوحيد و رجوع كنيد به المحاسن: ۶۸/۹۹/۱ در تمام كتابها به نقل از امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم.
- ۱۴۹- مصباح المتهد: ۵۴۰/۴۲۰، جمال الاسبوع: ۱۰۹، بحار الانوار: ۴۳/۳۲۸/۹۰ به نقل از مصباح المتهد و جمال الاسبوع .
- ۱۵۰- المعجم الاءوسط: ۷۳۰۸/۲۱۴/۷، كنز العمال: ۴۰۲۵/۲۸۸/۲ به نقل از المعجم الاءوسط .
- ۱۵۱- فرائض، در روايات به معنى دستورات الهى واجب و سهميه ارث آورده مى شود كه در اين روايات، معنای اول مورد نظر است.
- ۱۵۲- الفردوس بماءثور الخطاب: ۳۹۳۲/۴۴۸/۲، الجامع الصغير: ۵۳۱۱/۱۳۸/۲، به نقل از الفردوس بماءثور الخطاب .
- ۱۵۳- جامع الاءخبار: ۱۹۷/۱۱۴، بحار الانوار: ۱۸/۱۹/۹۲ به نقل از جامع الاءخبار .
- ۱۵۴- حاملان قرآن، كسانى را گویند كه با قرآن انس و الفت دارند، يعنى قرآن در جانشان رسوخ نموده است. مصاديق آنها را با استفاده از روايات ديگر، قاريان، حافظان و تعليم دهندگان قرآن مى توان دانست.
- ۱۵۵- المجتنى: ۸۹، بحار الانوار: ۲۴/۳۶۱/۹۲ به نقل از المجتنى .
- ۱۵۶- سنن الدارمى: ۳۲۹۰/۹۱۳/۲، المعجم الاءوسط: ۴۸۷۶/۱۳۳/۵، شعب الایمان: ۲۴۵۰/۴۷۷/۲، كنز العمال: ۲۶۸۱/۵۸۸/۱ به نقل از سنن الدارمى، تفسير مجمع البيان: ۳/۷، مستدرک الوسائل: ۴۸۵۴/۳۴۴/۴ به نقل از تفسير مجمع البيان .

- ۱۵۷- الدر المنثور: ۲/۲۰۳ به نقل از الزهد لابن حنبل، البداية و النهاية: ۲/۸۹ با کمی اختلاف.
- ۱۵۸- اجابه بجواب اجابة، و جواب الكلام: رديده و الجمع اجوبة و النهاية: ۲/۸۹ با کمی اختلاف.
- ۱۵۹- ثواب الاعمال: ۲/۴۷، مكارم الاخلاق: ۲/۶۰/۲۱۴۶، المحاسن: ۱/۱۱۹/۱۲۴، عوالي اللالی: ۱/۳۵۱/۵، بحار الانوار: ۸۴/۱۴/۹۲ به نقل از ثواب الاعمال .
- ۱۶۰- اللوایة: العلم الكبير، واللواء دون ذلك، و العرب تضع اللواء موضع الشهرة (مجمع البحرين: ۳۸۱/۶).
- ۱۶۱- امالی الطوسی: ۱۱۶۲/۵۲۹، مكارم الاخلاق: ۲/۳۶۶/۳۶۶۱، بحار الانوار: ۳۰/۳۶۹/۸۳ به نقل از امالی الطوسی .
- ۱۶۲- مستدرک الوسائل: ۱/۲۹۸/۶۶۹ به نقل از الهداية للصدوق، من لا يحضره الفقيه: ۱/۲۳۹/۱۷۲۰ ثواب الاعمال: ۱/۴۵، علل الشرائع: ۲/۳۱۸ بدون ذکر الا بشر المشائين... در تمام كتابها به نقل از امام صادق عليه السلام .
- ۱۶۳- بحار الانوار: ۷/۳۴۴/۹۶، مستدرک الوسائل ۷/۴۲۰/۸۵۸۴ در هر دو كتاب به نقل از نوادر الراوندی و لیکن در نسخه موجود نوادر یافت نشد.
- ۱۶۴- نام فرشتگان هفتگانه خداوند عبارتند از: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، کویائیل، شمشائیل، اسماعیل و دردائیل.
- ۱۶۵- نهج البلاغة، نامه ۴۵، بحار الانوار ۳۳/۴۷۶/۶۸۶ الکرى النوم (النهاية ۴/۱۷۰).
- ۱۶۶- تحف العقول: ۵۱۰، بحار الانوار: ۱۴/۳۱۰/۱۷ به نقل از تحف العقول .
- ۱۶۷- التهجد و قیام اللیل لابن اءبی الدنيا: ۱۱۱/۲۲۶.
- ۱۶۸- بحار الانوار: ۹۵/۴۶۷.
- ۱۶۹- الدعوات للراوندی: ۲۰۷/۵۶۱، بحار الانوار ۹۷/۴/۵ به نقل از الدعوات .
- ۱۷۰- بحار الانوار: ۹۶/۳۴۵/۹، مستدرک الوسائل: ۷/۴۲۲/۸۵۸۴ در هر دو كتاب به نقل از نوادر الراوندی و لیکن در نسخه موجود نوادر یافت نشد.
- ۱۷۱- الجنة: السترة... اءی يتستر به من دخول النار و المعاصی (مجمع البحرين: ۲۲۹/۶).
- ۱۷۲- بحار الانوار: ۹۶/۳۴۴/۷، مستدرک الوسائل: ۷/۴۲۱/۸۵۸۴ در هر دو كتاب به نقل از نوار الراوندی و لیکن در نسخه موجود نوادر یافت نشد.
- ۱۷۳- نصب الرجل: تعب و اعیى (مجمع البحرين: ۲/۱۷۴).

- ۱۷۴- اءمالى الصدوق: ۴۳۲، ثواب الاءعمال: ۸۱، فضائل الثلاثة: ۲۸، بحار الانوار: ۱/۲۹/۹۷
به نقل از هر سه كتاب، روضة الواعظين: ۴۳۸.
- ۱۷۵- بحار الانوار: ۳/۶۷/۹۷، مستدرک الوسائل: ۷/۵۳۷/۸۸۳۵ در هر دو كتاب به نقل از نوادر الراوندى و ليكن در نسخه موجود نوادر يافت نشد.
- ۱۷۶- علل الشرائع: ۱/۵۶۴، بحار الانوار ۴/۲۸۵/۵ به نقل از علل الشرائع .
- ۱۷۷- المستدرک على الصحيحين: ۴/۱۷۰/۷۲۵۷، المعجم الكبير: ۲۰/۱۹۸/۴۴۷، الاءديب المفرد للبخارى: ۲۲/۲۰، كنز العمال: ۱۶/۴۶۸/۴۵۴۸۳ به نقل از مستدرک على الصحيحين.
- ۱۷۸- عيون اءخبار الرضا عليه السلام: ۲/۱۱/۲۴، بحار الانوار: ۱۸/۳۵۲/۶۲ به نقل از عيون اءخبار الرضا عليه السلام در هر دو كتاب به نقل از امام جواد از پدرانئش از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم.
- ۱۷۹- عيون اءخبار الرضا عليه السلام، ۲/۱۱/۲۴، بحار الانوار: ۱۸/۲۵۲/۶۲ به نقل از عيون اءخبار الرضا عليه السلام، در هر دو كتاب به نقل از امام جواد از پدرانئش از رسول خدا صلى الله عليه و آله.
- ۱۸۰- الاختصاص، ۳۳۹، بحار الانوار: ۱۳/۴۲۹/۲۳ به نقل از الاختصاص .
- ۱۸۱- تحف العقول: ۳۰، اءمالى الطوسى: ۱۱۶۲/۵۳۹ و در آن اءهل الفقرا به جأى اهل العفة ذكر شده است، تفسير القمى: ۲/۷۰، بحار الانوار: ۷۵/۱۱۹/۴، المعجم الكبير: ۵/۷۱/۴۶۱۵.
- ۱۸۲- بحار الانوار: ۱/۳۱/۲۰۵ به نقل از كنز الفوائد للكراچكى .
- ۱۸۳- عرك: البعير جنبه بمرفقه: اذا دلكه فاءثر فيه (مجمع البحرين: ۵/۲۸۲).
- ۱۸۴- البؤس: الضر و الشدة (مجمع البحرين: ۴/۵۰).
- ۱۸۵- الغمض: النوم (لسان العرب: ۷/۱۹۹).
- ۱۸۶- الكرى: النوم (النهاية: ۴/۱۷۰).
- ۱۸۷- قشعت الريح السحاب: كشفته (مجمع البحرين: ۴/۳۷۹).
- ۱۸۸- سوره مجادله: آيه ۲۲.
- ۱۸۹- نهج البلاغة: نامه ۴۵، بحار الانوار: ۳۳/۴۷۶/۶۸۶ به نقل از نهج البلاغة .
- ۱۹۰- مجمع الزوائد: ۱۰/۳۹۵/۱۷۷۰۰ به نقل از مسند البزار .
- ۱۹۱- الكافى: ۸ / ۱۶۹ / ۱۹۰، بحار الانوار: ۷۷/۱۳۲/۴۲ به نقل از كافى، در هر دو كتاب به نقل از امام باقر (ع) از رسول خدا صلى الله عليه و آله، تحف العقول: ۳۰.
- ۱۹۲- تحف العقول: ۳۹۳ و ۵۰۱ به نقل از عيسى عليه السلام، بحار الانوار: ۱/۱۴۷/۳۰ و ۱۴/۳۰۴/۱۷ به نقل از تحف العقول،

- ۱۹۳- کنز الفوائد: ۳۸۰/۱، تفسیر القمی: ۷۰/۲ و در آن خالط بجای رحم ذکر شده، امالی الطوسی: ۱۱۶۲/۵۳۹، بحار الانوار: ۳۱/۲۰۵/۱ به نقل از کنز الفوائد، السنن الكبرى: ۷۷۸۳/۳۰۶/۴. المعجم الكبير: ۴۶۱۵/۷۱/۵ در تمام کتابها با کمی اختلاف.
- ۱۹۴- الضریک: الفقیر السیء الحال، و قبل الهزیل (النهاية: ۸۶/۳).
- ۱۹۵- الصلوك: الفقير الذي لا مال له (مجمع البحرين: ۲۷۹/۵).
- ۱۹۶- نولته: اءعطيته نوالا، و النوال: العطاء (مجمع البحرين: ۴۸۸/۵).
- ۱۹۷- بحار الانوار: ۴۶۹/۹۵.
- ۱۹۸- الفردوس بماء ثور الخطاب: ۷۱۵۶/۳۹۹/۴.
- ۱۹۹- غررالحکم: ۵۹۵۵/۲۴۱/۴.
- ۲۰۰- المقنعة: ۳۷۴ به نقل از امام صادق از پدرانش عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم، بحار الانوار ۴۶۲/۷۵ ذیل حدیث ۱۷ نقل از امامة و التبصرة و لیکن در نسخه موجود امامة و التبصرة یافت نشد.
- ۲۰۱- تحف العقول: ۱۷، بحار الانوار: ۱۱/۱۱۸/۱ به نقل از تحف العقول؛ الصفح: العفو و التجاوز: (مجمع البحرين: ۳۸۶/۲).
- ۲۰۲- تعبیر سيعود غریبا در این روایات می تواند اشاره به دو معنا باشد؛ یا منظور زمان پس از رحلت پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم است، که اسلام از مسیر اصلی خود فاصله گرفت و آن ۷۳ فرقه به وجود آمد که پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فقط یک فرقه را نجات یافته دانست - و با استفاده از احادیث واقعه غدیر و... آن فرقه، شیعه علی عليه السلام هستند - که البته آنان غریب و تنهائند، و یا اشاره به آخر الزمان دارد، که نگهداری دین در آن هنگام دشوارتر از نگاه داشتن آتش بر کف دست است، این چنین افرادی نیز تنها و غریب می باشند. البته با استفاده از سيعود احتمال اول قوی تر است.
- ۲۰۳- کمال الدین: ۶۶/۱، صحیح مسلم: ۲۳۲/۱۳۰/۱، سنن ابن ماجه: ۳۹۸۷/۱۳۲۰/۲ در دو کتاب اخیر فقط کلام پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم ذکر شده است.
- ۲۰۴- مسند ابن حنبل: ۶۶۶۱/۵۹۱/۶، المعجم الاءوسط: ۸۹۸۴/۱۴/۹، کنز العمال: ۵۹۳۸/۱۵۴/۳ به نقل از مسند ابن حنبل .
- ۲۰۵- ماز الشیء: جاء و ذهب (النهاية: ۳۷۱/۴).
- ۲۰۶- کنز العمال: ۹۰۲۵/۸۸۳/۳ به نقل از دیلمی و تاریخ ابن عساکر، المعجم الكبير: ۵۸۶۷/۱۶۴/۶، المعجم الاءوسط: ۴۹۱۵/۱۴۹/۵، الجعفریات: ۱۹۲، مستدرک الوسائل: ۱۳۱۵۶/۳۲۳/۱۱ به نقل از الجعفریات در دو کتاب اخیر از امام صادق از پدرانش عليه السلام از

رسول خدا ﷺ و در تمام کتابها تا (اذا فسد الناس ذكر شده است و رجوع کنید به مکارم الاخلاق: ۲/۳۴۵/۲۶۶۰.

۲۰۷- سنن الترمذی: ۵/۱۸/۲۶۳۰، کنز العمال: ۱/۲۳۸/۱۱۹۴ به نقل از سنن الترمذی .

۲۰۸- النزاع: جمع نازع و نزيع - و هو غريب -، نزع عن اهله: بعد و غاب (مجمع البحرين: ۳۹۶/).

۲۰۹- سنن ابن ماجة: ۲/۱۳۲۰/۳۹۸۸، سنن الدارمی: ۲/۷۶۷/۲۶۵۳، مسند ابن حنبل: ۲/۵۶/۳۷۸۴، عوالی اللالی: ۱/۱۰۱/۲۷.

۲۱۰- سوره مؤمنون: آیه ۱.

۲۱۱- الکافی: ۱/۳۹۱/۵، بشارة المصطفی: ۱۱۹، المحاسن: ۱/۴۲۳/۹۷۰، بحار الانوار: ۲/۸۴/۲۰۴ به نقل از المحاسن .

۲۱۲- شرح نهج البلاغة لابن ابي الحديد: ۶/۲۳۵.

۲۱۳- النومة: الخامل الذكر الغامض فی الناس (مجمع البحرين: ۶/۱۸۱).

۲۱۴- الزهد للحسين بن سعيد: ۴/۲، التحصين: ۱۸، بحار الانوار: ۷۰/۱۱۰/۱۰ به نقل از الزهد .

۲۱۵- معانی الاءخبار: ۸/۳۸۰، مشکاة الاءنوار: ۲۱۰، الخصال: ۲۷/۹۸ با کمی اختلاف در ذیل روایت، بحار الانوار: ۶۹/۲۷۲/۵ به نقل از معانی الاءخبار .

۲۱۶- لا یؤ به له: ای لا يحتفل به لحقارته (النهاية: ۱/۱۸).

۲۱۷- البذر: جمع بذور، يقال: بذرت الكلام بين الناس: اءفشيتہ و فرقته، و البذر يفشى السر و يظهر ماسمعه (مجمع البحرين: ۳/۲۱۷).

۲۱۸- المذیاع: الذى لا یکتتم السر، و جمعه: مذایيع (مجمع البحرين: ۳/۳۲۸).

۲۱۹- الکافی: ۲/۱۲/۲۲۵ به نقل از امام صادق از امام علی عليه السلام، بحار الانوار: ۷۸/۷۲/۳۹ به نقل از ابو نعیم، المعجم الكبير: ۷/۱۱۰/۹۶۷۱، حلیة الاءولیاء: ۱/۷۶، تاریخ دمشق ترجمه الامام علی عليه السلام: ۳/۲۰۷/۱۲۶۳ در تمام کتابها با کمی اختلاف.

۲۲۰- تحف العقول: ۵۱۲، بحار الانوار: ۱۴/۳۱۶/۱۷ به نقل از تحف العقول .

۲۲۱- تحف العقول: ۲۱۷، مشکاة الانوار: ۱۸۰، بحار الانوار: ۷۸/۵۶/۱۱۲ به نقل از تحف العقول .

۲۲۲- اءمالی الطوسی: ۵۳۹/۱۱۶۲، نهج البلاغة: حکمت ۱۲۳، خصائص الاءئمة عليهم السلام: ۹۹، بحار الانوار ۶۹/۳۲۳/۳۷ به نقل از نهج البلاغة در هر سه کتاب به نقل از امام علی عليه السلام از

- رسول خدا ﷺ، مکارم الاءخلاق: ۲/۳۸۱/۲۶۶۱ و رجوع کنید به الکافی: ۸/۱۶۹/۱۹۰، السنن الكبرى: ۴/۳۰۶/۷۷۸۳، المعجم الكبير: ۵/۷۱/۴۶۱۶.
- ۲۲۳- من لا يحضره الفقيه: ۴/۴۰۵/۵۸۷۶، الخصال: ۴۷/۹۸، ثواب الاعمال: ۱/۲۱۲، امالی الصدوق: ۲/۳۲، تحف العقول: ۲۰۵، المحاسن: ۱/۶۵/۱۰، بحار الانوار: ۷۱/۲۷۵/۲ به نقل از امالی الصدوق در تمام کتابها به نقل از امام باقر از امام علی عليه السلام.
- ۲۲۴- تحف العقول: ۳۹۳ و ۵۰۱ به نقل از عیسی عليه السلام، بحار الانوار: ۱/۱۴۷/۳۰ به نقل از تحف العقول .
- ۲۲۵- الخصال: ۶۲/۲۹۵، الاختصاص: ۲۳۲، بحار الانوار: ۶/۱۰۹/۷۰ به نقل از الخصال در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدرانش از امام علی عليه السلام از عیسی عليه السلام، فقه الرضا عليه السلام: ۳۸۰ به نقل از العالم عليه السلام .
- ۲۲۶- نهج البلاغة: خطبه ۱۷۶، تفسیر القمی: ۷۱/۲، بحار الانوار: ۶۷/۳۵۰/۵۲ به نقل از نهج البلاغة، غررالحکم: ۴/۲۴۸/۵۹۷۸ و رجوع کنید ص ۲۴۰/۵۹۵۰.
- ۲۲۷- الکافی: ۸/۱۶۹/۱۹۰ به نقل از امام باقر عليه السلام از رسول خدا ﷺ و رجوع کنید به ارشاد القلوب: ۱۱۷ و تفسیر القمی: ۲/۷۰ و الفردوس بماء ثور الخطاب: ۲/۴۴۷/۳۹۲۹.
- ۲۲۸- مصباح الشریعة: ۴۵۷، بحار الانوار ۶/۱۳۳/۳۲ به نقل از مصباح الشریعة در هر دو کتاب به نقل از امام صادق عليه السلام از رسو خدا ﷺ.
- ۲۲۹- الکافی: ۸/۴۸/۸، بحار الانوار: ۷/۳۹/۷۷ به نقل از الکافی .
- ۲۳۰- حلیة الاولیاء: ۳/۳۲۱، کنز العمال: ۱۵/۸۲۷/۴۳۲۸۸ به نقل از حلیة الاولیاء .
- ۲۳۱- نوادر الراوندی: ۱۵، جامع الاحادیث للقمی: ۸۵، الجعفریات: ۱۸۳، بحار الانوار ۷۵/۲۹/۱۹ به نقل از نوادر الراوندی در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدرانش عليه السلام از رسول خدا ﷺ، نوادر الاصول: ۱/۳۸۴، الفردوس بماء ثور الخطاب: ۲/۳۴۸/۳۵۷۶، کنز العمال: ۱۰/۳۴۸/۲۹۳۲۷.
- ۲۳۲- شعب الایمان: ۴/۳۹۲/۵۵۱۳، کنز العمال: ۱۶/۲۳۳/۴۴۲۸۱ به نقل از شعب الایمان .
- ۲۳۳- الکافی: ۲/۱۴۴/۱، الاختصاص: ۲۲۸، بحار الانوار: ۶۹/۴۰۰/۹۴ به نقل از الاختصاص در هر دو کتاب به نقل از امام سجاد عليه السلام از رسول خدا ﷺ.
- ۲۳۴- عزلت به معنای گوشه نشینی و کناره گیری از اجتماع می باشد. در اسلام گوشه نشینی بطور مطلق پسندیده و ممدوح نیست بلکه کناره گیری از انسانهای شرور و افراد فاسد توصیه شده

است، همانگونه که رسول اکرم ﷺ می فرماید: الوحدة خیر من قرین السوء تنهایی و گوشه گیری بهتر از همراه بد داشتن است (اعلام الدین: ۲۹۴).

- ۲۳۵- مصباح الشریعة: ۱۵۷، بحار الانوار: ۹/۱۱۰/۷۰ به نقل از مصباح الشریعة .
- ۲۳۶- نهج البلاغة: خطبه ۱۷۶، تفسیر القمی: ۷۱/۲، المحاسن: ۵/۶۳/۱، بحار الانوار: ۶/۷/۷۰ به نقل از المحاسن در هر دو کتاب به نقل از امام صادق از امام علی علیه السلام.
- ۲۳۷- تحف العقول: ۳۹۳، بحار الانوار: ۳۰/۱۴۷/۱ به نقل از تحف العقول .
- ۲۳۸- تحف العقول: ۵۰۱، بحار الانوار ۱۷/۳۰۴/۱۴ به نقل از تحف العقول .
- ۲۳۹- غل یغل: اذ کان ذا صغن و غش و حقد (مجمع البحرین: ۴۳۶/۵).
- ۲۴۰- غررالحکم: ۵۹۴۱/۲۳۹/۴.
- ۲۴۱- تحف العقول: ۵۰۱، بحار الانوار ۱۷/۳۰۴/۱۴ به نقل از تحف العقول .
- ۲۴۲- تحف العقول: ۱۹، بحار الانوار: ۱۱/۱۱۹/۱ به نقل از تحف العقول .
- ۲۴۳- غررالحکم: ۵۹۵۲/۲۴۱/۴.
- ۲۴۴- غررالحکم: ۵۹۵۳/۲۴۱/۴.
- ۲۴۵- غررالحکم: ۵۹۵۱/۲۴۱/۴، الاءبلاس: الحیرة (مجمع البحرین: ۵۴/۴).
- ۲۴۶- غررالحکم: ۵۹۷۱/۲۴۵/۴.
- ۲۴۷- غررالحکم: ۵۹۵۹/۲۴۲/۴.
- ۲۴۸- مصباح الشریعة: ۴۴۱، بحار الانوار: ۱۵/۶۹/۷۰ به نقل از مصباح الشریعة .
- ۲۴۹- شعب الایمان: ۷۲۸۷/۴۶۰/۵، البدایة و النهایة: ۸۹/۲.
- ۲۵۰- الاجتناء: اخذک اياه (لسان العرب: ۱۵۶/۱۴).
- ۲۵۱- تحف العقول: ۱۷، بحار الانوار: ۱۱/۱۱۸/۱ به نقل از تحف العقول .
- ۲۵۲- غررالحکم: ۵۹۳۹/۲۳۸/۴.
- ۲۵۳- غررالحکم: ۵۹۵۹/۲۴۲/۴.
- ۲۵۴- الخصال: ۵۶/۴۸۳، الکافی: ۳۰/۲۳۹/۲، اءمالی الصدوق: ۷/۱۸۳، صفات الشیعة: ۶۶/۱۲۶، بحار الانوار: ۱۱/۲۸۹/۹۷ به نقل از اءمالی الصدوق در تمام کتابها از امام صادق از پدرانش از امام علی علیه السلام و لاءهل الدین بجای لاءهل التقوی ذکر شده است، تفسیر العیاشی: ۵۰/۲۱۳/۲ در تمام کتابها با کمی اختلاف.
- ۲۵۵- اءعلام الدین: ۳۴۳، بحار الانوار: ۱۸۶/۷۷ به نقل از اعلام الدین .
- ۲۵۶- غررالحکم: ۵۹۶۷/۲۴۴/۴.

- ۲۵۷- العمش فی العین: ضعف الرؤیة مع سیلان دمعها فی اکثر اوقاتھا (مجمع البحرین: ۱۴۳/۴).
- ۲۵۸- سورة فتح: آیه ۲۹.
- ۲۵۹- سورة حشر: آیه ۹.
- ۲۶۰- الكدر: خلاف الصحو (مجمع البحرین: ۴۷۱/۳).
- ۲۶۱- النبذ: الطرح (مجمع البحرین: ۱۸۸/۳).
- ۲۶۲- الوکاء: خیط یشد به السرہ و الکیس و القریة و نحوھا (مجمع البحرین: ۴۵۳/۱).
- ۲۶۳- اصول الستة عشر: ۶.
- ۲۶۴- عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ: ۲/۵۶/۲۰۶، اءمالی الصدوق: ۵/۳۷۰، بحار الانوار ۱/۶۳/۱۱ به نقل از هر دو کتاب.
- ۲۶۵- الکافی: ۱۹۰/۱۶۹/۸، بحار الانوار ۴۲/۱۳۲/۷۷ به نقل از الکافی در هر دو کتاب به نقل از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، تحف العقول: ۳۰.
- ۲۶۶- غررالحکم: ۵۹۷۹/۲۴۸/۴.
- ۲۶۷- غررالحکم: ۵۹۴۳/۲۳۹/۴.
- ۲۶۸- الوجل: الخوف (مجمع البحرین: ۴۹۰/۵).
- ۲۶۹- غررالحکم: ۵۹۷۶/۲۴۷/۴.
- ۲۷۰- غررالحکم: ۵۹۳۸/۲۳۸/۴.
- ۲۷۱- المناقب لابن شهر آشوب: ۶۹/۴.
- ۲۷۲- تحف العقول: ۲۷۶، بحار الانوار: ۲/۱۳۳/۷۸ به نقل از تحف العقول .
- ۲۷۳- الکافی: ۱۹۰/۱۶۹/۸، بحار الانوار: ۴۲/۱۳۲/۷۷ به نقل از الکافی در هر دو کتاب به نقل از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، تحف العقول: ۳۰.
- ۲۷۴- الدثار: الذی فوق الشعار، و الشعار: الثوب الذی یلی الجسد (مجمع البحرین: ۲۹۹/۳).
- ۲۷۵- الخصال: ۴/۳۳۷، نهج البلاغة: حکمت ۱۰۴، اءمالی المفید: ۱/۱۳۲، اءمالی الطوسی: ۱۱۶۲/۵۳۲ بدون ذکر علی منهاج عیسی بن مریم، بحار الانوار: ۳۱۵/۵۰، ۱۳ به نقل از مروج الذهب، شعب الایمان: ۱۰۶۲۵/۳۷۲/۷، تاریخ بغداد: ۱۶۲/۷.
- ۲۷۶- الفردوس بماء ثور الخطاب: ۸۳۹۲/۳۴۷/۵، کنز العمال: ۸۵۹۵/۷۲۸/۳ به نقل از الفردوس بماء ثور الخطاب .
- ۲۷۷- تنبیه الخواطر: ۱۱۵/۲، بحار الانوار: ۵۹/۳۲۹/۱۴ به نقل از تنبیه الخواطر .

- ۲۷۸- غررالحکم: ۵۹۷۳/۲۴۶/۴.
- ۲۷۹- مسکن الفؤاد: ۹۵، بحار الانوار: ۴۳/۹۱/۸۲ به نقل از مسکن الفؤاد، الفردوس بمآثور الخطاب: ۳۹۴۵/۴۵۱/۲، کنز العمال: ۳۷۳۵۸/۵۲۵/۱۳ به نقل از الفردوس بمآثور الخطاب.
- ۲۸۰- بحار الانوار: ۱۷/۳۰۴/۱۴ به نقل از تحف العقول، تحف العقول: ۵۰۱ و در آن یسقون به جای یسبقون ذکر شده است.
- ۲۸۱- تاریخ یعقوبی: ۷۰/۱.
- ۲۸۲- اعلام الدین: ۳۴۳، بحار الانوار: ۱۸۶/۷۷ به نقل از اعلام الدین .
- ۲۸۳- اءماط الاءذی: اءبعده و نجاه و اءزاله و اذهبہ (مجمع البحرین: ۲۷۴/۴).
- ۲۸۴- الحوبة: الخطیئة (مجمع البحرین: ۴۷/۲).
- ۲۸۵- نهج البلاغة: خطبه ۲۱۴، بحار الانوار: ۳۲/۳۱۱/۶۹ به نقل از نهج البلاغة .
- ۲۸۶- غررالحکم: ۵۹۴۷/۲۴۰/۴، مستدرک الوسائل: ۱۳۶۷۴/۱۱۸/۱۲ به نقل از غررالحکم .
- ۲۸۷- ثواب الاعمال: ۵/۱۹۷، مکارم الاخلاق: ۲۲۵۰/۹۰/۲، جامع الاخبار: ۳۲۱/۱۴۶/، محاسبة النفس: ۱۵، بحار الانوار: ۲۶/۳۲۹/۵ به نقل از محاسبة النفس در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدراناش از رسول خدا ﷺ و رجوع کنید به سنن ابن ماجة: ۱۲۵۴/۲.
- ۲۸۸- مستدرک الوسائل: ۱۳۶۹۳/۱۲۴/۱۲ به نقل از تفسیر مجمع البیان و لیکن در نسخه موجود تفسیر مجمع البیان یافت نشد.
- ۲۸۹- ثواب الاعمال: ۲/۲۰۰، امالی المفید: ۶۷، جامع الاخبار: ۲۶۶/۲۶۰، بحار الانوار ۱۵/۳۳۱/۹۳، در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدراناش: از رسول خدا ﷺ، جامع الاحادیث للقمی: ۹۷، تحف العقول: ۸.
- ۲۹۰- ثواب الاعمال: ۲/۲۰۰، امالی المفید: ۶۷، جامع الاخبار: ۲۶۶/۲۶۰، بحار الانوار: ۱۵/۳۳۱/۹۳، در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدراناش از رسول خدا ﷺ، جامع الاحادیث للقمی: ۹۷، تحف العقول: ۸.
- ۲۹۱- من لا یحضره الفقیه: ۵۸۷۶/۴۰۵/۴، نهج البلاغة: خطبه ۱۷۶، الخصال: ۴۷/۹۸، بحار الانوار ۲۳/۳۱۹/۱۴ به نقل از الخصال در تمام کتابها به نقل از امام باقر از امام علی علیه السلام . المعجم الاءوسط: ۲۳۴۰/۲۱/۳، الزهد لابن حنبل: ۷۲ به نقل از عیسی علیه السلام، کنز العمال: ۴۳۲۸۹/۸۲۷/۱۵ به نقل از المعجم الاءوسط .
- ۲۹۲- تحف العقول: ۵۰۱، بحار الانوار: ۱۷/۳۰۴/۱۴ به نقل از تحف العقول .
- ۲۹۳- غررالحکم: ۵۹۳۷/۲۳۸/۴.

۲۹۴- شعب الایمان: ۶۸۶۱/۳۴۳/۵، حلیة الاءولیاء: ۱۶/۱، کنز العمال: ۵۲۶۸/۲۴/۳ به نقل از حلیة الاءولیاء .

۲۹۵- تحف العقول: ۹۱ و ۱۰۰، غررالحکم: ۵۹۶۴/۲۴۳/۴ با کمی اختلاف، بحار الانوار ۱/۲۸۹/۷۷ به نقل از تحف العقول .

۲۹۶- الکافی: ۳/۱۶/۲، بحار الانوار: ۵/۲۲۹/۷۰ به نقل از الکافی در هر دو کتاب به نقل از امام رضا از امام علی علیه السلام.

۲۹۷- غررالحکم: ۵۹۷۰/۲۴۵/۴.

۲۹۸- غررالحکم: ۵۹۴۹/۲۴۰/۴.

۲۹۹- الکافی: ۱۹۰/۱۶۹/۸، تحف العقول: ۳۰، بحار الانوار: ۳۲/۱۲۵/۷۷ به نقل از تحف العقول .

۳۰۰- اءمالی الطوسی: ۱۱۶۲/۵۳۹، تنبیه الخواطر: ۶۶/۲، تفسیر القمی: ۷۰/۲ به نقل از امام علی علیه السلام، بحار الانوار: ۳/۷۴/۷۷ به نقل از مکارم الاخلاق و لیکن در نسخه موجود مکارم الاخلاق یافت نشد، السنن الکبری: ۷۷۸۳/۳۰۶/۴، المعجم الکبیر: ۴۴۱۶/۷۱/۵.

۳۰۱- نهج البلاغة: حکمت ۱۲۳، خصائص الاءئمة: ۹۹، تفسیر القمی: ۷۰/۲، غررالحکم: ۵۹۶۶/۲۴۴/۴، بحار الانوار: ۱۱/۳۶۵/۷۱ به نقل از تفسیر القمی .

۳۰۲- تنبیه الخواطر: ۱۹۸/۱.

۳۰۳- تفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام: ۳۷۱/۶۵۰، بحار الانوار: ۱۱۱/۱۶۶/۸ به نقل از التفسیر المنسوب....

۳۰۴- اقبال الاعمال: ۱۷۴/۳، بحار الانوار: ۱/۳۷۷/۹۸ به نقل از اقبال الاعمال .

۳۰۵- نهج البلاغة: خطبه ۱۷۶، تفسیر القمی: ۷۱/۲، المحاسن: ۵/۶۳/۱، بحار الانوار: ۶/۷/۷۰ به نقل از المحاسن در دو کتاب اخیر به نقل از امام صادق از پدراناش از امام علی علیه السلام.

۳۰۶- غررالحکم: ۵۹۴۰/۲۳۸/۴.

۳۰۷- غررالحکم: ۵۹۴۶/۲۴۰/۴.

۳۰۸- غررالحکم: ۵۹۶۶/۲۴۴/۴.

۳۰۹- غررالحکم: ۵۹۴۳/۲۳۹/۴.

۳۱۰- غررالحکم: ۵۹۷۸/۲۴۸/۴.

۳۱۱- غررالحکم: ۵۹۸۲/۲۴۸/۴.

- ۳۱۲- بحار الانوار: ۴۵۷/۹۵.
- ۳۱۳- قرن الشمس: اءعلاها و اول ما يبدو منها فى الطلوع (مجمع البحرين: ۲۹۹/۶).
- ۳۱۴- الخصال: ۱/۵۶۵، تحف العقول: ۲۵۵، بحار الانوار: ۱/۳/۷۴ به نقل از الخصال .
- ۳۱۵- العری: جمع عروءة، و عروءة الدلو و الكوز و نحوه: مقبضه (مجمع البحرين: ۲۸۸/۱، لسان العرب: ۴۵/۱۵).
- ۳۱۶- تحف العقول: ۱۸، بحار الانوار: ۱۱/۱۱۹/۱ به نقل از تحف العقول .
- ۳۱۷- نهج البلاغة: نامه ۴۵، غررالحکم ۵۹۸۱/۲۴۸/۴ و در آن عرکت نقل نشده، بحار الانوار: ۲۷/۳۴۲/۴۰ به نقل از نهج البلاغة .
- ۳۱۸- غررالحکم: ۵۹۷۶/۲۴۷/۴.
- ۳۱۹- الکافی: ۱۹۰/۱۶۹/۸ به نقل از امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله، تحف العقول: ۳۰، بحار الانوار: ۳۲/۱۲۵/۷۷ به نقل از تحف العقول .
- ۳۲۰- الکافی: ۱/۱۴۴/۲، الاختصاص: ۲۲۸، بحار الانوار ۹۳/۴۰۰/۶۲ به نقل از الاختصاص در تمام کتابها از امام سجاد عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله و رجوع کنید به نهج البلاغة: حکمت ۱۲۳ و تحف العقول: ۳۰ و جامع الاحادیث للقمی: ۹۷ و المعجم الکبیر: ۴۶۱۶/۷۲/۵.
- ۳۲۱- بحار الانوار: ۸/۳۹/۷۷ به نقل از سعد السعود، سعد السعود: ۵۰ و در آن الوسخ ينقطع... ذکر شده است.
- ۳۲۲- سوره رعد: آیه ۲۹.
- ۳۲۳- من لا يحضره الفقيه: ۶۳۳/۲۰۹/۱، اءمالی الصدوق: ۱/۴۶۱، فلاح السائل: ۹۶ در هر دو کتاب به نقل از امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله، روضة الواعظین: ۳۴۸ و ۳۶۰، بحار الانوار: ۱/۲۶/۸۳ به نقل از اءمالی الصدوق .
- ۳۲۴- سنن ابن ماجة: ۲۳۸/۸۷/۱، المعجم الکبیر: ۵۸۱۲/۱۵۰/۶ با کمی اختلاف.
- ۳۲۵- از ظاهر حدیث چنین استفاده می شود که خداوند تبارک و تعالی جمعی را کلید شر و بدی قرار می دهد و آنان هیچ اراده ای از خود ندارند، و لیکن با مراجعه به آیات قرآن، این معنا فهمیده نمی شود؛ چرا که خداوند تبارک و تعالی در آیه ۲۷ از سوره رعد می فرماید: یهدی الیه من اءناب (خداوند هدایت می کند به سوی خود، هر که را که به سوی او بازگشت کند). بنابراین هر کس خود بخواهد که کلید شر باشد، خداوند او را چنین قرار می دهد (رجوع کنید به تفسیر المیزان: ۳۵۳/۱۱).

- ۳۲۶- سنن ابن ماجه: ۲۳۷/۸۶/۱، شعب الايمان: ۶۹۸/۴۵۵/۱، كنز العمال: ۴۴۰/۱ و ۱۵۴/۱ و المحاسن: ۴۴۰/۱.
- ۳۲۷- غررالحكم: ۵۹۶۱/۲۴۳/۴.
- ۳۲۸- غررالحكم: ۵۹۷۱/۲۴۵/۴.
- ۳۲۹- تحف العقول: ۵۰۱.
- ۳۳۰- غررالحكم: ۵۹۷۰/۲۴۵/۴.
- ۳۳۱- غررالحكم: ۵۹۴۵/۲۳۹/۴.
- ۳۳۲- غررالحكم: ۵۹۶۹/۲۴۵/۴.
- ۳۳۳- غررالحكم: ۵۹۶۷/۲۴۴/۴.
- ۳۳۴- المطا: الظهر و منه قيل للبعير مطية لانه يركب مطاه (مجمع البحرين: ۳۹۵).
- ۳۳۵- غررالحكم: ۵۹۶۷/۲۴۴/۴.
- ۳۳۶- امالى الصدوق: ۱/۴۱۷، الكافي: ۱۰۳/۱۳۲/۸ و در آن على بن اسباط از يکى از معصومان، بحار الانوار: ۱۴/۲۹۰/۱۴ به نقل از الكافي البداية و النهاية: ۷۹/۲ و در آن خاشعا صابرا محتسبا ذکر شده است.
- ۳۳۷- تحف العقول: ۱۷، بحار الانوار: ۱۱/۱۱۸/۱ به نقل از تحف العقول .
- ۳۳۸- نوادر الراوندى: ۱۵، جامع الاحاديث للقمى: ۸۵، الجعفریات: ۱۸۳، بحار الانوار: ۱۹/۲۹/۷۵ به نقل از نوادر الراوندى در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدراناش از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، نوادر الاصول: ۳۸۴/۱، الفردوس بماء ثور الخطاب: ۳۵۷۶/۳۴۸/۲.
- ۳۳۹- غررالحكم: ۵۹۴۴/۲۳۹/۴؛ الزدى: الهلاك و اءرداكم: اءهلككم (مجمع البحرين: ۱۸۱/۱).
- ۳۴۰- نهج البلاغة: خطبه ۲۱۴، مختصر بصائر الدرجات: ۱۹۷ به همراه اضافاتى در متن روايت، بحار الانوار: ۳۲/۳۱۱/۶۹ به نقل از نهج البلاغة .
- ۳۴۱- غررالحكم: ۵۹۴۸/۲۴۰/۴؛ المهمل: التؤدة و التباطؤ و الاسم: المهلة (النهاية: ۳۷۵/۴).
- ۳۴۲- غررالحكم: ۵۹۷۶/۲۴۷/۴ و ص ۵۹۷۱/۲۴۵.
- ۳۴۳- الخصال: ۱۳/۶۳۸، امالى الصدوق: ۱/۲۵۲ و در آن فقط طوبى لمتحابين فى الله ذكر شده است، روضة الواعظيين: ۴۵۷، بحار الانوار: ۱/۸۳/۱۸ به نقل از الخصال در تمام کتابها به نقل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، المحاسن: ۳۴۶/۴۱۳/۱ به نقل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام .
- ۳۴۴- تحات الشىء: تتاثر (لسان العرب: ۲۲/۲).

- ۳۴۵- تفسیر العیاشی: ۴۹/۲۱۲/۲، بحار الانوار: ۱۵/۴۱/۷۶ به نقل از تفسیر العیاشی .
- ۳۴۶- الخصال ۲/۲، ثواب الاعمال: ۱/۲۱۱، امالی المفید: ۱۱/۵۱، الاختصاص: ۲۳۳ در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، تحف العقول: ۴۹، تنبیه الخواطر: ۹۶/۱ به نقل از عیسی علیه السلام، بحار الانوار: ۴۶/۳۲۷/۱۴ به نقل از تحف العقول .
- ۳۴۷- اعلام الدین: ۳۴۳، بحار الانوار: ۱۸۶/۷۷ به نقل از اعلام الدین .
- ۳۴۸- امالی المفید: ۶۳/۲۰۸، بحار الانوار: ۳۸/۳۲۵/۱۴ به نقل از امالی المفید .
- ۳۴۹- تحف العقول: ۳۰۵ و ۵۰۲ به نقل از عیسی علیه السلام، بحار الانوار: ۱۷/۳۰۶/۱۴ به نقل از تحف العقول .
- ۳۵۰- شعب الایمان: ۵۵۱۳/۳۹۲/۴، کنز العمال: ۴۴۲۸۱/۲۳۳/۱۶ به نقل از شعب الایمان .
- ۳۵۱- المعجم الاءوسط: ۲۳۴۰/۲۱/۳، المعجم الصغیر: ۷۸/۱، الزهد لابن حنبل: ۷۲ به نقل از عیسی علیه السلام، کنز العمال: ۴۳۲۸۹/۸۲۷/۱۵ به نقل از المعجم الاءوسط .
- ۳۵۲- الکافی: ۱/۱۴۴/۲، امالی الطوسی: ۱۱۶۲/۵۳۹ در هر دو کتاب به نقل از امام سجاد علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، نهج البلاغة: حکمت ۱۲۳ به نقل از امام علی علیه السلام، تحف العقول: ۳۰، بحار الانوار: ۳۲/۱۲۵/۷۷ به نقل از تحف العقول، السنن الكبرى: ۷۷۸۳/۳۰۶/۴، المعجم الكبير: ۴۶۱۵/۷۱/۵.
- ۳۵۳- من لا یحضره الفقیه: ۵۸۷۶/۴۰۵/۴، الخصال: ۴۷/۹۸، ثواب الاعمال: ۱/۲۱۲، امالی الصدوق ۲/۳۲، تحف العقول: ۲۰۵، المحاسن: ۱۰/۶۵/۱، بحار الانوار ۲/۲۷۵/۷۱ به نقل از امالی الصدوق در تمام کتابها به نقل از امام باقر از امام علی علیه السلام .
- ۳۵۴- مصباح الشریعة: ۱۷۶، بحار الانوار: ۳۸/۲۸۴/۷۱ به نقل از مصباح الشریعة .
- ۳۵۵- تحف العقول: ۵۱۲، بحار الانوار: ۱۷/۳۱۶/۱۴ به نقل از تحف العقول .
- ۳۵۶- الزهد لابن حنبل: ۷۲، البدایة و النهایة: ۸۹/۲.
- ۳۵۷- غررالحکم: ۵۹۳۶/۲۳۸/۴.
- ۳۵۸- نوادر الراوندی: ۴، جامع الاحادیث للقمی: ۹۶، بحار الانوار: ۲۷/۶۷/۷۲ به نقل از نوادر الراوندی به نقل از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم .
- ۳۵۹- تحف العقول: ۵۰۱، بحار الانوار: ۱۷/۳۰۴/۱۴ به نقل از تحف العقول .
- ۳۶۰- ملح الشیء: بهج و حسن فهو ملیح و ملیحة و الجمع ملاح (مجمع البحرین: ۴۱۵/۲) و الملح: العلماء (لسان العرب: ۶۰۲/۲).
- ۳۶۱- تاریخ یعقوبی: ۷۰/۱.

- ۳۶۲- سنن الترمذی: ۲۳۴۹/۵۷۶/۴، مسند ابن حنبل: ۲۳۹۹۹/۲۴۶/۹، صحیح ابن حبان: ۷۰۵/۴۸۱/۲، المستدرک علی الصحیحین: ۹۸/۹۰/۱، المعجم الکبیر: ۷۸۶/۳۰۵/۱۸، مستدرک الوسائل: ۱۸۰۹۲/۲۳۱/۱۵ به نقل از کتاب لب الالباب .
- ۳۶۳- غررالحکم: ۵۹۵۶/۲۴۲/۴.
- ۳۶۴- الدیوان المنسوب الی الامام علی علیه السلام: ۱۵۲۶/۴۱۲، بحار الانوار: ۹۰/۴۴۰/۳۴ به نقل از الدیوان المنسوب....
- ۳۶۵- غررالحکم: ۵۹۶۶/۲۴۴/۴.
- ۳۶۶- نهج البلاغة: خطبه ۱۷۶، تفسیر القمی: ۷۱/۲، المحاسن: ۵/۶۳/۱، بحار الانوار: ۴/۱۰۹/۷۰ به نقل از تفسیر القمی در تمام کتابها قوته به جای کسرتنه ذکر شده است.
- ۳۶۷- نزهة الناظر: ۷/۱۲۸، بحار الانوار: ۹/۳۵۳/۷۸ به نقل از نزهة الناظر .
- ۳۶۸- مستدرک الوسائل: ۱۹۶۴۴/۲۱۸/۱۶ به نقل از لب الالباب .
- ۳۶۹- اءمالی المفید: ۱/۲۵۲، اءمالی الطوسی: ۲۵/۲۱، بحار الانوار: ۵۴/۴۶/۷۱ به نقل از اءمالی المفید .
- ۳۷۰- تحف العقول: ۱۷، بحار الانوار: ۱۱/۱۱۸/۱ به نقل از تحف العقول .
- ۳۷۱- الکافی: ۳/۱۶/۲، بحار الانوار: ۵/۲۲۹/۷۰ به نقل از الکافی در هر دو کتاب به نقل از امام رضا از امام علی علیه السلام .
- ۳۷۲- تحف العقول: ۳۰۱، بحار الانوار: ۱/۲۷۹/۷۸ به نقل از تحف العقول .
- ۳۷۳- کضم غیظه کزما، تجرعه و حبسه و هو قادر علی امضائه (مجمع البحرین: ۱۵۴/۶).
- ۳۷۴- غررالحکم: ۵۹۵۳/۲۴۱/۴.
- ۳۷۵- الشرة: الحرص علی الشیء و النشاط له و الراغبة فیه (مجمع البحرین: ۳۴۵/۳).
- ۳۷۶- الفترة: الانکسار و الضعف (مجمع البحرین: ۴۳۴/۳).
- ۳۷۷- الکافی: ۲/۸۶/۲، بحار الانوار: ۲/۲۱۱/۷۱ به نقل از الکافی .
- ۳۷۸- من لا یحضره الفقیه: ۵۸۴۶/۳۹۶/۴، اءمالی الصدوق: ۸/۵۵، جامع الاحادیث للقمی: ۹۸، روضة الواعظین: ۵۲۱، بحار الانوار: ۷۷، ۱۱۳، ۳ به نقل از اءمالی الصدوق از امام صادق از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، حلیة الاءولیاء: ۱۱۱/۶، الفردوس بماء ثور الخطاب: ۳۹۲۵/۴۴۵/۲.
- ۳۷۹- کنز العمال: ۲۹۳۲۹/۲۴۸/۱۰ به نقل از الفردوس بماء ثور الخطاب و لیکن در نسخه موجود الفردوس بماء ثور الخطاب یافت نشد.

- ۳۸۰- مستدرک الوسائل: ۲۱۴۰۶/۳۰۱/۱۷ به نقل از المجموع الرائق .
- ۳۸۱- جامع الاءخبار: ۱۹۷/۱۱۴، بحار الانوار ۱۸/۱۹/۹۲ به نقل از جامع الاءخبار .
- ۳۸۲- جامع الاءخبار: ۱۹۵/۱۱۰.
- ۳۸۳- الفردوس بماءثور الخطاب: ۳۹۳۲/۴۴۸/۲، الجامع الصغير: ۵۳۱۱/۱۳۸/۲، كنز العمال: ۲۲۹۸/۵۱۵/۲ به نقل از الفردوس بماءثور الخطاب .
- ۳۸۴- نوادر الاصل: ۲۴۷/۱، كنز العمال: ۳۷۸۶۵/۳۴/۱۴ به نقل از ديلمى، تفسير القمى: ۱۶۳/۲، قصص الاءنباء: ۲۴۱/۱۹۱، بحار الانوار: ۲/۴۱۱/۱۳ به نقل از التفسير القمى در كتابهاى شيعه به نقل از امام صادق عليه السلام .
- ۳۸۵- اءمالى الطوسى: ۱۰۶۹/۴۸۸، منية المرید: ۱۰۹، بحار الانوار: ۲۴/۱۷۱/۱ به نقل از اءمالى الطوسى در تمام كتابها به نقل از امام صادق از پدراناش **عليهم السلام** از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم .
- ۳۸۶- هان على الشىء: خوف، و شىء هين: سهل (مجمع البحرين: ۳۳۰/۶).
- ۳۸۷- قضيا: بعيدا (مجمع البحرين ۱/۳۴۰).
- ۳۸۸- الصلفاء: المكان الغليظ الجلد، و الصلفة: الاءرض التى لا تنبت شيئا (لسان العرب: ۱۹۷/۹).
- ۳۸۹- تحف العقول: ۱۶، بحار الانوار: ۱۱/۱۱۸/۱ به نقل از تحف العقول .
- ۳۹۰- حلية الاءولياء: ۲۲۱/۳.
- ۳۹۱- غررالحكم: ۱۰۰۸۹/۲۲۷/۶.
- ۳۹۲- معانى الاءخبار: ۴/۳۵، تنبيه الخواطر: ۹۸/۲، التفسير المنسوب الى الامام العسكرى عليه السلام: ۲۱/۴۷، بحار الانوار: ۱۱/۲۲۲/۲۷ به نقل از التفسير المنسوب....
- ۳۹۳- الاحتجاج: ۳۱۶/۴۵۷/۲، التفسير المنسوب الى الامام العسكرى عليه السلام: ۲۳۶/۳۵۰، بحار الانوار: ۲۱/۱۱/۲ به نقل از هر دو كتاب.
- ۳۹۴- اءمالى الطوسى: ۱۱۶۳/۵۳۹، تنبيه الخواطر: ۶۶/۲، بحار الانوار: ۳/۹۱/۷۷ به نقل از مكارم الاخلاق، السنن الكبرى: ۷۷۸۳/۳۰۶/۴، المعجم الكبير: ۴۶۱۵/۷۱/۵ و ۴۶۱۶، كنز العمال: ۴۳۵۸۲/۹۱۷/۱۵ به نقل از السنن الكبرى .
- ۳۹۵- تحف العقول: ۳۹۲، بحار الانوار ۳۰/۱۴۶/۱ به نقل از تحف العقول .
- ۳۹۶- ارشاد القلوب: ۱۶۶.
- ۳۹۷- تحف العقول: ۵۱۲، بحار الانوار: ۱۷/۳۱۶/۱۴ به نقل از تحف العقول .

۳۹۸- همان.

۳۹۹- تحف العقول: ۵۱۲، بحار الانوار: ۱۷/۳۱۷/۱۴ به نقل از تحف العقول .

۴۰۰- الکافی: ۱۹۰/۱۶۹/۸، تحف العقول: ۳۰، بحار الانوار: ۴۲/۱۳۱/۷۷ به نقل از الکافی .

۴۰۱- السنن الكبرى: ۷۷۸۳/۳۰۶/۴، حلیة الاءولیاء: ۲۰۳/۳ به نقل از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، نهج البلاغة: حکمت ۱۲۳، خصائص الائمة علیهم السلام: ۹۹، تفسیر القمی: ۷۱/۲ در تمام کتابها به نقل از امام علی علیه السلام، تحف العقول: ۳۰، بحار الانوار: ۳۲/۱۲۶/۷۷ به نقل از تحف العقول .

۴۰۲- شعب الایمان: ۵۵۱۳/۳۹۲/۴، کنز العمال: ۴۴۲۸۱/۲۳۳/۱۶ به نقل از شعب الایمان .

۴۰۳- روزی، اگر بدون قید آورده شود اعم از رزق اقتصادی است، پس روزی در حدیث مذکور شامل هر چیزی است که نصیب انسان شود و لیکن به علت نبودن عنوان بهتر، آن را مناسب عنوان کسب حلال دیدیم.

۴۰۴- کفاف مقداری از روزی را گویند که انسان با داشتن آن از دیگران بی نیاز شده و محتاج آنان نباشد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در دعائی می فرماید: ﴿اللَّهُمَّ ارزق محمدا و آل محمد و من اعحب محمدا و آل محمد العفاف و الکفاف، و ارزق من اءبغض محمدا و آل محمد المال و الولد﴾. بار خدایا! به محمد و آل محمد و هر که دوستدار محمد و آل محمد است کم خواهی و کفاف را روزی کن، و به دشمنان محمد و آل محمد مال و فرزند بسیار را روزی کن (الکافی: ۳/۱۴۰/۲ به نقل از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم).

۴۰۵- شعب الایمان: ۹۷۲۴/۱۲۵/۷، الفردوس بماء ثور الخطاب: ۳۹۲۴/۴۴۵/۲، کنز العمال:

۷۱۰/۳۹۲/۳، جامع الاءحادیث للقمی: ۹۷، بحار الانوار: ۲۹/۶۸/۷۲ به نقل از الامامة و التبصرة و لیکن در نسخه موجود الامامة و التبصرة یافت نشد، در دو کتاب اخیر به نقل از امام صادق از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

۴۰۶- الکافی: ۲/۱۴۰/۲، نوادر الراوندی: ۴، جامع الاءحادیث للقمی: ۹۶، بحار الانوار:

۲۷/۶۷/۷۲ به نقل از نوادر الراوندی، سنن الترمذی: ۲۳۴۹/۵۷۶/۴، المستدرک علی الصحیحین:

۹۸/۹۰/۱، مسند ابن حنبل: ۲۳۹۹۹/۲۴۶/۹ در کتابهای اهل سنت با کمی اختلاف.

۴۰۷- غررالحکم: ۵۹۵۷/۲۴۲/۴.

۴۰۸- المعجم الاءوسط: ۲۳۴۰/۲۱/۳، المعجم الصغیر: ۷۸/۱، کنز العمال: ۴۳۲۸۹/۸۲۷/۱۵

به نقل از المعجم الاءوسط، الزهد لابن حنبل: ۷۲ به نقل از عیسی، الخصال: ۶۲/۲۹۵.

- الاختصاص: ۲۳۱، بحار الانوار: ۲۳/۳۲۰/۱۴ به نقل از الخصال در تمام کتابهای شیعه به نقل از امام صادق از پدرانش از علی عليه السلام از عیسی عليه السلام.
- ۴۰۹- بحار الانوار: ۷/۳۴۳/۹۹، مستدرک الوسائل: ۷/۸۵۸۴/۴۲۰/۷ در هر دو کتاب به نقل از نوادر الراوندی و لیکن در نسخه موجود نوادر یافت نشد.
- ۴۱۰- الکافی: ۱/۱۴۴/۲، اءمالی الطوسی: ۱۱۶۲/۵۳۹، بحار الانوار: ۲۲/۲۹/۷۵ به نقل از الکافی در تمام کتابها به نقل از امام سجاد عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم، نهج البلاغة: حکمت: ۱۲۳ به نقل از امام علی عليه السلام، تحف العقول: ۳۰، السنن الكبرى: ۷۷۸۳/۳۰۶/۴، المعجم الكبير: ۴۶۱۵/۷۱/۵.
- ۴۱۱- الکافی: ۱۹۰/۱۶۹/۸، بحار الانوار ۴۲/۱۳۳/۷۷ به نقل از الکافی در هر دو کتاب به نقل از امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم، تحف العقول: ۳۰.
- ۴۱۲- امالی الطوسی: ۱۱۶۲/۵۳۹، تفسیر القمی: ۷۰/۲، بحار الانوار: ۴/۱۱۹/۷۵ به نقل از تفسیر القمی در هر دو کتاب به نقل از امام علی عليه السلام و رجوع کنید به الکافی: ۱۹۰/۱۶۹/۸ و تحف العقول: ۳۰، السنن الكبرى: ۷۷۸۳/۳۶۰/۴، المعجم الكبير: ۴۶۱۵/۷۱/۵.
- ۴۱۳- الکافی: ۱۹۰/۱۶۹/۸، بحار الانوار: ۴۲/۱۳۳/۷۷ به نقل از الکافی در هر دو کتاب به نقل از امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم، تحف العقول: ۳۰.
- ۴۱۴- الديوان المنسوب الی الامام علی عليه السلام: ۱۵۲۶/۴۱۲، بحار الانوار: ۹۰/۴۴۰/۳۴ به نقل از الديوان المنسوب....
- ۴۱۵- الکافی: ۱۳/۲۶۳/۲، جامع الاحادیث للقمی: ۹۶، الجعفریات: ۱۶۵، بحار الانوار: ۱۵/۱۵/۷۲ به نقل از الکافی در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدرانش عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم.
- ۴۱۶- طوی فهو طاو: خالی البطن جائع لم یاءکل (مجمع البحرین: ۲۷۹/۱).
- ۴۱۷- جامع الاحادیث للقمی: ۹۶، الجعفریات: ۱۶۵، بحار الانوار: ۱۷/۴۶۷/۷۵ به نقل از الامامة و التبصرة و لیکن در نسخه موجود الامامة و التبصرة یافت نشد، در تمام کتابها به نقل از امام صادق از پدرانش عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم.
- ۴۱۸- الفردوس بماءثور الخطاب: ۳۹۳۹/۴۴۹/۲، کنز العمال: ۵۹۴۶/۱۵۶/۳ به نقل از الامثال .
- ۴۱۹- الفردوس بماءثور الخطاب: ۳۹۳۸/۴۴۹/۲.

- ۴۲۰- تاریخ یعقوبی: ۷۰/۱ و رجوع کنید به تحف العقول: ۵۰۱، بحار الانوار: ۱۷/۳۰۴/۱۴ به نقل از تحف العقول .
- ۴۲۱- وقعة صفین: ۱۱۱، بحار الانوار: ۴۰۳/۲۹ به نقل از وقعة صفین، الدرجات الرفیعة: ۳۷۷.
- ۴۲۲- الفردوس بماء ثور الخطاب: ۴۳۰۵/۱۱۰/۳.
- ۴۲۳- دنس الثوب: توسخ (مجمع البحرین: ۷۱/۴).
- ۴۲۴- الساقیة: جمع سائق و هم الذین یسوقون جیش الغزاة و یكونون من وراثه یحفظونه (النهاية: ۴۲۴/۲).
- ۴۲۵- الفردوس بماء ثور الخطاب: ۳۹۴۲/۴۵۰/۲.
- ۴۲۶- صحیح البخاری: ۲۷۳۰/۱۰۵۷/۳، السنن الکبری: ۱۸۴۹۸/۲۶۸/۹، المعجم الاوسط: ۲۵۹۵/۹۴/۳، شعب الایمان: ۴۲۸۹/۴۱/۴، الفردوس بماء ثور الخطاب: ۳۹۴۱/۴۵۰/۲ با کمی اختلاف.
- ۴۲۷- الکافی: ۱۰۳/۱۳۹/۸.
- ۴۲۸- معانی الاخبار: ۱/۱۱۶، علل الشرائع: ۶/۱۶۵، بشارة المصطفی: ۲۱، تفسیر القمی: ۳۲۵/۲، بحار الانوار: ۲/۳۲۶/۷ به نقل از تفسیر القمی در هر دو کتاب به نقل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.
- ۴۲۹- معانی الاخبار: ۱/۵۱، الخصال: ۱/۴۲۵، علل الشرائع: ۳/۱۲۸، بحار الانوار: ۲۷/۹۲/۱۶ به نقل از هر سه کتاب.
- ۴۳۰- معانی الاخبار: ۱/۱۱۶، علل الشرائع: ۶/۱۶۵، بشارة المصطفی: ۲۱، تفسیر القمی: ۳۲۵/۲، بحار الانوار: ۲/۳۲۶/۷ به نقل از تفسیر القمی در هر دو کتاب به نقل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، بصائر الدرجات: ۱۱/۴۱۷، روضة الواعظین: ۱۲۸.
- ۴۳۱- المنکب: مجتمع راءس العضد و الکشف (مجمع البحرین: ۱۷۷/۲).
- ۴۳۲- سوره مائده: آیه ۳.
- ۴۳۳- تفسیر الفرات للکوفی: ۱۲۷/۱۲۰، بحار الانوار: ۸/۲۳۶/۷ به نقل از تفسیر الفرات للکوفی .
- ۴۳۴- مائة منقبة: ۵۳/۱۰۸.

- ۴۳۵- الخصال: ۶/۳۴۲، بحار الانوار: ۱/۳۰۵/۲۲ به نقل از الخصال، مسند الن حنبل: ۱۲۵۷۹/۳۱۰/۴ و ۱۶۷۳ و ۲۲۲۷۷ و رجوع کنيد به صحيح ابن حبان: ۷۲۳۰/۲۱۳/۱۶ و مسند ابي يعلى: ۱۳۶۹/۱۲۹/۲ و تاريخ بغداد: ۹۱/۴.
- ۴۳۶- اعمالي الصدوق: ۱۸/۳۲۷، اعمالي الطوسي: ۹۸۸/۴۴۰، كنز الفوائد: ۱۵۲/۲ از امام علي عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم، جامع الاءحاديث للقمي: ۹۷، بحار الانوار: ۱۱۲۰/۳۳۱/۳۴ به نقل از كنز الفوائد، تاريخ بغداد: ۴۹/۳ به نقل از امام علي عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم، الفردوس بماء ثور الخطاب: ۳۹۲۶/۴۴۵/۲.
- ۴۳۷- قصص الانبياء: ۳۴۵/۲۷۱، الخزائج و الجرائح: ۹۵۰/۲، الدر المنثور: ۶۴۵/۴ به نقل از ابن ابي حاتم و رجوع كنيد به اعمالي الصدوق: ۸/۲۲۴.
- ۴۳۸- الخشفة: احس و الحركة (النهاية: ۳۴/۲).
- ۴۳۹- كنز العمال: ۳۳۱۶۸/۶۵۵/۱۱ به نقل از حلية الاولياء و مسند الطاليسي .
- ۴۴۰- عيون اخبار الرضا عليه السلام: ۶۳/۳۰۳/۱، بشارة المصطفى: ۲۲۰ و ۱۲۵، بحار الانوار: ۲/۲۱۱/۳۹ به نقل از عيون الاخبار الرضا عليه السلام در تمام كتابها به نقل از امام رضا از پدراناش عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم.
- ۴۴۱- الجمل للمفيد: ۲۶۴.
- ۴۴۲- نهج البلاغة: حكمت ۲۸۶، غررالحكم: ۹۶۱۶/۸۴/۶، بحار الانوار: ۳۲/۲۷/۶۳ به نقل از نهج البلاغة .
- ۴۴۳- الكافي: ۱/۲۸۷/۲، مشكاة الانوار: ۱۵۵، بحار الانوار: ۲۹/۳۴۵/۷۳ به نقل از الكافي .
- ۴۴۴- ودع الرجل فهو وديع و وادع؛ اءى ساكن (مجمع البحرين: ۴۰۱/۴).
- ۴۴۵- بحار الانوار: ۴۷۰/۹۵.
- ۴۴۶- مسند ابن حنبل: ۱۱۶۷۳/۱۴۱/۴، كنز العمال: ۳۲۵۰۰/۵۳۵/۱۱ به نقل از ابن جرير و صحيح ابن حبان .
- ۴۴۷- تفسير الفرات للكوفي: ۲۰۸/۱، العمدة: ۶۷۳/۳۵۰، غاية المرام: ۳۹۱، بحار الانوار: ۱۰/۲۳۱/۳۹ به نقل از التفسير الفرات، كنز العمال: ۳۹۲۵۰/۴۵۷/۱۴ به نقل از ابن جرير .
- ۴۴۸- صوت جهورى: شديد عال (النهاية: ۳۲۱/۱).
- ۴۴۹- تفسير الفرات للكوفي: ۲۸۴/۲۱۰ به نقل از امام باقر از پدراناش از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم و رجوع كنيد به بحار الانوار: ۴۶/۳۱۴/۳۷ به نقل از كشف اليقين .

- ۴۵۰- اءمالى الصدوق: ۸/۲۲۴، كمال الدين: ۱۸/۱۶۰، اعلام الورى: ۱۳، الخرائج و الجرائح: ۱۰۶۴/۳، بحار الانوار ۶/۲۸۵/۱۴ به نقل از اءمالى الصدوق، البداية و النهاية: ۹۳/۲.
- ۴۵۱- تفسير الفرات للكوفى: ۲۸۰/۲۰۹، المناقب لابن شهر آشوب: ۲۳۴/۳، بحار الانوار: ۱۷/۷۰/۳۶ به نقل از الطرائف .
- ۴۵۲- تفسير الفرات للكوفى: ۲۸۳/۲۱۰ به نقل از امام صادق از پدرانئش از امام سجاد از رسول خدا ﷺ و رجوع كنيد به ص ۲۸۹/۲۱۶.
- ۴۵۳- عيون الاخبار الرضا عليه السلام: ۶۳/۳۰۴، بشارة المصطفى: ۲۲۱، بحار الانوار: ۱۰۱/۱۴۰/۳۴ به نقل از بشارة المصطفى در تمام كتابها از امام صادق از پدرانئش از پيامبر ﷺ.
- ۴۵۴- تفسير الفرات للكوفى: ۲۸۸/۲۱۶ به نقل از امام على عليه السلام از پيامبر ﷺ، الخصال: ۵۶/۴۸۴ با كمى اختلاف به نقل از امام صادق از پدرانئش از رسول خدا ﷺ و رجوع كنيد به الكافى: ۳۰/۲۳۹/۲.
- ۴۵۵- معانى الاءخبار: ۱/۱۱۲، كمال الدين: ۵۵/۳۵۸.
- ۴۵۶- تفسير القمى: ۲۲/۱ و ص ۳۶۵، اعلام الورى: ۱۵۰، بحار الانوار: ۱۰/۱۲۰/۸ به نقل از تفسير القمى و رجوع كنيد به تفسير الفرات للكوفى: ۲۸۶/۲۱۱، تاءويل الايات الظاهرة: ۱۵/۲۳۶/۱.
- ۴۵۷- الرق: الجلد الرقيق الذى يكتب به (مجمع البحرين: ۱۷۲/۵).
- ۴۵۸- الصك: كتاب كالسجل يكتب فى المعاملات، و جمع الصك صكاك (مجمع البحرين: ۲۷۹/۵).
- ۴۵۹- تاريخ بغداد: ۲۰۱/۴، اءسد الغاية: ۴۹۲/۴۱۵/۱، مائة منقبة: ۱۴۵، المناقب لابن شهر آشوب: ۳۴۶/۳، الخرائج و الجرائح: ۵۳۶/۲، بحار الانوار: ۹۶/۱۱۷/۲۷ به نقل از ايضاح دفائن النواصب .
- ۴۶۰- اءمالى الصدوق: ۳/۲۳۷، تفسير العياشى: ۴۵/۲۱۱/۲، بحار الانوار: ۱/۲۷۹/۱۰۳ به نقل از اءمالى الصدوق در تمام كتابها به نقل از امام صادق از پدرانئش از رسول خدا ﷺ، روضة الواعظين: ۱۴۶.
- ۴۶۱- المناقب لابن شهر آشوب: ۲۳۵/۳، الصراط المستقيم: ۲۰۹/۱، بحار الانوار: ۲۲۶/۳۹ به نقل از الفضائل الصحابة للسمعانى .

٤٦٢- فضائل الشيعة: ٤٦، بشارة المصطفى: ٣٧، مائة منقبة: ٦٤، بحار الانوار: ١٣٣/٢٢١/٧ به نقل از فضائل الشيعة .

٤٦٣- التفسير المنسوب الى الامام العسكري عليه السلام: ٦٤٦، بحار الانوار: ١١١/١٦٦/٨ به نقل از التفسير المنسوب....

فهرست مطالب

۲	مقدمه
۵	بخش اول: خوشبختی، واقعیت یا خیال
۷	تعریف خوشبختی
۱۳	عوامل خوشبختی
۱۴	آیا برای رسیدن به خوشبختی نیاز به راهنما داریم؟
۱۵	معنای طوبی
۱۸	طوبی در قرآن کریم
۲۱	بخش دوم: عوامل خوشبختی
۲۱	عوامل اعتقادی
۲۱	الف) توحید
۲۲	ب) نبوت
۲۴	ج) امامت
۴۶	د) معاد
۵۱	عوامل عبادی
۵۱	عبادت خداوند سبحان
۵۲	ذکر و یاد خداوند سبحان
۵۵	قرائت قرآن
۵۷	نماز در مسجد
۵۸	تهجد و شب زنده داری
۶۱	روزه

۶۳	عوامل خانوادگی
۶۳	مادر عفیف
۶۳	نیکی به والدین
۶۳	همسر صالح
۶۵	عوامل اجتماعی
۶۵	هم نشینی با نیکان
۶۶	ترحم بر مردم
۶۷	مصلح گمنام
۶۹	مردم شناسی
۷۰	مردم داری
۷۲	عدالت
۷۳	عزالت
۷۴	عوامل اخلاقی
۷۴	قلب پاک
۷۴	غلبه بر هوای نفس
۷۶	تقوا
۸۱	ترس از خداوند سبحان
۸۳	زهد و پارسایی
۸۶	توبه
۸۷	گریه بر گناه
۸۸	اخلاص
۸۹	تواضع
۸۹	اطاعت از خداوند سبحان
۹۲	اخلاق و سیرت نیکو
۹۳	عمل صالح
۹۵	عمل به سنن الهی

۹۵.....	صبر
۹۶.....	قبول نصیحت
۹۷.....	آرزوی کوتاه
۹۸.....	ترک شهوت
۹۹.....	حفظ زبان
۱۰۱.....	راستگویی
۱۰۱.....	قناعت
۱۰۲.....	سیاسگزاری نعمتها
۱۰۳.....	شکوه و وقار
۱۰۳.....	غلبه بر حسد
۱۰۳.....	غلبه بر خشم
۱۰۴.....	عوامل علمی
۱۰۴.....	تحصیل دانش و علوم دینی
۱۰۹.....	عمل به علم
۱۰۹.....	تعلیم و تعلم دانش
۱۱۰.....	احترام به علماء
۱۱۰.....	عوامل اقتصادی
۱۱۰.....	کسب حلال
۱۱۱.....	کفاف (۴۰۴)
۱۱۲.....	انفاق مال
۱۱۳.....	صبر بر فقر
۱۱۴.....	عوامل نظامی
۱۱۴.....	جهاد و شهادت
۱۱۶.....	بخش سوم: نمونه افراد خوشبخت
۱۱۶.....	نمونه افراد خوشبخت

۱۱۶	محمد ﷺ
۱۱۸	علی ؑ
۱۱۹	اصحاب پیامبر ﷺ
۱۲۰	اصحاب امام علی ؑ
۱۲۰	خوشبختی کاذب
۱۲۲	شجره طوبی
۱۳۱	پی نوشت ها:
۱۶۰	فهرست مطالب